میراث حوزهٔ اصفهان

دفتر ششم

به اهتمام

محمد جواد نور محمدی

مرکز تحقیقات رایانه‌ای حوزه علمیه اصفهان

سرشناسه	:	نورمحمّدی، محمّد جواد، ۱۳۴۷
عنوان قراردادی	:	میراث حوزه اصفهان
عنوان و نام پدیدآور	:	میراث حوزه اصفهان، ج ۶، محمّدجواد نورمحمّدی
مشخصات نشر	:	اصفهان ـ مرکز تحقیقات رایانه‌ای حوزه علمیه اصفهان، ۱۳۸۹
شابک	:	۹۷۸ـ۹۶۴ـ۹۶۵۶۷ـ۶ـ۲
وضعیت فهرست‌نویسی	:	فیپا
موضوع	:	اسلام، فلسفه اسلامی، کلام، متون قدیمی تا قرن ۱۴
شناسه افزوده	:	نورمحمدی، محمدجواد، ۱۳۴۷ ـ، گردآورنده
شناسه افزوده	:	حوزه علمیه اصفهان. مرکز تحقیقات رایانه‌ای
رده بندی کنگره	:	BP ۱۱۱۳۸۶ / ۳ س ۹ م
رده بندی دیویی	:	۲۹۷ / ۰۴
شماره کتابشناسی ملی	:	۸۳ـم ۳۵۱۷۲

■ میراث حوزهٔ اصفهان / ج ٦

- به اهتمام : محمّدجواد نورمحمّدی
- پژوهش : بخش احیاء تراث مرکز تحقیقات رایانه‌ای حوزه اصفهان
- ناشر : انتشارات مرکز تحقیقات رایانه‌ای حوزهٔ علمیه اصفهان
- چاپ و لیتوگرافی : اسوه
- نوبت چاپ : اوّل / مهر ۱۳۸۹
- شمارگان : ۱۰۰۰
- بها : ۸۰۰۰ تومان

مرکز پخش: اصفهان ـ خیابان شهید مطهری ـ ابتدای خیابان اردیبهشت
مرکز تحقیقات رایانه‌ای حوزه علمیه اصفهان
تلفن: ۵ـ۲۳۴۳۶۱۰ـ۰۳۱۱ E-mail:info@hozeh.org
دورنگار: ۲۳۴۴۶۱۰ـ۰۳۱۱ WWW.hozeh.org

اجازات ملّا محمّدتقی مجلسی

تدوین: سید جعفر حسینی اشکوری

درآمد:

خدمات گستردهٔ مرحوم ملّا محمد تقی بن مقصود علی مجلسی[1] و فرزند علامه‌اش ملامحمد باقر مجلسی در گسترش احادیث ائمهٔ معصومین علیهم‌السلام بر محققین پوشیده نیست، خدماتی چون: ترجمهٔ بسیاری از کتب اخبار و در اختیار عامهٔ مردم نهادن، اهمیت دادن به مراجع و مصادر کهن حدیثی و انتشار آنها، و پرورش شاگردان فراوان را می‌توان از جملهٔ آنها برشمرد.

۱ـ برای شرح حال وی بنگرید به: ریاض العلماء وحیاض الفضلاء ۴۷/۵، لؤلؤة البحرین ۶۰ـ ۶۱، وقایع السنین والاعوام ۵۲۱، تذکرة القبور گزی ۶۳ـ ۷۰، أمل الآمل ۲۵۲/۲، هدیة الأحباب ۲۵۱، فوائد الرضویة ۴۳۹ـ ۴۴۶، بحار الأنوار (اجازات) ۳۲/۱۱۰ـ ۸۴، ۱۰۵/۱۰۵ـ ۱۴۲، ۳۰/۱، مرآت الأحوال جهان‌نما ۵۷ـ ۷۶، طبقات اعلام الشیعة قرن ۱۰۱/۱۱ـ ۱۰۲، ریحانة الأدب ۱۹۸/۵ـ ۲۰۱، مقدمهٔ کتاب روضة المتقین جلد اول صفحات یا ـ ید، روضات الجنات ۱۱۸/۲ـ ۱۲۳، تعلیقة أمل الآمل ۲۵۵ شمارهٔ ۷۴۲، جامع الرواة ۸۲/۲، بهجة الآمال فی شرح زبدة المقال ۶۵۷/۱ـ ۶۶۱، قصص خاقانی ۳۷/۲ـ ۳۸، الکنی والألقاب ۱۵۰/۳ـ ۱۵۱ ضمن شرح حال فرزندش، قصص العلماء ۲۳۱ـ ۲۳۴، مستدرك الوسائل (خاتمه) ۴۱۶/۳ در بیان مشایخ روایی ملا محمد باقر مجلسی شمارهٔ ۱۹ از اساتید وی، نجوم السماء ۵۹ـ ۶۴، منتخب التواریخ ۷۵۴، دانشمندان و بزرگان اصفهان، مهدوی ۴۲۲/۱ـ ۴۲۴، اعیان الشیعة ۱۹۲/۹، طرائف المقال ۷۹/۱ شمارهٔ ۲۴۶، الفیض القدسی ۲۰۵ـ ۲۲۲، تاریخ اصفهان، جابری ۳۱۸، تکملة أمل الآمل ۳۰۴/۵ـ ۳۰۸ و...

در مقال حاضر بر آنیم تا اشاره‌ای گذرا به برخی از شاگردان مجلسی اول و اجازاتی که برای آنان صادر شده، نمائیم؛ اما قبل از ورود به بحث تذکر چند نکته لازم است:

نکتهٔ اول: برخی از اجازات مرحوم ملا محمد تقی مجلسی در موسوعهٔ سترگ فرزندش، «بحارالانوار»، آمده است که در اینجا فقط به نام مجازین اشاره می‌کنیم تا راهگشای محققین باشد:

الف: طرق روایی مجلسی اول در صحیفهٔ سجادیه (بحارالانوار ۴۳/۱۰۷ ـ ۶۶).

ب: اجازه به میرزا ابراهیم بن کاشف‌الدین محمد یزدی (بحارالانوار ۶۷/۱۰۷ ـ ۷۳).

ج: اجازهٔ ایشان به برخی از شاگردانش (بحارالانوار ۷۴/۱۰۷ ـ ۷۸).

د: اجازه به محمد صادق کرباسی اصفهانی همدانی (بحارالانوار ۷۹/۱۰۷ ـ ۸۴).

نکتهٔ دوم: در برخی از مصادر به نام برخی از شاگردان مجلسی اول اشاره شده است که از وی دارای اجازه بوده‌اند بدین عناوین:

الف محمد حسین (حسن) بن شمس‌الدین محمد اصفهانی، از مجلسی اول دارای سه اجازه بر نسخه‌ای از تهذیب الاحکام به سالهای ۱۰۴۹ تا ۱۰۵۰ ق بوده است (الذریعه ۱۶۲/۱، طبقات، قرن ۱۵۸/۱۱).

ب: عبدالباقی بن بدیع الزمان، دارای اجازه‌ای به سال ۱۰۵۶ ق بر نسخه‌ای از تهذیب الأحکام (الذریعه، ۱۶۳/۱ ش ۸۱۲).

ج: امیر محمد مهدی حسینی، دارای اجازه‌ای به سال ۱۰۶۲ ق بر نسخه‌ای از تهذیب (الذریعه، ۱۶۳/۱ ش ۸۱۳).

د: محمد صالح بن محمد ابهری، دارای اجازه به سال ۱۰۵۲ ق بر نسخه‌ای از فقیه (طبقات، قرن ۲۷۹/۱۱).

هـ: منوچهر ترکمان، دارای اجازه‌ای به سال ۱۰۶۰ در پایان فقیه و اجازه‌ای به سال ۱۰۶۲ در پایان مزار (طبقات، قرن ۵۸۷/۱۱ و ۴۵۸).

و: سید تاج‌الدین حسین حسینی گلستانه، دارای اجازه به سال ۱۰۶۲ (طبقات قرن ۹۱/۱۱).

ز: امیر ابوالحسین حسنی حسینی، دارای اجازه به سال ۱۰۶۷ بر نسخه‌ای از فقیه (تراجم الرجال، ۵۵/۱).

ح: اسماعیل حسینی خاتون آبادی اصفهانی (تراجم الرجال، ۱۵۵/۱).

نکتهٔ سوم: در برخی از فهارس نسخه‌های خطی کتابخانه‌ها به برخی از اجازات مجلسی اول جهت برخی از شاگردانش اشاره شده است که تاکنون به متن اجازات دست نیافته‌ایم، این اجازات با ذکر مصادر آنها چنین‌اند:

الف: اجازه‌ای به میر عبدالحسین خاتون‌آبادی، موجود در دانشگاه تهران، ۳۰۴۶/۹.

ب: اجازه به سید محمود (فهرست مجلس، ۱۲۱/۱۲).

ج: اجازه به امیر محمد مهدی حسینی (فهرست کتابخانهٔ ملك، ۵۳۴/۱).

د: اجازه به علی رضا (فهرست آستان قدس، اهدایی رهبری، ۱۹۷).

هـ: دو انهاء جهت محمد باقر بن فخر الدین علی (کتابخانهٔ مجلس، ۶۳۸/۱۰).

و: دو انهاء جهت محمد حسین بن هادی (کتابخانهٔ ملی، ۳۶۳/۱۰).

ز: اجازه به ملا عبدالله فرزند خود (فهرست دانشکدهٔ حقوق، ۴۲۲/۱).

ح: چندین انهاء جهت محمد محسن بن امیر عبدالکریم حسینی (فهرست آستان قدس، ۵۵۲/۱۴).

ط: اجازه به ملا محمد رضا (فهرست مجلس، ۱۸۴/۱۳).

نکتهٔ چهارم: نسبت به اجازات مجموعهٔ حاضر چند نکته را متذکر می‌شویم:

الف: این اجازات برای بار اول چاپ و در دسترس محققین قرار می‌گیرد.

ب: در اجازات حاضر نام ۳۲ تن از شاگردان مجلسی اول با متن ۵۲ اجازهٔ مختصر و مفصل آمده است.

ج: در شرح حال برخی از شاگردان به مصادر شرح حال آنان اشاره شده است، ولی مهم در اجازات حاضر آن است که اکثر این شاگردان ناشناس وکمتر نام آنها در مصادر به چشم می‌خورد.

د: در پاورقی به نام کتابی که اجازه بر آن ثبت شده با مکان وجود آن کتاب اشاره شده است.

هـ: آنچه در برخی از موارد لازم می‌نمود بین دو قلاب [ ] آمده است.

و: در پاره‌ای از موارد به علت رطوبت دیدگی یا ناخوانا بودن متن یا دلائل دیگر، به جای عبارات ناخوانا... جایگزین شده است.

ز: آنچه در حاشیهٔ اجازات نوشته شده بود، در پاورقی آمده است.

پر واضح است که کار اجازات مرحوم ملا محمد تقی مجلسی به اینجا خاتمه نمی‌یابد وفرصتی بس فراتر می‌طلبد تا تمامی مصادر بررسی گردد، امید آن است که تعداد دیگری از اجازات و شاگردان آن مرحوم فراهم آید تا پژوهشگران این رشته را به کار آید.

قم مقدسه ـ اول رمضان المبارك ۱۴۲۹

سید جعفر حسینی اشکوری

(١)

الشيخ ابراهيم*

نسخه‌ای از کتاب «الصحيفة السجادية» را نزد ملاّ محمدتقی مجلسی خوانده و اجازه‌ای به سال ١٠٥۶ ق به او داده است[1].

[١]

بلغ المولى الفاضل الكامل العالم العامل الشيخ إبراهيم ـ أدام الله تعالى تأييده ـ هذه... في مجالس آخرها أواسط شهر ذي القعدة الحرام لسنة ست و خمسين بعد الألف.

وأجزت له أن يروي الصحيفة الكاملة عنّي بأسانيدي المتصلة إلى سيّد الساجدين ـ صلوات الله وسلامه عليه ـ، والتمست منه ـ دام معاليه ـ أن لا ينساني في مظانّ إجابة الدعوات.

نمّقه بيده الفانية أحوج المفتاقين إلى رحمة ربّه الغني محمّد تقي بن مجلسي الاصفهاني ـ عفي عنهما بالنبي والوصي ـ حامداً مصلّياً مسلماً.

---

*ـ احتمالاً وی همان ابراهیم بن کاشف‌الدین محمد یزدی است که اجازه‌ای از مجلسی اول در بحارالانوار ج ١٠٧، ص ۶٧ جهت وی آمده است و شرح حال وی در طبقات اعلام‌الشیعة، قرن ١١، ص ٣ ثبت شده است.

١ـ کتابخانهٔ مرعشی، ش ١٢٨٧۵.

(۲)

ابوالحسن بن معزالدین محمد قهجاورستانی

نسخه‌ای از «من لا یحضره الفقیه» را بـه سـال ۱۰۶۰ ق کـتابت نـموده و آن را نـزد مجلسی اول خوانده است و وی انهائی به سال ۱۰۶۰ ق برای او نگاشته است[۱].

[۲]

أنهاه المولى الفاضل والعالم الكامل مولانا أبوالحسـن ـ أحـسن الله تـعالى حـاله ـ سـماعاً وتحقيقاً وتصحيحاً في مجالس آخرها أواسط شهر رجب لسنة ستّين بعد الألف من الهجرة.

نقله بيده الدائرة أحوج المفتاقين إلى رحمة ربّه الغني محمد تقي بـن مـجلسي ـ عـفي عنهما ـ حامداً مصلياً مسلماً.

(۳)

أبوالفتح بن محمد حسینی خوراسکانی*

جزء سوم و چهارم از «من لا یحضره الفقیه» را به سال ۱۰۵۰ ق نگاشته و آنـرا نـزد مجلسی اول خوانده است و وی انهائی به سال ۱۰۵۱ ق برای او نوشته است[۲].

[۳]

أنهاه ـ أدام الله تعالى توفيقه وتأييده ـ سماعاً وضبطاً وتحقيقاً في مجالس آخرها أواسط شهر جمادي الاولى سنة احدى وخمسين بعد الألف.

۱ـ کتابخانهٔ آستان قدس رضوی، مشهد، ش ۵۶۹۸.

*ـ طبقات اعلام الشیعة، قرن ۱۱، ص ۴۲۹.

۲ـ کتابخانهٔ امیرالمؤمنین ﷺ - علامهٔ امینی - نجف اشرف.

نمّقه أحوج المربوبين إلى رحمة ربّه الغني محمد تقي بن مجلسي ـ عفي عنهما بالنبي والوصي ـ حامداً مصلياً مسلماً.

(٤)

اسماعيل بن مير عماد بن حسن حسيني خواتون آبادى*

در پايان نسخه‌اى از «من لا يحضره الفقيه» صورت اجازهٔ مجلسى اول جهت وى به سال ١٠٦٧ ق آمده است[١].

[٤]

بسم الله الرحمن الرحيم

أنهاه السيد الجليل العالم النبيل ـ أدام الله تعالى تأييده ـ الأمير إسماعيل وكثر في العلماء مثله بقرائتي عليه في مجالس آخرها أواخر شهر الله الأعظم لسنة سبع وستين بعد الألف الهجرية، وأجزت له أن يروي ـ دام مجده ـ بعد الإستجازة أن يروي زبور آل محمد وانجيل أهل البيت والدعاء الكامل الصحيفة الكاملة مع ساير كتب الأدعية مع كتب الأحاديث، سيّما الكتب الأربعة بأسانيدي المستكثرة البالغة حدّ التواتر وفوقه بالأضعاف الكثيرة منها:

ما أخبرني به الشيخ الأعظم بل الوالد المعظم علّامة الزمان ووحيد الأوان بهاء الملّة والشريعة والطريقة والحقيقة والورع والتقوى والدين محمد العاملي الحارثي الهمداني، عن أبيه شيخ الإسلام والمسلمين العلّامة الفهّامة الحسين بن عبدالصمد بن الشيخ الأجل صاحب الكرامات شمس‌الدين محمد، عن الشيخ الأعظم الأجل محقق الحقائق زين الملّة والدين، عن شيخ علمائنا المحققين مروّج مذهب الأئمة المعصومين ـ سلام الله وصلواته عليهم أجمعين ـ في المائة التاسعة نورالدين علي بن عبدالعالي ـ رضي الله تعالى عنهم ـ.

---

* ـ طبقات اعلام الشيعة، قرن ١١، ص ٤٦ ـ ٤٧.

١ ـ كتابخانهٔ مرعشى، ش ٥٣٠٤.

ح: وما أخبرني به أستادي ومن عليه في العلوم الدينية استنادي شيخ علماء الزمان ومربّي الفضلاء الأعيان الزاهد العابد البدل مولانا عبدالله بن الحسين التستري، عن الشيخ الأجل نعمت الله بن خاتون العاملي، عن الشيخ نورالدين علي بن عبدالعالي.

ح: وعن جماعة من الأعلام منهم: أستاد الفضلاء القاضي أبوالشرف، وخالي مولانا محمد قاسم، والشيخ الأجل عبدالله بن جابر العاملي ابن عمّة والدتي، عن جدّي المقام وحيد عصره في العلوم الدينية والمعارف اليقينية مولانا درويش محمد ابن الشيخ العابد الزاهد الورع البدل الحسن النطنزي العاملي، وعن الشيخ جابر العاملي، وهما عن الشيخ نورالدين علي -رضي الله تعالى عنهم-.

ح: وعن جماعة من الفضلاء الأعلام منهم: الشيخ بهاءالدين محمد، والعلّامة الفهّامة القاضي معزالدين محمد، والشيخ الجليل يونس الجزائري، جميعاً عن العلّامة الفهّامة الشيخ عبدالعالي، عن أبيه الشيخ علي بن عبدالعالي، عن الشيخ الأجل الأعظم الشيخ نورالدين علي بن هلال الجزائري، عن الشيخ جمال العارفين أحمد بن فهد الحلّي، عن الشيخ زين‌الدين علي بن الخازن، عن شيخ علمائنا المحققين وارث علوم الأنبياء والمرسلين السعيد الشهيد محمد بن الشيخ الأجل مكّي.

ح: وعن الشيخ نورالدين علي بن عبدالعالي، عن ابن الشهيد محمد بن أحمد بن داود الشهير بـ«ابن المؤذّن»، عن الشيخ الأجل ضياءالدين علي، عن أبيه الشهيد محمد بن مكّي.

ح: وعن إبن المؤذّن، عن السيد الأعظم علي دقماق الحسيني، عن الشيخ الفاضل علي ابن طي، عن الشيخ شمس‌الدين جزّيني، عن السيد حسن بن أيّوب، عن الشهيد ابن مكّي.

ح: وعن إبن المؤذّن، عن جماعة كثيرة بوسايط قليلة وكثيرة، عن الشهيد، عن جماعة جمّة من الفضلاء الأعلام منهم: فخر المحققين محمد ابن العلّامة بالإطلاق حجة الله على العالمين جمال‌الدين الحسن بن الشيخ الأعظم سديدالدين يوسف بن مطهر الحلّي، والسيد الأعاظم عميدالدين عبدالمطلب، والسيد الأجلّ الأعظم العلّامة تاج‌الدين محمد بن القاسم بن معيّة الحسني الديباجي، والعلّامة الفهّامة مولانا قطب‌الدين محمد الرازي،

والسيد الأجل الأعظم أحمد بن محمد بن زهرة الحلبي، والسيد الأجل مهنّا بن سنان المدني وغيرهم، عن العلّامة، عن أبيه يوسف، وشيخ علمائنا المحقّقين الشيخ نجم‌الدين أبي‌القاسم جعفر بن الحسن بن سعيد، عن السيد الأعظم فخّار بن معد الموسوي، عن علي ابن السكون، والشيخ الأعظم عميدالرؤساء هبة الله بن حامد بن أيّوب، عن السيد الأجل بهاء الشرف إلى آخر ما في أوّل السند في المتن.

ح: وعن السيد تاج‌الدين، عن... بن معد، عن أبيه السيد جلال‌الدين القاسم بن معية، عن عميد الرؤساء، عن السيد الأجل... الخ.

وعن السيد تاج‌الدين بأسانيد متكثرة، عن السيد فخّار، عن الشيخ محمد بن محمد بن هارون، عن أبي‌طالب حمزة بن شهريار، عن السيد الأجل.. الخ.

وعن السيد فخّار، عن الشيخ الأجل محمد بن ادريس، عن الشيخ الأعظم أبي علي الحسن بن محمد بن الحسن الطوسي، عن أبيه شيخ الطائفة المحقّة، عن الشيخ الأعظم الثقة الحسين بن عبيدالله الغضائري، عن أبي‌المفضّل الشيباني كما هو المذكور في الحاشية.

ح: وبالأسانيد المتواترة عن شيخ الطائفة بكتبه التي منها: تهذيب الحديث والإستبصار.

وعن الشيخ الطوسي، عن العلّامة الفهّامة محمد بن محمد بن النعمان المفيد وغيره، عن الصدوق أبي جعفر محمد بن علي بن الحسين بن موسى بن بابويه القمي بكتبه سيّما من لايحضره الفقيه.

وعن المفيد، عن أبي‌القاسم جعفر بن محمد بن قولويه القمي، عن رئيس المحدّثين ثقةالإسلام محمد بن يعقوب الكليني الرازي بكتبه سيّما الكافي.

فليرو السيد اللوذعي الألمعي عنّي هذه الكتب وغيرها بهذه الأسانيد وغيرها إلى أصحاب الكتب وإن كان الأظهر أنّه لايحتاج في الكتب المتواترة إلى الأسانيد كأمثال هذه الكتب إلّا على سبيل التيمّن والتبرك. والمرجوّ من الولد الأعزّ أن لا ينساني في الخلوات وفي مظان إجابة الدعوات.

نمّقه بيمناه الدائرة أحوج المفتاقين إلى رحمة ربّه الغني محمد تقي بن مجلسي حامداً مصلياً مسلماً.

(۵)

امیر هاشم*

مجلسی اول اجازه‌ای برای نقل حرز یمانی جهت وی نگاشته است[۱].

[۵]

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، والصلاة على أشرف المرسلين محمد وعترته الطاهرين.

وبعد: فقد التمس منّي السيد النجيب، زبدة السادات العظام والنقباء الكرام أمير هاشم ـ أدام الله تعالى تأييداته بجاه محمد وآله الأقيهيين ـ أن أجيز له الحرز اليماني المنسوب إلى أمير المؤمنين وامام المتقين وخير الخلايق بعد سيد النبيّين ـ صلوات الله وسلامه عليهما مادامت الجنة مأوى الصالحين ـ فأجزت له ـ أدام تأييده ـ أن يرويه عنّي باسنادي عن السيد العابد الزاهد العدل أمير إسحاق الإسترآبادي المدفون قرب سيّد شباب أهل الجنّة أجمعين كربلا، عن مولانا ومولى الثقلين خليفة الله تعالى صاحب العصر والزمان ـ صلوات الله عليه وعلى آبائه الأقدسين ـ وقال: أعييت في طريق مكة المعظّمة فتأخرت عن القافلة وآيست عن الحياة واستلقيت كالمحتضر وشرعت في الشهادة، فإذا على رأسي مولانا ومولى العالمين خليفة الله على الناس أجمعين فقال: قم يا اسحاق، فقمت وكنت عطشاناً، فسقاني الماء فأردفني خلفه، فشرعت في قراءة هذا الحرز وهو ـ صلوات الله عليه ـ يصلح حتّى تمّ فإذا أنا بأبطح، فنزلت عن المركب وغاب عنّي، وجائت القافلة بعد تسعة أيام واشتهر بين أهل مكة انّي جئت بطيّ الأرض، فاختفيت بعد مناسك الحج وكان قد حجّ على قدميه أربعين حجّة.

---

*ـ طبقات اعلام الشيعة، قرن ۱۱، ص ۶۳۰، نام وی «المیر محمد هاشم» ثبت شده است.

۱ـ صورت اجازه در مرکز احیاء میراث اسلامی، شمارهٔ (۳۴۵۴) موجود است.

ولمّا تشرفت في اصفهان بخدمته في مجيئه من كربلا إلى زيارة مولى الكونين الامام علي بن موسى الرضا ـ صلوات الله عليهما ـ وكان في ذمّته مهر زوجته سبعة تومان، وكان له هذا المبلغ عند واحد من سكّان المشهد الرضوي، فرأى في المنام انّه قرب موته فقال: إنّي كنت مجاوراً في كربلا خمسين سنة لأن أموت فيه وأخاف أن يدركني الموت في غيره.

فلمّا اطلع عليه بعض اخواننا أدّى المبلغ وبعثت معه من أخواني في الله، فقال: لمّا وصل السيّد إلى كربلا وأدّى دينه مرض ومات يوم التاسع ودفن في منزله. ورأيت أمثال هذه الكرامات في مدة إقامته بإصفهان ـ رضي الله تعالى عنه ـ.

ولي لهذا الدعاء إجازات كثيرة إقتصرت عليها، فالمرجوّ منه ـ دام تأييده ـ أن لا ينساني في مظان إجابة الدعوات، والتمست منه أن لا يقرأ هذا الدعاء إلّا لله تعالى، ولا يقرأ بقصد هلاك عدوّه إذا كان مؤمناً وإن كان فاسقاً أو ظالماً، وأن لا يقرأ لجمع الدنيا الدنيّة بل ينبغي أن يكون قرائته للتقرب إلى الله تعالى ولدفع ضرر شياطين الجنّ والانس عنه وعن جميع المؤمنين إذا أمكنه نيّة القربة في هذا المطلب، وإلّا فالأولى ترك جميع المطالب غير القرب منه تعالى شأنه.

نمّقه بيمناه الداثرة أحوج المربوبين إلى رحمة ربّه الغني محمد تقي بن مجلسي الاصفهاني حامداً لله تعالى ومصلّياً على سيّد الأنبياء وأوصيائه النجباء الأتقياء.

(۶)

سید حسن بن حسین بن محمد کیا حسینی جیلانی

نسخه‌ای از «تهذیب الأحکام» را بین سالهای ۱۰۲۲ تا ۱۰۵۱ ق در اصفهان نگاشته است و آن را نزد مجلسی اول خوانده و وی چندین أنهاء برای او بین سالهای ۱۰۶۰ تا ۱۰۶۲ ق نگاشته است[۱].

۱ـ کتابخانهٔ مدرسهٔ امام صادق علیه السلام، اردکان ۱۷۹.

[٦]

بسم الله الرحمن الرحيم

أنهاه السيد السند المولى الفاضل العامل السيد حسن الجيلي ـ أدام الله تأييده ـ سماعاً وتحقيقاً وضبطاً في مجالس آخرها أواخر شهر الله محرم الحرام لسنة ستين بعد الألف من الهجرة.

نمّقه بيده الداثرة أحوج المفتاقين إلى رحمة ربّه الغني محمد تقي بن مجلسي ـ عفي عنهما بالنبي والوصي ـ حامداً مصلياً مسلماً.

[٧]

أنهاه السيد الفاضل اللوذعي الألمعي مير حسن ـ أدام الله تعالى تأييده ـ سماعاً وتصحيحاً وتحقيقاً في مجالس آخرها أواخر شهر جمادى الآخرة لسنة ستين بعد الألف من الهجرة.

نمّقه بيده الداثرة أحوج المربوبين إلى رحمة ربّه الغني محمد تقي بن مجلسي ـ عفي عنهما ـ حامداً مصلياً مسلماً.

[٨]

أنهاه السيد العالم والفاضل العامل السيد حسن ـ أحسن الله تعالى أحواله في الدارين ـ سماعاً وتحقيقاً في مجالس آخرها أواسط شهر محرم الحرام لسنة احدى وستين بعد الألف.

نمّقه بيده الداثرة أحوج المربوبين إلى رحمة ربّه الغني محمد تقي بن مجلسي ـ عفي عنهما ـ حامداً مصلياً مسلماً.

[٩]

أنهاه السيد الفاضل والعالم العامل السيد حسن ـ أدام الله تعالى تأييده ـ سماعاً وضبطاً وتصحيحاً في مجالس آخرها أواسط شهر محرم الحرام لسنة اثني وستين وألف من الهجرة حامداً مصلياً مسلماً.

[۱۰]

أنهاه السيد الفاضل الكامل اللوذعي الألمعي الأمير حسن ـ أدام الله تعالى تأييده ـ سماعاً وتصحيحاً وتحقيقاً في مجالس آخرها أواخر شهر ربيع الأول لسنة اثني وستين بعد الألف.

نمّقه بيده الداثرة أحوج المربوبين إلى رحمة ربّه الغني محمد تقي بن مجلسي، والحمدلله ربّ العالمين والصلاة على محمد وآله القديسين.

(۷)

آقا حسین بن جمال الدین محمد خوانساری*

مرحوم مجلسی اول اجازهٔ مفصلی به تاریخ ۱۰۶۲ جهت وی نگاشته است[۱].

[۱۱]

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي جعل الروايه دركاً لمبين أحكامه، ووصلة لنيل أعلى درجات جنانه، ونوراً يهدي إلى اتباع هداة صراطه، والصلاة على سيد المرسلين وخير البرية أجمعين محمد والمقدّسين من آله.

وبعد: فيقول فقير عفو ربّه الغني محمد تقي بن مجلسي الاصفهاني: إنّه قد تطابق العقل والنقل على أنّ أشرف المآرب وأنجح المطالب هو العلم الذي به يفضل على ملائكة السموات، ويستحق باعماله أعلى وأعظم الدرجات، ويتوسل به إلى رضى خالق الأرضين والسموات، وما هو إلّا العلم بكتاب الله المجيد المأخوذ عن سيّد الأنبياء وعترته الأصفياء

---

*ـ برای شرح حال مفصل وی بنگرید به: محقق خوانساری، تألیف حاج محمد حسن فاضلی خوانساری، به تحقیق اینجانب سید جعفر حسینی اشکوری، الذریعه، ج ۱، ص ۱۶۲ـ۱۶۳، شمارهٔ ۸۰۹، طبقات، قرن ۱۱، ص ۳۳۷ و ۴۰۳.

۱ـ کتابخانهٔ علامه سید محمد علی روضاتی، اصفهان.

كما هو مبين من حديث الثقلين وغيره، بل جميع أخبارهم بيان المراد من الكتاب المبين.

ولذا كان السلف ـ رضي الله تعالى عنهم ـ همتهم ابدا رعاية الأخبار بالهمم العالية والفطن الصافية بأوامر أئمّتهم الهادية ـ سلام الله عليهم ـ تارة بالحفظ لما يروونه والفرق بين ما يقبلونه و يردونه، وأخرى بالجمع والتأليف والاقرار والرواية على أكمل وجوه الرعاية.

ثمّ درست عوائد التوفيق وطمست فوائد التأييد وذهبت معالم الشريعة البيضاء المصطفوية، و زالت آثار الطريقة الغراء المرتضوية، والله سبحانه لم يخلفهم لهذا التضييع، ولم يبعثهم للانهماك في هذا الجهل الفضيع فإنّا لله وإنّا إليه راجعون[1] ولا حول ولا قوّة إلّا بالله العلي العظيم.

تمّ إنّي لمّا تشرفت برهة من الزمان بصحبة العالم الفاضل، العامل الكامل، ذي النفس الطاهرة الزكية، والهمّة الباهرة العلية، والأخلاق الزاهرة الملكية، جامع المعقول والمنقول، حاوي الفروع والأصول، المترقي من حضيض التقليد إلى اوج اليقين، حلّال المشكلات برأيه الصائب، كشّاف المعضلات بنظره الثاقب، مستجمع الكمالات والمناقب، العلّامة الفهّامة اللوذعي الألمعي آقا حسين بن الفاضل الكامل التقي النقي جمال‌الدين محمد الخونساري ـ أسعد الله تعالى جدّه ووفّقه تعالى للعروج إلى أعلى معارج اليقين وسلوك مسالك المتقين واتباع آثار الأئمّة الطاهرين صلوات الله عليهم أجمعين ـ، وقرأ على هذا الضعيف جمّاً غفيراً من الفقه والحديث والرجال على أكمل التحقيق والتدقيق.

والتمس منّي أن اجيز له رواية ما جازلي روايته، فاستخرت الله تعالى وأجزت له ـ وإن لم أكن أهلاً له ـ أن يروي ـ أدام الله تعالى تأييده وكثر في العلماء مثله ـ عنّي رواية جميع ما يجوز لي روايته من كتب علمائنا المتقدّمين والمتأخّرين سيّما كتب الأحاديث خصوصاً الكتب الأربعة المتداولة من الكافي ومن لا يحضره الفقيه والتهذيب والاستبصار للأبي جعفرين المحمدين الثلاثة ـ رضي الله تعالى عنهم ـ فليرو عنّي ـ دام ظلّه ـ هذه الكتب وغيرها بأسانيدي الكثيرة إلى مؤلفيهم:

۱ـ اقتباس من سورة البقره، الآيه ۱۵۶.

منها: ما أخبرني به الشيخ الأعظم والوالد المعظم، شيخ فضلاء الزمان ومربّي العلماء الأعيان، أفضل المحققين، أكمل المدققين، الزاهد العابد، الورع الثقة، التقي النقي، المولى عبدالله بن حسين التستري ـ أعلى الله درجته في الجنان وحشره مع النبيّ والأئمّة الكرام ـ، عن الشيخ الجليل والفاضل النبيل نعمة الله بن أحمد بن محمد بن خاتون العاملي، عن أبيه الشيخ الحافظ المتقن، خلاصة الفضلاء والأتقياء الشيخ جمال‌الدين أحمد، عن والده الجليل شمس‌الدين محمد بن خاتون، عن الشيخ الأكمل جمال‌الدين أحمد بن الحاج علي، عن الشيخ الفاضل الكامل زين‌الدين جعفر بن الحسام، عن السيد الجليل والكامل النبيل حسن بن نجم‌الدين، عن شيخ علماء الزمان وأفضل فضلاء الأوان، السعيد الشهيد، محمد بن مكّي ـ رضي الله عنهم أجمعين ـ.

ح: وأخبرني الشيخ المعظّم والوالد الأعظم، شيخ الإسلام والمسلمين، علامة الزمان، رئيس المحدّثين المتقنين، بهاء الملّة والحق والدين، محمد العاملي الهمداني ـ أفاض الله تعالى مراحمه الشريفة على تربته الزكية ـ، عن والده الشيخ الجليل الفاضل العلامة الفهّامة حسين بن الشيخ الفاضل العالم العامل، عبدالصمد بن الشيخ الفاضل الزاهد الورع، شمس‌الدين محمد ـ أنار الله برهانهم ـ، عن الشيخ الأعظم الأعلم، محيي ما درس من سنن المرسلين، ومحقق حقايق الأولين والآخرين زين‌الدين بن علي بن أحمد بن جمال‌الدين بن تقي‌الدين صالح بن مشرف ـ جزاه الله عن الايمان والمؤمنين أحسن الجزاء بمحمد وآله الطاهرين ـ، عن الشيخ الجليل أفضل المحققين وأكمل المدققين، مروّج مذهب الأئمّة المعصومين ـ سلام الله عليهم أجمعين ـ نورالدين علي بن عبدالعالي ـ أنار الله روحه المقدّسة ـ.

ح: وأخبرني جماعة من الفضلاء منهم: الشيخ الجليل والعالم النبيل، أستاد الفضلاء أبوالشرف، والشيخ الصالح الكامل الفاضل عبدالله العاملي، عن جدّي الفاضل العالم العامل، شيخ الفقهاء والمحدّثين في زمانه الشريف المولى درويش محمدﷺ ابن الشيخ الجليل الفاضل النبيل، الزاهد الورع التقي النقي الشيخ حسن النطنزي العاملي، عن الشيخ نورالدين علي بن عبدالعالي.

ح: وبأسانيدي المتكثرة غير ما ذكر عنه، عن الشيخ الفاضل العالم العامل السعيد ابن عمّ الشهيد شمس‌الدين محمد بن محمد بن محمد بن داود الشهير بابن المؤذن الجزيني، عن الشيخ الفاضل النبيل ضياءالدين علي نجل الشيخ الجليل السعيد الشهيد شمس‌الدين محمد بن مكّي، عن أبيه ـ قدّس الله أرواحهم الزكية الطاهرة ـ.

ح: وبالاسناد إلى الشيخ شمس‌الدين بن داود، عن الشيخ أبي القاسم علي بن طيّ، عن الشيخ شمس‌الدين العريضي[1]، عن السيد حسن بن أيّوب الشهير بابن نجم‌الدين بن الأعرج الحسيني، عن الشهيد ـ رحمهم الله تعالى ـ.

ح: وعن الشيخ شمس‌الدين، عن الشيخ عزالدين حسن بن العشرة، عن جمال الاسلام والمسلمين، الزاهد الورع التقي النقي أحمد بن فهد، عن الشيخ زين‌الدين علي بن الخازن الحائري، عن الشهيد.

ح: وعن الشيخ شمس‌الدين بن داود، عن السيّد الأجل المحقّق السيّد علي بن دقماق الحسني، عن الشيخ الفاضل المحقّق شمس‌الدين محمد بن شجاع القطان، عن الشيخ المحقق أبي عبدالله المقداد بن عبدالله السيوري الحلّي، عن الشهيد.

ح: وبهذا الاسناد عن المقداد جميع مصنّفاته.

ح: وبالاسناد المتقدّم إلى الشيخ جمال‌الدين أحمد بن فهد جميع مصنّفاته.

ح: وبالاسناد المتقدّم إلى الشيخ عزالدين بن العشرة إلى الشيخ شمس‌الدين محمد بن نجدة الشهير بابن عبدالعالي، عن الشهيد.

ح: وبالاسناد إلى الشهيد الثاني، عن الشيخ الأجل الأعلم، أفضل المتأخرين في العلم والعمل، السيد حسن بن السيد جعفر بن السيد فخرالدين بن السيد حسن بن نجم الدين بن الأعرج الحسيني، عن الشيخ علي بن عبدالعالي.

ح: وبالاسناد عنه ـ رحمه الله تعالى ـ، عن الشيخ العالم العامل، جمال‌الدين أحمد بن محمد بن خاتون، إلى الشهيد بالاسناد الأول.

۱ـ در متن چنین آمده است ولی در برخی مصادر القریضي مذکور است.

ح : وعن الشيخ جمال‌الدين أحمد وجماعة من فضلاء الأصحاب ، عن الشيخ الأجل الأكمل نورالدين علي بن عبدالعالي ، عن الشيخ الأعظم الأكمل نورالدين علي بن هلال الجزائري ، عن الشيخ جمال‌الدين أحمد بن فهد ، عن الشيخ علي بن الخازن الحائري ، عن الشهيد ﷺ .

ح : وأخبرني اجازة السيد الجليل والفاضل النبيل الأمير ، شرف‌الدين علي الحسني الحسيني ـ دام ظلّه ـ ، عن السيد الفاضل الكامل الأمير فيض الله ، وعن الشيخ المحقق المدقق الشيخ محمد ، عن الشيخ الجليل والفاضل النبيل الشيخ حسن ، عن الشيخ المحقق حسين بن عبدالصمد ، عن الشيخ الأعلم الأفضل الشيخ زين‌الدين .

ح : وعن السيد فيض الله ، عن السيّد الجليل أبي الحسن علي بن الحسين العاملي ، عن الشيخ زين‌الدين ﷺ ، عن الشيخ علي بن عبدالعالي ـ قدّس الله روحه ـ .

ح : وعن الشيخ الجليل والفاضل المعظم ميرزا محمد الاسترآبادي ﷺ ، عن الشيخ الجليل السعيد ابراهيم بن الشيخ الأكمل نورالدين علي بن عبدالعالي ، عن أبيه ـ روح الله أرواحهم ـ .

ح : وأخبرني اجازة جماعة من الفضلاء الأتقياء منهم : الشيخ الجليل الزاهد الورع جابر بن عباس النجفي ، والسيد التقي النقي السيد عبدالكريم العاملي ، عن سيّد المحققين والمدققين ، السيد محمد بن السيد علي العاملي صاحب كتاب المدارك ، عن أبيه ، عن الشهيد الثاني ، عن الشيخ نورالدين علي ، بأسانيده إلى الشهيد ـ رحمهم الله وارضاهم ـ ، عن الشيخ الجليل فخرالمحققين والمدققين أبي طالب محمد بن العلّامة ، والسيّد الجليل الطاهر ذي المجدين المرتضى عميدالدين عبدالمطلب بن السيّد مجدالدين أبي الفوارس محمد بن علي بن الأعرج الحسيني ، والسيد العلّامة النسّابة المرتضى النقيب تاج‌الدين أبوعبدالله محمد بن القاسم بن مُعيّة الحسني الديباجي ، والسيّد الجليل العريق الأصيل أحمد بن أبي ابراهيم محمد بن محمد بن الحسن بن زهرة الحلبي ، والسيد الكبير العالم مهنّا بن سنان المدني ، والشيخ العلّامة ملك العلماء ، سلطان المحققين وأكمل المدققين ، قطب الملّة

والدين محمد بن محمد الرازي شارح المطالع وغيره، والشيخ العلّامة ملك الادباء والفضلاء رضي‌الدين أبوالحسن علي بن الشيخ جمال‌الدين أحمد بن يحيى المعروف بالمزيدي، والشيخ المحقّق زين‌الدين أبوالحسن علي بن طراد المطاريادي، وغيرهم من الفضلاء، عن الشيخ الأجل العلّامة سلطان العلماء وترجمان الحكماء جمال الملّة والحق والدين الحسن ابن الشيخ الفاضل العالم سديدالدين يوسف بن علي بن مطهر الحلّي ـ قدّس الله أرواحهم ـ.

ح: وقال الشهيد الثاني ـ رحمه الله تعالى ـ: وأروي مصنّفات ومرويّات السيّد تاج‌الدين ابن مُعيّة المذكور وجميع ما يصحّ عنه أيضاً عن وَلَدَي شيخنا الشهيد أبي طالب محمّد وأبي القاسم ضياءالدين علي، عن السيّد تاج‌الدين المذكور بغير واسطة. أمّا ضياءالدين علي فبالاسناد إلى الشيخ شمس‌الدين بن داود عنه، وأما أبوطالب محمد فبالاسناد إلى الشيخ عزالدين بن العشرة عنه.

رأيت خط هذا السيّد المعظم بالاجازة لشيخنا السعيد شمس‌الدين محمد بن مكّي ولولديه محمّد وعلي ولاختهما أمّ الحسن فاطمة المدعوّة ست المشايخ ولجميع المسلمين ممّن أدرك جزءاً من حياته بجميع ذلك عن مشايخه منهم: الشيخ جمال‌الدين العلّامة، والسيّد مجدالدين أبوالفوارس محمّد بن علي بن الأعرج والد السيّد ضياءالدين وعميدالدين ﷺ، والسيّد الجليل النسّابة علم‌الدين المرتضى بن السيّد جلال‌الدين عبدالحميد بن السيّد النسّابة الطاهر الأوحد فخّار بن معد الموسوي، والسيّد رضي الدين علي بن السيّد غياث‌الدين عبدالكريم بن السيّد جمال‌الدين أبي الفضائل أحمد بن طاوس الحسني، والسيّد كمال‌الدين الحسن بن محمد الآوي الحسيني، والشيخ صفي‌الدين محمد ابن الشيخ نجيب‌الدين يحيى بن سعيد، والشيخ جمال‌الدين يوسف بن حمّاد، والشيخ جلال‌الدين محمد بن الكوفي، وغيرهم عن مشايخهم وجميع مصنّفات هؤلاء ومؤلّفاتهم.

ح: وبالاسناد إلى الشيخ أبي طالب محمد بن الشهيد جميع مصنّفات ومرويّات والده والشيخ فخرالدين بن المطهر عنه بغير واسطة باجازة سبقت منه إليه.

ح: وبالاسناد المتقدّم إلى الشيخ رضي‌الدين علي بن أحمد المزيدي و زين‌الدين علي

ابن طراد جميع مصنّفات ومرويّات الشيخ الجليل الأديب تقي‌الدين الحسن بن علي بن داود الحلّي.

وعنه جميع مصنّفات ومرويّات الشيخ المحقق شيخ الطائفة نجم‌الدين أبي القاسم جعفر ابن سعيد.

وجميع مصنّفات ومرويّات السيد العلّامة جمال‌الدين أبي الفضائل أحمد بن موسى بن جعفر بن الطاوس الحسني مصنّف كتاب البشرى وكتاب ملاذ العلماء وكتاب حل الاشكال في معرفة الرجال وغيرها من الكتب تمام اثنين وثمانين مجلداً كلها من أحسن التصانيف ـ قدّس الله روحه ـ.

وجميع مصنّفات ومرويّات ولده السعيد صاحب الكرامات والمقامات غياث‌الدين عبدالكريم وغيرهم، وسيأتي إن شاء الله تعالى ذكر مشايخ هؤلاء الأفاضل واتصالهم بمن تقدم.

ح: وعن السيّد غياث‌الدين جميع مصنّفات ومرويّات الشيخ السعيد المحقق سلطان الحكماء والفقهاء والوزراء نصيرالدين محمد بن محمد بن الحسن الطوسي.

ح: وبالاسناد المتقدّم عن العلّامة جمال‌الدين بن مطهّر، عنه أيضاً.

وعن السيد غياث‌الدين، عنه أيضاً.

ح: وبالاسناد المتقدم إلى الشيخ رضي‌الدين المزيدي جميع ما رواه عن مشايخه مضافاً إلى العلّامة منهم: الشيخ الصالح العالم شمس‌الدين محمد بن أحمد بن صالح السيبي القسّيني تلميذ السيّد فخار بن معد الموسوي، ومنهم: السيّد رضي‌الدين بن معيّة الحسني، ومنهم: الشيخ العلّامة فخرالدين أبوالحسن علي بن يوسف بن البوقي اللغوي، والشيخ العالم صفي‌الدين محمد بن نجيب‌الدين يحيى بن سعيد، والشيخ تقي‌الدين الحسن بن داود، والشيخ الأفضل الأعلم شيخ الطائفة وملاذها شمس‌الدين محمد بن جعفر بن نما الحلّي، ومنهم: والده السعيد جمال‌الدين أحمد بن يحيى المزيدي وغيرهم، عن مشايخهم بطرقهم إليهم، وعن هؤلاء المشايخ جميع مصنّفاتهم ومروياتهم.

ح: وبالاسناد المتقدم إلى السيد المرتضى عميدالدين جميع ما يرويه عن والده السعيد مجدالدين محمد بن علي بن الأعرج تلميذ الشيخ يحيى بن سعيد والشيخ مفيدالدين محمد ابن جُهيم وغيرهما، وجميع ما رواه عن جدّه السعيد فخرالدين علي.

والسيّد فخرالدين يروي عن السيّد جلال‌الدين عبدالحميد بن السيّد فخار عن والده وغيره، وجميع ما رواه عن الشيخ رضي‌الدين علي بن الشيخ سديدالدين يوسف بن المطهر ـ قدّس الله روحه ـ.

ح: وبالاسناد إلى الشيخ العلّامة فخرالدين بن المطهر جميع ما رواه مضافاً إلى والده السعيد جمال‌الدين، عن عمّه رضي‌الدين علي بن يوسف بن مطهر، عن والده سديدالدين يوسف، والشيخ نجم‌الدين جعفر بن سعيد وغيرهما.

وأمّا مصنّفات ومرويّات الشيخ العلّامة فإنّا نرويها بطرق اخرى مضافة إلى ما تقدّم منها: بالاسناد المتقدّم عن الشيخ نورالدين علي بن عبدالعالي ﷺ، عن الشيخ الصالح شمس‌الدين محمد بن أحمد الصَهْيوني، عن الشيخ المحقّق جمال‌الدين الشهير بابن الحاج علي، عن الشيخ زين‌الدين جعفر بن الحسام، عن السيّد الجليل حسن بن أيّوب الشهير بابن نجم‌الدين بن الأعرج الحسيني، عن السيّدين الفقيهين الأبرين ضياءالدين عبدالله بن محمد ابن علي بن الأعرج وأخيه السيّد عميدالدين والشيخ فخرالدين جميعاً، عن العلّامة ﷺ.

ح: وعن شيخنا الأكمل نورالدين علي، عن الشيخ شمس‌الدين بن داود، عن الشيخ زين‌الدين علي بن طي، عن الشيخ شمس‌الدين محمد بن محمد بن عبدالله القريضي، عن السيد بدرالدين حسن بن نجم‌الدين، عن المشايخ الثلاثة ضياءالدين وعميدالدين وفخرالدين، عن العلّامة.

ح: وعن الثلاثة جميع مصنّفاتهم ﷺ.

ح: وعن الشيخ شمس‌الدين محمد بن داود، عن الشيخ عزالدين حسن بن العشرة، عن العالم الربّاني أحمد بن فهد الحلّي، عن الشيخ نظام‌الدين علي بن عبدالحميد النيلي، عن المشايخ الثلاثة، عن العلّامة.

ح : وعن الشيخ شمس‌الدين الصهيوني ، عن الشيخ عزالدين حسن بن العشرة ، عن الشيخ نظام‌الدين علي بن عبدالحميد ، عن الشيخ فخرالدين ، عن العلّامة .

ح : ومنها عن الشيخ الربّاني الشهيد الثاني بالاسناد المتقدّم ، عن رئيس الفقهاء وأبوعُذرها السيّد حسن بن السيّد جعفر بن الأعرج الحسيني ، عن الشيخ نورالدين علي بن عبدالعالي بطرقه .

ح : ومنها عن الشهيد الثاني ، عن الشيخ الجليل جمال‌الدين أحمد بن خاتون وغيره من الفضلاء ، عن الشيخ نورالدين علي بن عبدالعالي ، عن الشيخ نورالدين علي بن هلال ، عن الشيخ الربّاني أحمد بن فهد ، عن الشيخ علي بن عبدالحميد ، عن المشايخ الثلاثة ، عن العلّامة .

ح : وعن الشيخ نورالدين علي جميع ما صنّفه وألّفه ورواه عن مشايخه مفصّلاً .

ح : وعن الشيخ جمال‌الدين أحمد ، عن الشيخ شمس‌الدين محمد الصهيوني ، عن مشايخه المتقدّمين ، عن العلّامة ـ رضي الله تعالى عنهم ـ ، عن والده الشيخ سديدالدين يوسف ، وعن الشيخ المحقّق نجم‌الدين جعفر بن الحسن بن يحيى بن الحسن بن سعيد الحلّي ، وابن عمّه الشيخ نجيب‌الدين يحيى بن أحمد بن يحيى بن الحسن بن سعيد ، والشيخ مفيدالدين محمد بن جُهيم الأسدي الحلّي ، والسيّدين السعيدين الزاهدين البدلين رضي‌الدين أبي القاسم علي وجمال‌الدين أبي الفضائل أحمد ابني موسى بن جعفر بن محمد بن الطاوس الحسني ـ رضي الله تعالى عنهم ـ جميع مصنّفاتهم ومؤلّفاتهم ومروياتهم عنهم بغير واسطة .

وأروي مصنّفات الشيخ نجم‌الدين أبي القاسم عالياً ، عن شيخنا الشهيد ، عن الشيخ العالم الفاضل البليغ جلال‌الدين محمد بن الشيخ الفاضل ملك الأدباء شمس‌الدين محمد ابن الكوفي ، عن الشيخ نجم‌الدين بلا واسطة .

وأرويها أيضاً عن الفاضلين عميدالدين وفخرالدين ، عن الشيخ رضي‌الدين علي بن يوسف بن مطهر ، عن المحقق .

وأرويها أيضاً بالاسناد المتقدّم، عن السيّد تاج‌الدين بن مُعية الحسني، والشيخ رضي‌الدين علي بن أحمد المزيدي، والشيخ زين‌الدين علي بن طرّاد جميعاً، عن الشيخ صفي‌الدين محمد بن يحيى بن سعيد، عن عمّه المحقّق ـ رضي الله تعالى عنهم ـ.

وعن الجماعة كلّهم جميع مصنّفات ومرويّات الشيخ العلّامة قدوة المذهب نجيب‌الدين أبي ابراهيم محمد بن جعفر بن أبي البقاء هبة الله بن نما الحلّي، ومصنّفات ومرويّات السيّد السعيد العلّامة المرتضى امام الأدباء والنسّاب والفقهاء شمس‌الدين أبي علي فخّار بن معد الموسوي، ومصنّفات ومرويّات الشيخ العلّامة قدوة المذهب السيّد السعيد محيي‌الدين أبي حامد محمد بن أبي القاسم عبدالله بن علي بن زهرة الحسيني الصادقي الحلبي.

وعن المشايخ الثلاثة جميع مصنّفات ومرويّات الشيخ المحقّق المدقّق فخرالدين أبي عبدالله محمد بن ادريس الحلّي، ومصنّفات ومرويّات الشيخ السعيد رشيدالدين أبي جعفر محمد بن علي بن شهر آشوب المازندراني، ومصنّفات ومرويّات الشيخ الفاضل العالم البدل أبي الفضل سديدالدين شاذان بن جبرئيل القمي كلّ ذلك بغير واسطة إلّا في الشيخ نجيب‌الدين بن نما، فإنّه يروي عن شاذان بواسطة الشيخ السعيد أبي عبدالله محمد بن جعفر المشهدي.

ح: وبالاسناد عن السيّد فخّار جميع مصنّفات الشيخ أبي زكريا يحيى بن علي بن البطريق الحلّي ورواياته، وجميع مصنّفات الشيخ الفاضل المحقّق المدقّق عميد الرؤساء هبةالله بن أحمد بن حامد بن أحمد بن أيّوب، عنهما بغير واسطة.

وعن الشيخ محمد بن ادريس جميع مصنّفات السيد الطاهر أبي المكارم حمزة بن علي ابن زهرة، وعن ابن أخيه السيد محيي‌الدين محمد المتقدّم، عنه.

وجميع مصنّفات ومرويّات الشيخ عربي بن مسافر العبادي، والشيخ نجم‌الدين عبدالله ابن جعفر الدوريستي.

وعن الشيخ شاذان بن جبرئيل جميع مصنّفات ومرويّات الشيخ الجليل أبي عبدالله جعفر بن محمد الدوريستي تلميذ الشيخ المفيد.

وعن شاذان، عن الشيخ الفقيه عبدالله بن عمر الطرابلسي، عن القاضي عبدالعزيز ابن أبي كامل، عن الشيخ أبي الفتح محمد بن عثمان الكراجكي جميع تصانيفه.

وعن شاذان، وعن الشيخ الفقيه أبي محمد ريحان بن عبدالله الحبشي، عن القاضي عبدالعزيز، عن الشيخ الكراجكي أيضاً.

وعن القاضي عبدالعزيز أيضاً جميع مصنّفات الشيخ الفقيه السعيد خليفة المرتضى في البلاد الحلبية أبي الصلاح تقي بن نجم الحلبي.

وعن الشيخ شاذان، عن أبي القاسم العماد محمد بن أبي القاسم الطبري مصنّفات ومرويّات الشيخ الفقيه أبي علي الحسن بن الشيخ الأجل شيخ الطائفة أبي جعفر محمد بن الحسن الطوسي رحمه الله.

وعن أبي علي مصنّفات ومرويّات والده الشيخ أبي جعفر ـ رضي الله تعالى عنهم ـ من جملتها كتاب تهذيب الأحكام والاستبصار وغيرهما من كتب الحديث والتفسير والفقه والاصول.

وعن الشيخ أبي جعفر مصنّفات ومرويّات السيد المرتضى علم الهدى علي بن الحسين الموسوي، ومصنّفات ومرويّات أخيه السيّد الرضي التي من جملتها كتاب نهج البلاغة، ومصنّفات الشيخ سلّار بن عبدالعزيز الديلمي، ومصنّفات ومرويّات الشيخ أبي عبدالله الحسين بن عبيدالله الغضائري التي من جملتها كتاب الرجال، ومصنّفات ومرويّات الشيخ الجليل الضابط أبي عمرو الكشّي بواسطة الشيخ الجليل هارون بن موسى التلعكبري، وجميع مصنّفات ومرويّات الشيخ المفيد محمد بن محمد بن النعمان ـ رحمهم الله تعالى ـ.

وعن الشيخ المفيد جميع مصنّفات ومرويّات الشيخ الأجل العالم الفقيه الصدوق أبي جعفر محمد بن علي بن الحسين بن موسى بن بابويه القمي منها كتاب من لا يحضره الفقيه، ومصنّفات ومرويّات الشيخ الفقيه ابن أبي القاسم [كذا] جعفر بن قولويه.

وعن الصدوق محمد مصنّفات ومرويّات والده علي بن الحسين.

وعن ابن قولويه جميع مصنّفات ومرويّات الشيخ الأكمل ثقة الاسلام أبي جعفر محمد ابن يعقوب الكليني التي من جملتها كتاب الكافي وهو خمسون كتاباً بالأسانيد التي فيه

لكل حديث متصلة بالائمة المعصومين ـ صلوات الله عليهم أجمعين ـ، عن رسول الله ﷺ، عن الله ﷻ.

ولنا طريق آخر إلى الشيخ المفيد ومن قبله أعلى من ذلك عن السيّد فخّار الموسوي بالاسناد إليه المتقدّم عن شاذان بن جبرئيل، عن جعفر الدوريستي، عن محمد المفيد.

وعن الدوريستي، عن أبيه محمد، عن الصدوق ابن بابويه.

وعن شاذان، عن السيّد أحمد بن محمد الموسوي، عن ابن قدامة، عن الشريف المرتضى وأخيه السيّد الرضي.

وعن الشيخ جعفر بن محمد الدوريستي، عن الرضي وأخيه المرتضى أيضاً.

وبالاسناد المتقدّم إلى المحقّق المعظّم خواجة نصيرالدين الطوسي، عن أبيه، عن السيّد فضل الله الحسني، عن المرتضى الرازي، عن جعفر بن محمد الدوريستي، عن السيّد الرضي.

وبالاسناد المتقدّم إلى السيّد غياث‌الدين بن أحمد بن طاوس، عن السيّد جلال‌الدين عبدالحميد بن السيّد فخّار الموسوي، عن الشيخ برهان‌الدين القزويني، عن السيّد هبة‌الله ابن الشجري النحوي، عن ابن قدامة، عن السيّد الرضي.

ح: وبالاسناد المتقدّم إلى الشيخ رشيدالدين محمد بن شهرآشوب السَرَوي المازندراني، عن السيّد المنتهى ابن أبي زيد بن كيابكي الحسيني الجرجاني، عن السيّد الرضي.

ح: وعن ابن شهرآشوب، عن السيد فضل الله بن علي الراوندي، عن عبدالجبّار المقرئ، عن أبي علي، عن والده، عن السيّد الرضي ـ رضي الله تعالى عنهم ـ.

وعن ابن شهرآشوب، عن السيّد أبي الصمصام ذي الفقار بن معبد الحسني المروزي، عن الشيخ أبي عبدالله محمد بن علي الحلواني، عن السيدين السعيدين البدلين علي ومحمد المرتضى والرضي ـ قدّس الله روحيهما ونوّر ضريحيهما ـ.

ح: وعن السيّد أبي الصمصام الحسيني مصنّفات الشيخ أبي العبّاس أحمد بن علي بن أحمد بن العبّاس النجاشي التي من جملتها كتاب الرجال.

وعن النجاشي مصنّفات الشيخ أبي عبدالله الحسين بن عبيدالله الغضائري.

هذا ما اقتضاه الحال من ذكر الطريق المشترك إلى من ذكر من الأصحاب ـ رضوان الله تعالى عليهم ـ، ولنا إلى الشيخ السعيد أبي جعفر محمد بن الحسن الطوسي ـ قدّس الله تعالى روحه ـ طرق أُخرى مضافة إلى ما تقدّم فمنها: عن السيّد رضي الدين علي بن طاوس الحسني، عن الشيخ حسين بن أحمد السوراوي، عن محمد بن القاسم الطبري، عن الشيخ أبي علي، عن والده الشيخ أبي جعفر.

ح: وعن السيّد رضي الدين، عن الشيخ علي بن يحيى الخيّاط، عن عربي بن مسافر العبادي، عن محمد بن القاسم الطبري، عن أبي علي، عن والده.

ح: وعن السيّد رضي الدين بن طاوس، عن أسعد بن عبدالقاهر الأصفهاني، عن أبي الفرج علي بن أبي الحسين الراوندي، عن أبي جعفر محمد بن علي بن الحسن الحلبي، عن الشيخ أبي جعفر.

ح: وعن السيّد رضي الدين، عن السيّد محيي الدين أبي حامد محمد بن زهرة الحلبي، عن الشيخ أبي الحسن يحيى بن الحسن بن البطريق الأسدي، عن العماد محمد بن القاسم الطبري، عن الشيخ أبي علي، عن والده.

ح: وبالاسناد المتقدّم إلى المحقق السعيد خواجة نصير الدين الطوسي، عن والده، عن السيّد فضل الله الراوندي، عن السيّد المجتبى بن الداعي، عن الشيخ أبي جعفر.

ح: وبالاسناد المتقدّم إلى العلّامة بن المطهّر، عن والده، عن الشيخ يحيى بن محمد بن الفرج السوراوي، عن الفقيه الحسين بن هبة الله بن رطبة، عن أبي علي، عن والده.

وعن العلّامة، عن والده، عن السيّد أحمد بن يوسف العريضي العلوي، عن برهان الدين محمد بن محمد الحمداني القزويني، عن السيّد فضل الله بن علي الراوندي، عن السيّد عماد الدين أبي الصمصام ذي الفقار بن معبد الحسني، عن الشيخ أبي جعفر.

ح: وبالاسناد المتقدّم إلى شيخنا الشهيد ﷺ، عن الشيخ رضي الدين علي بن أحمد المزيدي و زين الدين علي بن طرّاد المطارباذي، عن الشيخ العلّامة تقي الدين ابن داود، عن الشيخ نجم الدين جعفر بن الحسن بن يحيى بن الحسن بن سعيد، عن أبيه، عن أبيه يحيى

الأكبر، عن عربي بن مسافر، عن الياس بن هشام الحائري، عن الشيخ أبي علي، عن والده.

وعن مشايخ السيّد فخار الذين تقدموا إلى المفيد وغيره، قال الشيخ محمد بن صالح: روى لي السيّد فخّار في السنة التي توفي فيها ﷺ وهي سنة ثلاثين وسته مائة، وسبب ذلك انّه جاء إلى بلادنا وخدمناه وكنت أناصبي أتولي خدمته فأجاز لي وقال لي: ستعلم فيما بعد حلاوة ما خصصتك به.

ح: وعن الشيخ محمد بن صالح، عن والده أحمد، عن الفقيه قوام‌الدين محمد بن محمد البحراني، عن السيّد فضل الله الراوندي، عن السيّد المجتبى بن الداعي الحسني، عن الشيخ أبي جعفر الطوسي.

ح: وعن والده أحمد، عن الشيخ علي بن فرج السوراوي، عن الحسين بن رطبة، عن أبي علي، عن والده.

ح: وعن والده أحمد، عن الفقيه الأديب المتكلّم اللغوي راشد بن ابراهيم البحراني، عن القاضي جمال‌الدين علي بن عبدالجبّار الطوسي، عن والده، عن الشيخ أبي جعفر الطوسي.

ح: وعن القاضي جمال‌الدين علي مصنّفات الشيخ قطب‌الدين سعيد بن هبةالله والسيّد أبي الرضا فضل الله الراوندييين.

ح: وعن الشيخ محمد بن صالح، عن محمد بن أبي البركات الصنعاني، عن عربي بن مسافر، عن الحسين بن رطبة، عن أبي علي، عن والده.

ح: وعن ابن صالح، عن السيّد رضي‌الدين ابن طاوس، والشيخ المحقّق نجم‌الدين بسندهما المتقدّم إلى الشيخ أبي جعفر.

ح: وعن ابن صالح، عن الشيخ علي بن ثابت بن عصيدة السوراوي، عن عربي بن مسافر، عن الحسين بن رطبة، عن أبي علي، عن والده.

ح: وعن ابن صالح، عن السيد رضي‌الدين ابن طاوس والمحقّق بسندهما المتقدّم إلى الشيخ أبي جعفر.

ح: وعن ابن صالح، عن الشيخ علي بن ثابت، عن عربي بن مسافر، عن الحسين بن رطبة، عن أبي علي، عن والده.

ح : وعن ابن صالح ، عن محمد بن نما ، عن والده جعفر وعن ابن ادريس كليهما ، عن الحسين بن رطبة ، عن أبي علي ، عن والده .

ح : وعن ابن صالح ، عن السيّد الفقيه الزاهد رضي‌الدين محمد بن محمد بن محمد بن زيد بن الداعي الحسيني ، عن أبيه ، عن أبيه ، عن أبيه ، عن أبيه الداعي الحسيني ، عن الشيخ أبي جعفر ، وعن السيد المرتضى علم الهدى ، عن الشيخ سلّار والقاضي عبدالعزيز بن البرّاج ، والشيخ أبي الصلاح بجميع ما صنّفوه و رووه .

ح : وبالاسناد إلى شيخنا الشهيد ، عن شيخه الجليل الفقيه الصالح جلال‌الدين الحسن ابن أحمد بن الشيخ نجيب‌الدين محمد بن جعفر بن هبة الله بن نما ، عن أبيه ، عن أبيه ، عن أبيه ، عن أبيه ، عن الشيخ أبي عبدالله الحسين بن محمد بن طحال المقدادي ، عن أبي علي ، عن والده .

وبهذه الطرق نروي مصنّفات من تقدّم على الشيخ أبي جعفر من المشايخ المذكورين وغيرهم ، وجميع ما اشتمل عليه كتابه فهرست اسماء المصنّفين وجميع كتبهم ورواياتهم بالطرق التي له إليهم .

ثمّ بالطرق التي تضمنتها الأحاديث ، وإنما أكثرنا الطرق إلى الشيخ أبي جعفر ﷺ لأن اصول المذهب كلّها ترجع إلى كتبه ورواياته .

وأجزت له ـ أدام الله تعالى ظلاله العالي ومعاليه ـ أن يروي عنّي جميع ما رواه الشيخ الفاضل العالم الربّاني الشهيد الثاني ، عن الشيخ الفاضل العالم الحافظ منتجب‌الدين أبوالحسن علي بن عبيدالله بن الحسن المدعو حَسَكا بن الحسين بن الحسن بن الحسين بن علي بن الحسين بن بابويه ، عن مشايخه ، وعن والده وجدّه وباقي أسلافه ، وعن عمّه الأعلى الصدوق أبي جعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه بالطرق التي له إليه ، وجميع ما اشتمل عليه كتاب فهرسته لأسماء العلماء المتأخرين ، عن الشيخ أبي جعفر الطوسي بطرقه فيه إليهم ، وهذا الكتاب مشتمل على قريب من خمسة آلاف اسم من أسامي علمائنا المتأخرين وهو موجود عندنا لم نعد أسماءه ، بل ذكرنا على التخمين ، وكان هذا الرجل حسن الضبط كثير

الرواية عن مشايخ عديدة بالاسناد المتقدّم إلى السيّدين الأعظمين رضي الدين علي وجمال الدين أحمد ابني طاوس والشيخ سديد الدين ابن مطهّر جميعاً، عن السيّد صفي الدين محمد بن معد الموسوي، عن الشيخ الفقيه برهان الدين الحمداني القزويني نزيل الري، عن الشيخ الحافظ منتجب الدين صاحب الكتاب.

وبهذا الاسناد جميع مصنّفات السيّد صفي الدين ابن معد ورواياته ومصنّفات الشيخ برهان الدين القزويني ورواياته.

وعن الحمداني مصنّفات الشيخ أمين الدين أبي علي الفضل بن الحسن الطبرسي من ذلك تفسيراه للقرآن المجيد مجمع البيان وجوامع الجامع.

ومصنّفات الشيخ سديد الدين الحمصي، ومصنّفات السيّد فضل الله الراوندي، ومصنّفات الكراجكي والصهرشتي عنهم بغير واسطة، وكتب الشيخ السعيد أبي الحسين ورّام بن أبي فراس المالكي الأشتري بواسطة الشيخ منتجب الدين ـ رضي الله تعالى عنهم ـ.

وأروي أيضاً مصنّفات ومرويات الشيخ منتجب الدين المذكور بالاسناد إلى الشهيد، عن السيّد تاج الدين بن معية، عن السيّد رضي الدين علي، عن والده السيّد غياث الدين عبدالكريم بن طاوس، عن الوزير السعيد نصير الدين محمد بن الحسن الطوسي، عن برهان الدين الحمداني، عنه.

وعن العلّامة، عن والده سديد الدين، عن السيّد أحمد بن يوسف العريضي، عن برهان الدين القزويني، عن الشيخ منتجب الدين، عن المرتضى والمجتبى ابني الداعي الحسني، عن الشيخ المفيد عبدالرحمن بن أحمد بن الحسين النيسابوري جميع مصنّفاته وجميع مصنّفات ومرويّات السيّد المرتضى وأخيه الرضي والشيخ أبي جعفر وسلّار وابن البرّاج.

وأجزت له ـ أدام الله مجده ونبله وكبّت عدوّه وضدّه ـ أن يروي الصحيفة الكاملة عن مولانا سيّد العابدين علي بن الحسين ـ صلوات الله عليهما ـ بالاسناد المتقدّم إلى شيخنا الشهيد، عن السيّد تاج الدين بن معية، عن والده أبي جعفر القاسم، عن خاله تاج الدين أبي عبدالله جعفر بن محمد بن الحسن بن معية، عن والده السيّد مجدالدين محمد بن الحسن بن معية، عن الشيخ

محمد بن شهرآشوب المازندراني، عن السيد أبي الصمصام ذي الفقار بن محمد بن معبد الحسني، عن الشيخ أبي جعفر الطوسي بسنده المذكور في أوّلها.

وبطريق آخر عن السيّد تاج‌الدين بن معية، عن السيّد كمال‌الدين المرتضى محمد بن محمد بن السيّد رضي‌الدين الآوي الحسيني، عن خواجة نصيرالدين محمد بن الحسن الطوسي، عن والده، عن السيّد أبي الرضا فضل الله الحسني، عن السيّد أبي الصمصام، عن الشيخ أبي جعفر الطوسي ﷺ.

ولي أسانيد آخر إلى الشيخ نورالدين علي بن عبدالعالي ـ رضي الله تعالى عنه ـ منها: عن الشيخ الوالد المعظّم بهاءالدين محمد ﷺ، عن الشيخ العلّامة الفهّامة الفقيه المحدّث الشيخ عبدالعالي ابن الشيخ نورالدين علي، عن والده، وعن الفاضل العلّامة الفهّامة القاضي معزالدين محمد ـ رضي الله تعالى عنه ـ، والشيخ الفاضل الثقة العدل الشيخ يونس الجزائري وغيرهما من الفضلاء، عن العلّامة الشيخ عبدالعالي، عن أبيه الشيخ نورالدين علي بن [عبد] العالي ـ رضي الله تعالى عنهم ـ.

وأما كتب القراءات فإنّا نروي كتاب التيسير بطرق كثيرة إلى الشيخ أبي عمرو الداني أوضحها بالأسانيد المتقدّمة إلى السيّد تاج‌الدين بن معيّة، عن جمال‌الدين يوسف بن حمّاد، عن السيّد رضي‌الدين بن قتادة، عن الشيخ أبي جعفر[1] عمر بن معن الزبري الضرير، عن الشيخ أبي عبدالله محمد بن عمر بن يوسف القرطبي، عن الشيخ أبي الحسن علي بن محمد بن أحمد الجذامي الضرير، عن الشيخ أبي محمد عبدالله بن سهل، عن الشيخ أبي عمرو الداني مصنّف الكتاب.

وأرويه أيضاً عن شيخنا الشهيد، عن الشيخ عزالدين أبي البركات خليل بن يوسف الأنصاري، عن عبدالله بن سليمان الأنصاري الغرناطي، عن أحمد بن علي بن الطباع الرُعَيني، عن عبدالله بن محمد بن مجاهد العبدي، عن أبي خالد يزيد بن محمد بن رفاعة

۱ـ در بحارالأنوار، ج ۱۰۵، ص ۱۶۵ و ج ۱۰۶، ص ۵۴، أبي حفص آمده است.

اللخمي، عن علي بن أحمد بن خلف الأنصاري، عن علي بن الحسين المرسي، عن الشيخ أبي عمرو الداني.

وأمّا كتاب حرز الأماني المشهور بالشاطبية فإنّي أرويها بهذا الطريق، عن الشيخ خليل الأنصاري، عن الجعبري بسنده عن مصنّفها أبي القاسم بن فيرة الرعيني.

وأرويها أيضاً عن الشيخ الشهيد، عن الشيخ جمال‌الدين أحمد بن الحسين بن محمد بن المؤمن الكوفي، عن الشيخ شمس‌الدين محمد بن الغزال المضري، عن الشيخ زين‌الدين علي بن يحيى المربعي، عن السيد عزّ‌الدين حسين بن قتادة المديني، عن الشيخ مكين‌الدين يوسف بن عبدالرزاق، عن ناظمها.

وعن الشهيد ﷺ، عن الشيخ شمس‌الدين محمد بن عبدالله البغدادي، عن الشيخ محمد بن يعقوب المعروف بابن الجرائدي، عن ولد المصنّف، عن والده الناظم.

وأمّا كتاب الموجز في القراءة والرعاية في التجويد وباقي كتب مكّي بن أبي‌طالب المقرئ وكتاب الوقف والابتداء للشيخ شمس‌الدين محمد بن بشار الأنباري وباقي كتبه فإنّي أرويها بالاسناد المتقدّم إلى السيّد رضي‌الدين ابن قتادة، عن أبي حفص الزبري، عن القاضي بهاءالدين بن رافع بن تميم، عن ضياءالدين يحيى بن سعدون القرطبي، عن الشيخ أبي محمد عبدالرحمن بن محمد بن عتاب، عن الفاضل أبي محمد مكّي بن أبي‌طالب المقرئ.

وبالاسناد عن ابن رافع، عن ضياءالدين، عن أبي عبدالله الحسين بن محمد بن عبدالوهاب، عن أبي جعفر محمد بن أحمد بن محمد المسلمة، عن أبي القاسم اسماعيل بن سعيد، عن محمد بن القاسم بن بشار الأنباري.

وأروي كتاب الشيخ جمال‌الدين أحمد بن موسى بن مجاهد في القراءات السبع بالاسناد إلى العلّامة بن مطهر، عن أبيه، عن السيّد صفي‌الدين ابن معد الموسوي، عن نصيرالدين راشد بن ابراهيم البحراني، عن السيّد فضل الله الحسني، عن أبي الفتح ابن الفضل الاخشيدي، عن أبي الحسن علي [بن] القاسم بن ابراهيم الخيّاط، عن أبي حفص عمر بن ابراهيم الكناني، عن مصنّفه أحمد بن مجاهد.

وأمّا كتب اللغة والعربية فإنّي أروي صحاح اسماعيل بن حماد الجوهري بالاسناد إلى الشيخ سديدالدين بن مطهر، عن مهذب‌الدين الحسين بن ردّة، عن محمد بن الحسن بن علي بن محمد بن علي بن عبدالصمد التميمي، عن أبيه، عن جدّ أبيه، عن الأديب أبي منصور ابن أبي‌القاسم البيشكي، عن الجوهري المصنّف.

وأروي كتاب الجمهرة مع باقي مصنّفات محمد بن دريد ورواياته واجازاته بالاسناد المتقدّم إلى السيّد فخّار الموسوي، عن أبي الفتح محمد بن الميداني، عن ابن الجواليقي، عن الخطيب أبي زكريا التبريزي، عن أبي محمد الحسن بن علي الموهري[1]، عن أبي بكر ابن الجراح، عن ابن دريد المصنّف.

وبالاسناد إلى أبي الفتح الميداني جميع مصنّفات يعقوب بن السكيت صاحب كتاب اصلاح المنطق وجميع رواياته، عن الرئيس الحسين بن محمد بن عبدالوهاب المعروف بالبارع، عن محمد بن أحمد بن المسلم المعدل، عن أبي القاسم اسماعيل بن أسعد بن اسماعيل بن سويد، عن أبي بكر محمد بن القاسم بن بشار الأنباري، عن أبيه، عن عبدالله ابن محمد الرستمي، عن المصنّف.

وعن السيّد فخار جميع مصنّفات الهروي صاحب كتاب الغريبين، عن أبي الفرج بن الجوزي، عن ابن الجواليقي، عن أبي زكريا الخطيب، عن الوزير أبي القاسم المغربي، عن الهروي المصنّف.

وبالاسناد إلى الخطيب التبريزي، عن أبي الفتح سليمان بن أيّوب الرازي، عن الشيخ أبي الحسين أحمد بن فارس صاحب كتاب مجمل اللغة له ولجميع مصنّفاته.

وعن ابن الجواليقي، عن أبي الصقر الواسطي، عن الحبشي، عن التنيسي، عن الأنكاكي، عن أبي تمام حبيب بن اوس الطائي صاحب الحماسة لها ولجميع تصانيفه ورواياته.

۱ـ در برخی از مصادر: الجوهري آمده است.

وعن السيّد فخّار جميع مصنّفات أبي العبّاس أحمد بن يحيى المشهور بتغلب صاحب الفصيح، عن عميد الرؤساء هبة الله بن أيّوب، عن ابن القصار، عن أبي الحسن سعد الخير بن محمد الأندلسي، عن أبي سعيد محمد بن محمد المظفري، عن أبي نعيم أحمد بن عبدالله الأصفهاني الحافظ، عن أبي الحسن محمد بن أحمد بن كيسان النحوي، عن تغلب.

وأمّا الخلاصة المالكية فإنّي أرويها عن الشهيد بن مكّي، عن الشيخ شهاب‌الدين أبي العباس أحمد بن الحسن بن أحمد النحوي، عن الشيخ برهان‌الدين ابراهيم بن عمر الجعبري، عن الشيخ شمس‌الدين محمد بن أبي الفتح الدمشقي، عن ناظمها.

وعن المزيدي، عن والده أحمد، عن الشيخ يحيى بن سعيد، عن الشيخ الأديب مهذّب‌الدين بن كرم النحوي، عن الشيخ نجيب‌الدين أبي البقاء العكبري والشيخ علي بن فرج السوراوي كلاهما عن الشيخ أبي محمد عبدالله بن أحمد بن الخشاب النحوي، عن السيّد النقيب هبةالله بن الشجري، عن السيّد أبي المعمر يحيى بن هبةالله بن طباطبا الحسني، عن القاضي أبي القاسم عمر بن ثابت الثمانيني النحوي، عن ابن جني لكتاب اللمع وغيره من مصنّفاته.

وبالاسناد إلى السيّد فخار، عن أبي الفتح الميداني، عن ابن الجواليقي جميع كتبه.

وعن ابن الجواليقي، عن أبي زكريا الخطيب جميع كتبه.

وعن أبي زكريا، عن أبي العلاء المعرى والثمانيني وأبي الحسن بن عبدالوارث جميع كتبهم.

وعن الثمانيني، عن ابن جني جميع كتبه.

وعن الربعي جميع كتبه.

وعن أبي علي الفارسي، عن أبي بكر بن السراج جميع كتبه.

وعن ابن السراج، عن الزجاج جميع كتبه.

وعن الزجاج، عن أبي العبّاس المبرّد جميع كتبه.

وعن المبرّد، عن أبي عثمان المازني، عن الجرمي جميع كتبه.

وعن أبي الحسن الأخفش جميع كتبه.

وعن الأخفش، عن سيبويه جميع كتبه.

وعن سيبويه، عن الشيخ الخليل بن أحمد العروضي جميع كتبه.

فهؤلاء أئمّة اللغة والأدب ومن تأخّر عنهم انّما اقتفى على آثارهم ونسج على منوالهم فلا جرم اقتصرنا على ذكر الطرق إليهم وايثاراً للاختصار ولنذكر طريقاً واحداً هو أعلى ما اشتملت عليه هذه الطرق إلى مولا [نا] وسيّدنا وسيّد الكاينات وأشرف الموجودات رسول‌الله ﷺ ويعلم منه أيضاً مفصّلاً أعلى ما عندنا من السند إلى كتب الحديث كالتهذيب والاستبصار والفقيه والمدينة والكافي وغيرها:

أخبرنا الشيخ بهاءالدين محمد بن الحسين، عن الشيخ عبدالعالي، عن الشيخ نورالدين علي بن عبدالعالي، عن الشيخ شمس‌الدين محمد بن داود، عن الشيخ ضياءالدين علي، عن الشهيد محمد بن مكّي، عن رضي‌الدين المزيدي، عن محمد بن صالح، عن السيد فخار.

ح: وعن شيخ ضياء الدين علي، عن السيّد تاج الدين بن معية، عن الشيخ جمال الدين ابن مطهر، عن نجم الدين بن سعيد، عن السيّد فخّار.

ح: وعن الشهيد، عن محمد بن الكوفي، عن نجم‌الدين بن سعيد، عن السيّد فخّار، عن شاذان بن جبرئيل، عن جعفر الدوريستي، عن المفيد، عن الصدوق أبي جعفر محمد بن بابويه، عن محمد بن أبي القاسم المفسّر الاسترآبادي، عن يوسف بن محمد بن زياد وعلي ابن محمد بن سنان، عن أبويهما، عن مولانا وسيّدنا أبي محمد الحسن بن علي بن محمد بن علي بن موسى بن جعفر بن محمد بن علي بن الحسين بن علي بن أبي طالب ـ صلوات الله وسلامه عليهم أجمعين ـ عن أبيه، عن أبيه، عن أبيه، عن أبيه، عن أبيه، عن أبيه، عن أبيه، عن أبيه، عن أبيه، عن أبيه، عن أبيه علي بن أبي طالب قال: قال رسول‌الله ﷺ لبعض أصحابه ذات يوم: «يا عبدالله أحبب في الله وأبغض في الله ووال في الله وعاد في الله، فإنه لا تنال ولاية الله إلّا بذلك ولا يجد رجل طعم الايمان وإن كثرت صلاته وصيامه حتى يكون كذلك وقد صارت مؤاخاة الناس يومكم هذا أكثرها على الدنيا عليها يتوادون وعليها يتباغضون وذلك لا يغني عنهم من الله شيئاً».

فقال الرجل: يا رسول‌الله كيف لي أن أعلم إنّي قد واليت وعاديت في الله؟ ومَن وليّ الله ﷻ حتى أواليه؟ ومن عدوّه حتّى أعاديه؟

فأشار له رسول‌الله ﷺ إلى عليﷺ فقال: «ألا ترى هذا»؟ قال: بلى، قال: «وليّ هذا وليّ الله فواله، وعدوّ هذا عدوّ الله فعاده، وال ولي هذا ولو انّه قاتل أبيك وولدك، وعاد عدوّه ولو انّه أبوك وولدك[1]».

فليرو ذلك وغيره عنّي بهذه الطرق وغيرها ممّا ذكره الأصحاب في كتبهم وضمنوه اجازاتهم خصوصاً كتاب الاجازات لكشف طرق المفازات الذي جمعه السيّد السعيد الطاهر رضي‌الدين علي بن موسى بن جعفر بن محمد بن الطاوس الحسني، والاجازة التي أجازها العلّامة جمال‌الدين الحسن بن يوسف بن مطهر للسيّد الطاهر الأصيل أبي الحسن علي بن محمد بن زهرة فإنّها اشتملت على المهمّ من كتب الأصحاب وأكثر علماء الاسلام من الحديث والتفسير والفقه واللغة والعربية والنثر والنظم وغيرها، وكتاب فهرست الشيخ منتجب‌الدين علي بن عبيدالله بن بابويه، وفهرست الشيخ محمد بن الحسن الطوسي، وفهرست النجاشي، وفهرست ابن بابويه ـ قدّس الله اسرارهم ـ.

وآخذ على وحيد الزمان وعلّامة الوقت والأوان ما أُخذ عليّ من العهد بملازمة تقوى الله سبحانه، فإنّها وصية الأنبياء والأولياء والصلحاء، وبدوام مراقبته تعالى في السرّ والاعلان، والأخذ بالاحتياط التام في جميع الامور سيّما في الفتوى، وبذل العلم لأهله وبذل الوسع في تحصيله وتحقيقه وتنقيحه والاخلاص لله تعالى في طلبه وبذله فليس فوق هذا مطلب إذا حصلت شرايطه فقد روينا بالاسناد الآنف إلى أميرالمؤمنين وامام العارفين علي بن أبي‌طالب ـ سلام الله تعالى وصلواته عليه ـ أنّه قال: «من كان من شيعتنا عالماً بشريعتنا فأخرج ضعفاء شيعتنا من ظلمة جهلهم إلى نور العلم الذي حبوناه جاء يوم القيامة على رأسه تاج من نور يضيئ لأهل جميع العرصات وعليه حلة لا يقوم لاقل سلك منها الدنيا بحذافيرها

١ـ امالي صدوق ٦١، علل الشرايع ١٤١/١، وسائل الشيعة ١٧٨/١٦، بحارالانوار ٥٤/٢٧.

وينادي مناد: هذا عالم من بعض تلامذة علماء آل محمد ألا فمن أخرجه من ظلمة جهله في الدنيا فليتشبث به يخرجه من حيرة ظلمة هذه العرصات إلى نزه الجنان، فيخرج كل من كان علمه في الدنيا خيراً أو فتح عن قلبه من الجهل قفلاً، أو أوضح له عن شبهة »[1] إلى غير ذلك من الأخبار الكثيرة عن كل واحد من الأئمّة المعصومين ـ صلوات الله عليهم أجمعين ـ، والتمست منه ـ دام ظله ـ أن لا ينساني في مظان إجابة الدعوات كما انّه لا أنساه.

نمّقه بيمناه الداثرة أحوج المربوبين إلى رحمة ربّه الغني محمد تقي بن مجلسي ـ عفي عنهما ـ في شهر ربيع الثاني لسنة اثني وستين بعد [الألف من] الهجرة المقدسة. والحمد لله رب العالمين والصلاة على أشرف الانبياء والمرسلين وسيد الأولين والآخرين محمد وعترته الأصفياء النجباء الطيبين الطاهرين المعصومين وسلّم تسليماً كثيراً إلى يوم الدين.

(٨)

زين العابدين بن علي بن نصيرالدين حسيني هزارجريبي*

نسخه‌ای از «من لا يحضره الفقيه» را به سال ١٠٥٤ ق كتابت نموده و آن را نزد مجلسی اول خوانده و وی اجازه‌ای به سال ١٠٥٨ ق جهت او نگاشته است[2].

[١٢]

أنهاه السيد الجليل والعالم النبيل أمير زين العابدين ـ أدام الله تعالى تأييده ـ في مجالس آخرها أوائل شهر صفر لسنة ثمان وخمسين بعد ألف من الهجرة.

نمّقه أحوج الأحوجين إلى رحمة ربّه الغني محمد تقي بن مجلسي الاصفهاني ـ عفي عنهما بالنبي وعترته القديسين ـ حامداً مصلياً مسلماً.

١ـ الاحتجاج، ج ١، ص ٧؛ بحارالأنوار، ج ٢، ص ٢.

*ـ تراجم الرجال، ج ١، ص ٣٧٥. ٢ـ مركز احياء ميراث اسلامي، ش ١٩٩٩.

(٩)

شاهمير بن فخرالدين بن يونس حسيني هزارجريبي*

نسخه‌ای از «استبصار» را به سال ١٠٦٠ تا ١٠٦٢ ق نگاشته و مجلسی اول دو اجازه به او به سال ١٠٦٠ و ١٠٦٢ ق داده است[1].

[١٣]

أنهاه المولى السيد الفاضل اللوذعي الألمعي أمير شاهمير ـ أدام الله تعالى تأييده ـ سماعاً وتصحيحاً وتحقيقاً في مجالس آخرها أواخر شهر ربيع الآخر لسنة ستين بعد الألف الهجرية.

نمّقه بيده الداثرة أحوج المربوبين إلى رحمة ربّه الغني محمد تقي بن مجلسي ـ عفي عنهما ـ... وعترته القديسين، والحمدلله وحده وصلوات الله على محمد وآله الطاهرين.

[١٤]

أنهاه السيد العالم العامل الفاضل أمير شاهمير ـ أدام الله تبارك وتعالى تأييده وتوفيقه ـ سماعاً وتحقيقاً وتصحيحاً وضبطاً في مجالس آخرها آخر شهر ربيع الأول لسنة اثني وستّين بعد الألف. وأجزت له ـ دام توفيقه ـ أن يروي عنّي هذا الكتاب مع باقي الكتب الأربعة للمحمدين الثلاثة ـ رضي الله تعالى عنهم ـ بأسانيدي المتكثرة إليهم إلى الأئمّة المعصومين ـ صلوات الله عليهم أجمعين ـ، والتمست منه أن لا ينساني في مظان إجابة الدعوات.

نمّقه بيده الداثرة أحوج المربوبين إلى رحمة ربّه الغني محمد تقي بن مجلسي ـ عفي عنهما ـ والحمد لله ربّ العالمين والصلاة على محمد وآله الطاهرين.

---

*ـ تراجم الرجال، ج ١، ص ٣٩٨.

١ـ كتابخانهٔ مرعشی، ش ٣٥٩٠.

(۱۰)

علی اکبر بن حاجی حمزه ابهری

نسخه‌ای از کتاب «الکافی» را به سال ۱۰۵۲ ق نگاشته و آنرا نزد مجلسی اول خوانده است و وی انهائی در پایان کتاب طهارت به سال ۱۰۵۳ ق جهت او نگاشته است[۱].

[۱۵]

أنهاه ـ أدام الله تعالى تأييده ـ سماعاً وضبطاً وتصحيحاً في مجالس آخرها أواخر شهر جمادى الأولى لسنة ثلاث وخمسين بعد الألف من الهجرة النبوية.

نمّقه بيده الفانية أحوج المربوبين إلى رحمة ربّه الغني محمد تقي بن مجلسي الأصفهاني، حامداً مصلياً مسلماً.

(۱۱)

علی رضا

نسخه‌ای از «من لا یحضره الفقیه» را نزد مجلسی اول خوانده و وی أنهائی به سال ۱۰۶۰ ق جهت او نگاشته است[۲].

[۱۶]

أنهاه المولى الفاضل اللوذعي الألمعي مولانا علي رضا ـ أدام الله تأييده ـ قراءة وتحقيقاً وتدقيقاً في مجالس آخرها أوائل شهر جمادى الأخرى لسنة ستّين بعد الألف من الهجرة.

نمّقه بيده الدائرة أحوج المربوبين إلى رحمة ربّه الغني محمد تقي بن مجلسي ـ عفي عنهما بالنبي والوصي ـ حامداً مصلياً مسلماً.

۱ـ کتابخانهٔ آستان قدس رضوی، ش ۱۱۱۷۸.

۲ـ همان، ش ۲۰۴۲۱.

(۱۲)

علی نقی

نسخه‌ای از کتاب «الکافی» را نزد مجلسی اول خوانده و وی انهائی به سال ۱۰۶۴ ق جهت وی نگاشته است[۱].

[۱۷]

أنهاه المولى الفاضل العالم الكامل جامع المعقول والمنقول الشيخ علي نقي ـ أدام الله تعالى تأييده ـ سماعاً وتحقيقاً وتدقيقاً في مجالس آخرها أوائل شهر الله الأصب رجب لسنة أربع وستين بعد الألف الهجرية. وأجزت له ـ أدام الله توفيقه ـ أن يروي عنّي هذا الكتاب مع سائر كتب الأحاديث بأسانيدي المتكثرة إلى أربابها معنعناً عن الأئمة المعصومين ـ صلوات الله عليهم أجمعين ـ.

نمّقه بيمناه الدائرة أحوج المربوبين إلى رحمة ربّه الغني محمد تقي بن مجلسي، والحمد لله رب العالمين والصلاة على سيد المرسلين محمد وعترته الأصفياء الطاهرين.

(۱۳)

ملّا محمّد

نسخه‌ای از صحیفهٔ سجّادیه را نزد مجلسی اول خوانده و وی اجازه‌ای در پایان نسخه به سال ۱۰۶۷ ق جهت او نگاشته است[۲].

[۱۸]

بلغ الولد العزيز ذوالنفس الزكية والأخلاق المرضية، المسعود بسعادات رب العالمين محمد ـ أدام الله تبارك وتعالى افاضاته عليه ـ سماعاً بقراءتي عليه وأجزت له أن يروي الدعاء

۱ـ کتابخانهٔ مرعشی، ش ۱۲۴۰۷. ۲ـ کتابخانهٔ سریزدی، یزد، ش ۱۲۵.

الكامل زبور آل محمد وانجيل أهل بيت.. الأنبياء والمرسلين.. العارفين وامام الساجدين زين العابدين الامام علي بن الحسين بن علي بن أبي طالب ـ صلوات الله عليهم.. ـ بأسانيدي.. عن امام الزمان و.. الحجة بن الحسن ـ صلوات الله عليه.. العلماء الراسخين ومنها ما.. عن المشايخ العظام واجازاتهم لي فمنها: بقراءة الشيخ الأعظم بل الوالد المعظم، شيخ فضلاء العصر وعلماء الزمان بهاء الملة والحق والدين محمد بن شيخ الاسلام والمسلمين الحسين بن عبدالصمد الحارثي الهمداني، عن أبيه، عن شيخ علمائنا المحققين زين الملة والحق والدين، عن الشيخ نورالدين علي بن عبدالعالي.

وما أخبرنا به الوالد الأعظم مولى العلماء المحققين، أستاذ الفضلاء المدققين مولانا عبدالله بن الحسين التستري، عن الشيخ الأجل البدل نعمة بن.. العاملي، عن الشيخ.. وعن جماعة من الفضلاء، عن الشيخ عبدالعالي.

وعن جدّي.. مولانا درويش.. الحسن العاملي، عن الشيخ نورالدين علي بن عبدالعالي، عن الشيخ الأعظم علي بن هلال الجزائري، عن شيخ العارفين أحمد بن فهد الحلي، عن الشيخ علي بن الخازن، عن شيخ الطائفة محمد بن مكي الشهيد ـ رضي الله تعالى عنهم ـ.

وعن الشيخ نورالدين علي، عن الشيخ الأجل.. بن عمّ الشهيد، عن الشيخ ضياءالدين علي، عن أبيه الشهيد، عن جماعة كثيرة من العلماء الأعيان منهم: الشيخ فخرالدين محمد، عن أبيه العلامة آيةالله في العالمين الحسن بن المطهر، عن أبيه الشيخ سديدالدين يوسف بن المطهر، وعن خاله شيخ علمائنا المحقق الحلّي، عن الشيخين الأعظمين السيد فخّار وابن نما، عن الشيخ الأعظم عميد الرؤساء هبة الله، عن السيد بهاء الشرف، الى آخر السند.

وعن الشيخين الأجلين، عن محمد بن إدريس، عن الشيخ أبي علي، عن والده شيخ الطائفة محمد بن الحسن الطوسي، عن الحسين بن عبيدالله الغضائري، عن الشيخ الأعظم الأجل أبي المفضل محمد بن عبدالله.. إلى آخر ما في سند المتن.

وعن الطوسي بكتبه سيّما مصباح المتهجد.

وعنه، عن المفيد، عن رئيس المحدّثين محمد بن علي بن بابويه القمي بكتبه، عن الشيخ جعفر بن محمد بن قولويه.

وعن المفيد، عنه، عن ثقة الاسلام محمد بن يعقوب الكليني بكتبه خصوصاً الكافي بأسانيده إلى الأئمة المعصومين ـ صلوات الله عليهم أجمعين ـ.

نقله بيمناه الدائرة محمد تقي بن مجلسي، والحمد لله رب العالمين والصلاة على سيد المرسلين محمد وعترته الطاهرين في سنة ۱۰۶۷ق.

(۱۴)

ملّا محمّد باقر بن محمّد تقی مجلسی

بسیاری از علوم عقلیه ونقلیه را نزد پدرش تلمّذ نموده ووی چندین اجازه برای او نگاشته است:

۱ـ اجازهٔ مفصلی به سال ۱۰۶۸ ق[۱].

۲ـ اجازهٔ دیگری که صورت آن در کتابخانهٔ مرعشی در پایان نسخه‌ای از استبصار به خط محمد بدیع بن حیدر علی موجود است[۲].

۳ـ انهائی که در پایان نسخه‌ای از کافی به سال ۱۰۶۴ ق نگاشته است[۳].

[۱۹]

بسم الله الرحمن الرحيم وبه ثقتي

الحمد لله رب العالمين، والصلاة على سيّد الأنبياء والمرسلين محمد وعترته الأصفياء الطاهرين.

وبعد: فيقول أحوج المربوبين إلى رحمة ربّه الغني محمد تقي بن مجلسي العاملي

۱ـ کتابخانهٔ مجلس سنا، ش ۱۳۶۱۵.

۲ـ کتابخانهٔ مرعشی، ش ۵۸۸، پایان استبصار، ش ۸۱۶۰ در همان کتابخانه.

۳ـ کتابخانهٔ مشکوة، ش ۱۱۲۴.

النطنزي الاصفهاني: إنّه لا ريب لأولى الألباب والعقول، ولا خلاف بين علماء المعقول والمنقول، وأرباب الفروع والأصول أنّ أفضل الأعمال وأشرفها وأحسن الأخلاق وأكملها بعد معرفة الله تبارك وتعالى ومعرفة رسوله والأئمة المعصومين ـ صلوات الله عليهم أجمعين ـ هو العلم بالأحكام الشرعية والوظائف الدينية، وبه تحصل السعادات الأبدية والكمالات السرمدية.

ولا شك في أنّ المتكفل لذلك هو كتاب الله المبين وأحاديث سيد المرسلين والأئمّة المعصومين ـ صلوات الله عليهم أجمعين ـ بل لا يمكن معرفة القرآن المجيد سيّما متشابهاته إلّا منهم، بل لا يحصل العلم إلّا من أبواب مدينة العلم كما ورد متواتراً عن سيّد المرسلين ﷺ أنّه قال: «لن يفترقا حتى يردا عليّ الحوض»[1] في حديث الثقلين.

ثمّ انّ الولد الأعز، المترقي من حضيض التقليد إلى أوج الإستدلال محمد باقر لمّا قرأ عليّ كتب الفقه والأحاديث سيّما الكتب الأربعة للأبي جعفرين المحمّدين الثلاثة ـ رضي الله تعالى عنهم ـ وسمع منّي بالفحص والتدبّر والتحقيق والتدقيق، وسمع وقرأ عليّ غيرها من كتب الأخبار الموجودة في هذا الزمان كقرب الاسناد للحميري، والمحاسن للبرقي، والبصائر للصفّار، وعيون أخبار الرضا، والأمالي، وعلل الشرائع، والخصال، والتوحيد، والأصول، وكمال الدين وتمام النعمة وغيرها للصدوق وصحّحها، التمس منّي أن أجيز له ما يجوز لي روايته من كتب التفاسير والأحاديث والفقه والكلام والأصول والقراءة واللغة والآداب وكتبي وغيرها ممّا صنّف في الإسلام من الخاصّة والعامّة.

فاستخرت الله تبارك وتعالى وأجزت له أن يرويها عنّي بأسانيدي المتواترة إلى أربابها، فمن ذلك ما أخبرنا به الشيخ الأعظم، بل الوالد المعظّم شيخ الطائفة العظام، ومربّي العلماء الأعلام، الزاهد العابد، البدل مولانا عبدالله بن الحسين التستري، عن الشيخ الأجل نعمة الله

١ـ الانتصار، ص ٨٠؛ الكافي للحلبي، ص ٩٧؛ الكافي ج ٢، ص ٤١٥؛ دعائم الاسلام ج ١، ص ٢٨؛ الامالي للصدوق ص ٥٠٠؛ عيون اخبار الرضا ج ١، ص ٦٨؛ كمال الدين ج ٦٤، ص ٢٣٤ـ٢٤٤ و... .

ابن خاتون العاملي، عن شيخ الطائفة ومروّج المذهب، قدوة علمائنا المحققين وفضلائنا المدققين نورالدين علي بن عبدالعالي الكركي[١].

وعن الشيخ نعمة الله، عن أبيه أعلم علمائنا المتأخرين أحمد بن الشيخ شمس‌الدين محمد بن خاتون العالم.

وعن الشيخ نورالدين، عن الشيخ جمال‌الدين أحمد العينائي، عن الشيخ زين‌الدين جعفر بن الحسام، عن السيد الأجل الحسن بن أيّوب، عن شيخ العلماء والفضلاء السعيد الشهيد محمد بن مكّي العاملي -رضي الله تعالى عنهم أجمعين-.

ح[٢]: وما حدّثنا به الشيخ الأعظم، بل الوالد المعظّم، شيخ علماء الزمان ومربّي الفضلاء الأعيان، العلّامة الفهّامة، شيخ الإسلام والمسلمين بهاء الملّة والحق والحقيقة والدين محمد ابن الشيخ الأجل الأعظم الحسين بن عبدالصمد الحارثي الهمداني العاملي، عن أبيه، عن شيخ علمائنا المحققين وأكمل فضلائنا المدققين زين الملة والحق والحقيقة والدين علي بن أحمد العاملي، عن الشيخ الجليل نورالدين علي بن عبدالعالي الميسي.

وما حدّثنا وأخبرنا به جماعة من العلماء العظام والفضلاء الفخام منهم: الشيخ بهاء‌الدين العاملي، والعلّامة الفهّامة القاضي معزالدين محمد، والشيخ يونس الجزائري، عن الشيخ الأجل الأعظم العلّامة الفهّامة عبدالعالي، عن أبيه الشيخ نورالدين علي بن عبدالعالي الكركي.

ح: وما أخبرنا به جمّ غفير من الفضلاء منهم: أستاد الفضلاء القاضي أبوالشرف، وابن عمّة أُمّي الشيخ الأجل عبدالله بن الشيخ الأعظم جابر العاملي، وخالي مولانا محمّد قاسم،

١ـ كَرَك قرية قريبة من جبل العامل «منه».

٢ـ هذه الحاء على المشهور مهملة، جرت عادة المحدثين برسمها لتكون علامة التحويل من إسناد إلى إسناد آخر فكأنها منقوص الحروف من التحويل وبعضهم سمّاها حاء الحيلولة وعن بعضهم إنها لمعجمة مختصر لفظ آخر فتدبر «ضياء عفي عنه».

عن جدّي شيخ الطائفة في عصره الشريف مولانا درويش محمد بن الشيخ الزاهد العالم العابد البدل، ذي الكرامات العالية حسن العاملي النطنزي الأصفهاني.

ح: وعن الشيخ الأعظم جابر العاملي، وهما عن الشيخ نورالدين علي بن عبدالعالي الكركي ـ أنار الله تعالى برهانهم ـ وما أجاز لي في الصغر الشيخ الأعظم أبوالبركات الواعظ، عن الشيخ نورالدين.

ح: وما حدّثنا وأخبرنا به السيد الأجل الأعظم، العابد الزاهد، العلامة الأمير شرف‌الدين علي الشولستاني، عن السيد الأجل الأمير فيض الله، والشيخ الأجل الأعظم محمد بن الشيخ الأجل الأعلم الحسن بن شيخ الطائفة في عصره زين الملّة والحق والحقيقة والدين، جميعاً عن الشيخ الأعظم الحسن العاملي، عن شيخ‌الاسلام والمسلمين الحسين ابن عبدالصمد.

ح: وعن الأمير فيض‌الله، عن السيد الأجل أبي الحسن علي بن الحسين، جميعاً عن الشهيد الثاني الشيخ زين‌الدين العاملي.

ح: وعن السيد الأجل، عن الفاضل العالم الزاهد، المجاور لبيت الله تبارك وتعالى ميرزا محمد الاسترآبادي، عن الشيخ الأجل ابراهيم، عن أبيه الشيخ نورالدين علي بن عبدالعالي الميسي ـ قدّس الله أرواحهم ـ.

ح: وما أخبرنا به الشيخ الأجل جابر بن عباس النجفي وجماعة، عن الشيخ عبدالنبي الجزائري، عن السيد المحقق المدقق محمد بن السيد علي.

ح: وعن جماعة كثيرة منهم: السيد الأجل عبدالكريم العاملي، عن السيد محمد بن السيد علي، عن أبيه، عن الشهيد الثاني.

وعن السيد محمد بن علي ومولانا عبدالله، عن المولى الأجل الأعظم الأعلم الأزهد الربّاني مولانا أحمد الأردبيلي، عن مشايخه، عن الشهيد الثاني، عن الشيخ نورالدين علي ابن عبدالعالي الميسي.

وما أخبرنا به الشيخ الأجل محمد التبنيني، عن أربعين من مشايخنا، عن الأربعين إلى

شيخ الطائفة بل المشايخ الثلاثة على ما هو المسطور في رسالته في الإجازات، ولمّا كانت الكتب الأربعة بل أكثر كتب الحديث متواترة لم أذكرهم، بل لا أذكر إلّا للتيمّن والتبرّك تأسّياً بالسلف.

وعن الشيخ نورالدين الكركي، عن الشيخ نورالدين علي بن هلال الجزائري، عن الشيخ الأعظم جمال‌العارفين والزاهدين أحمد بن فهد الحلّي، عن الشيخ الأجل زين‌الدين علي ابن الخازن الحائري، عن شيخ علمائنا المحققين وأفضل فضلائنا المدققين الشهيد السعيد محمد بن مكّي العاملي -قدّس الله أرواحهم-.

ح: وعن الشيخ حسن، عن السيد نورالدين علي بن السيد حسن، والشيخ حسين، والسيد نورالدين بن فخرالدين الهاشمي، والشيخ أحمد بن سليمان وغيرهم من مشايخه، عن الشهيد الثاني، عن الشيخ نورالدين علي الميسي، عن ابن عمّ الشهيد الأول الشيخ شمس‌الدين محمد بن داود الشهير بابن المؤذن الجزّيني، عن الشيخين الأجلين أبي‌طالب محمد وضياءالدين علي نجلي الشهيد، عن محمد بن مكّي ﷺ.

ح: وعن ابن المؤذّن، عن السيد علي بن دقاق، عن الشيخ شمس‌الدين محمد بن شجاع القطان، عن الشيخ أبي‌عبدالله المقداد بن عبدالله السيوري، عن الشهيد.

ح: وعن ابن المؤذّن، عن الشيخ عزّالدين المعروف بابن العشرة، عن الشيخ شمس‌الدين محمد بن نجدة الشهير بابن عبدالعالي، عن الشهيد.

ح: وعن ابن العشرة، عن ابن فهد، عن ابن الخازن، عن الشهيد.

ح: وعن ابن المؤذّن، عن الشيخ أبي‌القاسم علي بن طيّ، عن الشيخ شمس‌الدين العريضي، عن السيد حسن بن أيوب بن الأعرج، عن الشهيد -رضي الله تعالى عنهم-، عن جمّ كثير من الفضلاء الأخيار والعلماء الأبرار منهم: الشيخ الأعظم فخر المحققين أبي‌طالب محمد بن العلامة، وسيد المحققين عميد الملّة والدين عبدالمطلب بن الأعرج، والسيد الأعظم الأجل العلّامة تاج‌الدين أبي‌عبدالله محمد بن القاسم بن معيّة الحسيني الديباجي، والسيد الأجل الأعظم أبي‌طالب أحمد بن محمد بن الحسن بن زهرة الحلبي، والسيد الكبير

الفاضل نجم‌الدين مهنّا بن سنان المدني، والشيخ المحقق العلّامة ملك العلماء والفضلاء مولانا قطب‌الدين محمد بن محمد الرازي شارح المطالع والشمسية، والشيخ العالم الأديب رضي‌الدين أبي‌الحسن علي بن أحمد بن يحيى المعروف بالمزيدي، والشيخ الفاضل أبي‌الحسن علي بن طراد المطاربادي، عن الشيخ الأجل الأعظم آية الله في العالمين جمال الملّة والحق والحقيقة والدين، علّامة العلماء المحققين الحسن بن العلّامة الشيخ سديدالدين يوسف بن المطهّر الحلّي.

ح: وعن الشيخ نورالدين علي بن عبدالعالي الميسي العاملي، عن الشيخ شمس‌الدين محمد بن أحمد الصهيوني، عن الشيخ جمال‌الدين أحمد المعروف بابن الحاج علي، عن الشيخ زين‌الدين جعفر بن الحسام، عن السيد حسن بن أيّوب، عن السيدين الفقيهين ضياءالدين عبدالله وعميدالدين عبدالمطلب ابني الأعرج، والشيخ فخرالدين محمد، عن العلّامة.

ح: وعن نجلي الشهيد، عن السيد تاج‌الدين، عن العلّامة.

ح: وعن ابن المؤذّن، عن ابن العشرة، عن ابن فهد، عن الشيخ عبدالحميد النيلي، عن السيدين عبدالله وعبدالمطلب والشيخ فخرالدين، عن العلّامة.

ح: وعن الصهيوني، عن ابن العشرة، عن الشيخ نظام‌الدين علي بن عبدالحميد النيلي، عن الشيخ فخرالدين، عن العلّامة.

ح: وعن ابن المؤذّن، عن علي بن طيّ، عن الشيخ محمد بن عبدالله العريضي، عن السيد بدرالدين حسن بن نجم‌الدين، عن السيدين وفخرالمحققين، عن العلّامة.

ح: وعن الشهيد وغيره، عن السيد تاج‌الدين بن معية، عن جمّ غفير من علمائنا منهم: العلّامة ووالده الشيخ فخرالدين محمد وولده الشيخ ظهيرالدين محمد بن محمد بن الحسن ابن المطهّر، وإن روى ظهيرالدين عن السيد أيضاً كأمثاله.

ومنهم: العالم الربّاني عميدالدين عبدالمطلب بن الأعرج الحسيني، والسيد الجليل جمال‌الدين يوسف بن ناصر بن حمّاد الحسيني، والسيد السعيد جلال‌الدين جعفر بن علي،

والسيد الأجل علم‌الدين المرتضى علي بن عبدالحميد بن فخّار الموسوي، والسيد الأعظم رضي‌الدين أبوالقاسم علي بن السيد الأعظم غياث‌الدين عبدالكريم بن طاوس الحسني، وأبوه السيد الأجل أبو جعفر القاسم بن الحسن بن معية، والسيد السعيد صفي‌الدين محمد الموسوي، والسيد الجليل كمال‌الدين الرضي الحسن بن محمد الآوي[1] الحسيني، والسيد الكبير ناصرالدين عبدالمطلب بن بادشاه الحسيني الحرزي، والسيد العظيم فخرالدين أحمد بن علي بن عرفة الحسني، والسيد الأعظم مجدالدين أبي الفوارس محمد بن علي، والسيد الأجل ضياءالدين عبدالله بن السيد السعيد مجدالدين أبي الفوارس محمد بن الأعرج الحسيني، والسيد الفقيه عزالدين بن أبي الفتح بن دهان الحسيني، والشيخ الجليل صفي‌الدين محمد بن سعيد، والشيخ السعيد نجم‌الدين أبوالقاسم عبدالله بن حَمَلات، والقاضي السعيد تاج‌الدين أبوعلي محمد بن محفوظ بن وشاح، والعدل الأمين جلال‌الدين محمد بن السعيد شمس‌الدين محمد بن أحمد الكوفي، والشيخ الأمين زين‌الدين جعفر بن علي بن يوسف بن عروة الحلّي، والشيخ السعيد مهذب‌الدين محمود بن يحيى بن مجهود بن سالم الشيباني الحلّي، والشيخ الزاهد كمال‌الدين علي بن الحسين بن حسّاد الواسطي، والشيخ العالم شمس‌الدين محمد بن الغزالي المُضَري الكوفي، والشيخ العلّامة نصيرالدين علي بن محمد القاشي، والشيخ الفقيه الفاضل رضي‌الدين علي بن أحمد بن المزيدي، والشيخ السعيد جمال‌الدين أحمد بن محمد الحدّاد، والشيخ الفاضل شمس‌الدين محمد بن علي بن غني، والفقيه السعيد قوام‌الدين محمد بن الفقيه رضي‌الدين علي بن مطهّر، والشيخ

١ـ آوه ويقال لها: آبة ـ بالموحدة ـ قرية قريبة من ساوة على فرسخين، كان أهلها قديماً من الشيعة الإمامية بخلاف ساوة، قال النبي ـ صلّى الله عليه وآله ـ: «لمّا عرج بي إلى السماء مررت بأرض بيضاء كافورية شممت منها رائحة طيبة، فقلت: يا جبرئيل ما هذه البقعة؟ قال: يقال لها آبة، عرضت عليها رسالتك وولاية ذريتك فقبلت، وان الله تعالى يخلق منها رجالاً يتولونك ويتولون ذريتك فبارك الله عليها وعلى أهلها» «مجالس». بحار الأنوار ٢٢٨/٥٧.

الأجل علي بن طراد، عن الشيخ الفقيه الأديب النحوي العروضي تقي الدين الحسن بن علي ابن داود الحلّي صاحب كتاب الرجال.

ح: وعن العلّامة وبعضهم، عن ولده فخرالمحققين، عن أبيه، عن أبيه سديدالدين يوسف، ورئيس المحققين أبي القاسم جعفر بن سعيد الحلي، والشيخ نجيب الدين يحيى بن سعيد، وسلطان العلماء والحكماء خواجة نصير الملة والحق والحقيقة والدين، والسيدين السندين الزاهدين البدلين رضي الدين أبي القاسم علي وجمال الدين أبي الفضائل أحمد ابني موسى بن جعفر بن الطاوس الحسني، والشيخ مفيدالدين محمد بن جهيم الأسدي، جميعاً عن السيد الأعلم الأعظم المرتضى إمام الأدباء والنسّاب والفقهاء شمس الدين أبي علي فخار بن معد الموسوي، والشيخ الأجل الفقيه نجيب الدين أبي إبراهيم محمد بن جعفر بن أبي البقاء هبةالله بن نماء الحلّي، عن المشايخ العظام والفضلاء الكرام محمد بن إدريس الحلّي، والشيخ الأعظم أبي الفضل سديدالدين شاذان بن جبرئيل القمي، والشيخ السعيد رشيدالدين أبي جعفر محمد بن علي بن شهرآشوب المازندراني.

ح: وعن الشيخ نجيب الدين يحيى بن سعيد، عن السيد السعيد الفقيه محيي الدين أبي حامد محمد بن أبي القاسم عبدالله بن علي بن زهرة، عن الثلاثة المتقدمة، وعن الشيخ الأعظم أبي الحسين يحيى بن الحسن بن البطريق الأسدي، عن الفقيه عمادالدين أبي جعفر محمد بن أبي القاسم الطبري، عن الشيخ المفيد أبي علي الحسن، عن والده شيخ الطائفة ورئيسها محمد بن الحسن الطوسي ـ رضي الله تعالى عنهم أجمعين ـ.

ح: وعن تقي الدين بن داود، عن المحقق والسيد جمال الدين أحمد بن طاوس، وولده السيد غياث الدين عبدالكريم، وعن الشيخ كمال الدين علي بن الحسين بن حمّاد الواسطي، عن السيد غياث الدين، عن خواجة نصير الملّة والدين الطوسي.

وعن الشيخ فخرالدين بن المطهّر، عن عمّه رضي الدين علي بن يوسف بن مطهّر.

وعن السيد عميدالدين، عن أبيه السيد مجدالدين أبي الفوارس، وخاله الشيخ رضي الدين بن مطهّر، عن والده الشيخ سديدالدين يوسف، والمحقق.

ح: وعن الشيخ رضي الدين علي المزيدي، عن الشيخ محمد بن صالح، عن المحقق،

وعن الشيخ كمال‌الدين حمّاد، عن الشيخ نجيب‌الدين يحيى بن سعيد، والشيخ نجم‌الدين جعفر بن محمد بن جعفر بن هبة الله بن نما والشيخ العلّامة كمال‌الدين ميثم بن علي بن ميثم البحراني، والشيخ شمس‌الدين محفوظ بن وشاح، والشيخ الفقيه شمس‌الدين محمد بن صالح القسيني بكتبهم ورواياتهم.

ح: وعن الشهيد، عن الشيخ جلال‌الدين محمد بن الكوفي، عن المحقّق، وعن الشيخ نجيب‌الدين يحيى بن سعيد، وكان هذا الشيخ معمّراً.

ح: وعن الشهيد، عن المزيدي، عن الشيخ شمس‌الدين محمد بن صالح، عن السيد فخار، عن شاذان، عن الدوريستي[1]، عن أبيه، عن الصدوق.

وعن الدوريستي، عن شيخنا المفيد، وهذا أعلى الطرق.

وذكر محمد بن صالح أنّه يروي عن السيد فخار، والشيخ نجيب‌الدين بن نما وجماعة آخرين منهم: السيد الفقيه المعظم الزاهد رضي‌الدين محمد بن محمد الآوي، والشيخ الفقيه شمس‌الدين علي بن ثابت بن عصيدة السوراوي، والسيد رضي‌الدين علي بن موسى بن طاوس، وأبوه أحمد بن صالح روى له عن الفقيهين راشد بن ابراهيم بن اسحاق البحراني، وقوام‌الدين محمد بن محمد البحراني، والشيخ الفقيه علي بن فرج السوراوي بطرقهم إلى الشيخ أبي جعفر الطوسي، قال: وروى لي محمد بن أبي‌البركات الصنعاني، عن عربي بن مسافر الفقيه، والسيد الأعظم جمال‌الدين أحمد بن طاوس.

ح: وعن الشهيد، عن السيد الأجل شمس‌الدين محمد بن أبي‌المعالي، عن الشيخ

١ـ أبي عبدالله جعفر بن محمد بن أحمد بن العباس الدوريستي، وأبي القاسم المرزبان بن الحسين بن محمد الدوريستي وسيجيء.

ودوريست ـ بضمّ المهملة وسكون الواو وكسر المهملة وسكون الياء وسكون المهملة والتاء ـ قرية بري يقال لها: درشت، ينسب إليها أبو محمد عبدالله بن جعفر بن محمد بن موسى بن جعفر من أولاد حذيفة اليمان، سكن بغداد سنة ست وستين وخمسمائة وبثّ فيها آثار أئمة الهدى، ثمّ رجع إلى دوريست ومات بها.

كمال‌الدين علي بن حمّاد الواسطي، عن الشيخ نجم‌الدين جعفر بن نما، عن أبيه الشيخ نجيب‌الدين محمد بن نما، عن الشيخ أبي‌عبدالله محمد بن جعفر المشهدي الحائري، وعن الشيخين العالمين أبي‌الفرج علي بن الشيخ قطب‌الدين أبي‌الحسين الراوندي، وأبي‌الحسن علي بن يحيى بن علي الحناط، عن محمد بن ادريس، وابن البطريق، والعالم المقرئ أبي‌عبدالله محمد بن هارون المعروف والده بالكال، والشيخ الفقيه عبدالله بن حمزة الطوسي، والشيخ المقرئ جعفر بن محمد بن محمد بن شفرة الجاصمي، عن قطب‌الدين، والسيد الأعظم ضياءالدين فضل الله بن علي الراوندي الحسني، والشيخ الأجل جمال‌الدين أبي‌الفتوح الخزاعي الرازي المفسّر، والشيخ الأعظم السعيد سديدالدين محمود بن علي الحمصي، والشيخ الأجل الأعظم العلّامة أمين‌الدين أبي‌علي الفضل بن الحسن الطبرسي جميع كتبهم.

ح: وعن محمد بن جعفر المشهدي، عن الشيخ الزاهد أبي الحسين ورّام بن أبي فراس كتابه المعروف.

ح: وعن محمد بن جعفر، عن ابن البطريق بجميع كتبه ورواياته.

ح: وعن محمد بن جعفر، عن محمد بن هارون بكتبه ورواياته، وعن الشيخ الفقيه أبي عبدالله الحسين بن أحمد بن ردة، وعن الشريف الأجل شرف شاه بن محمد بن زيارة، والشيخ أبي‌الفضل شاذان بن جبرئيل، عن الشريف محمد المعروف بأبي‌الشريف الجمل البحري، عن البصروي كتاب المفيد في التكليف له.

ح: وعن الشيخ يحيى بن سعيد، عن السيد محيي‌الدين بن زهرة، عن عمّه السيد الأجل عزالدين أبي‌المكارم حمزة بن علي بن زهرة.

ح: وعن السيد محيي‌الدين، عن أبيه، عن عمّه أيضاً بالقراءة والسماع لتصانيفه وتصانيف أبيه.

ح: وعن الشيخ شاذان، ومحمد بن إدريس، عن السيد أبي المكارم حمزة بن زهرة الحسيني بتصانيفه.

ح: وعن العلّامة، عن أبيه، عن الشيخ سديدالدين سالم بن محفوظ بن عزيزة السوراوي جميع مصنّفاته.

وعن أبيه، عن الشيخ مهذب‌الدين محمد بن يحيى بن كرم جميع مصنّفاته ورواياته.

وعن أبيه، عن الشيخ علي بن ثابت بن عصيدة السوراوي جميع رواياته عن مشايخه الذين هم نجيب‌الدين مذكى الاسترآبادي، والفقيه إلياس بن هشام الحائري، والعماد الطبري، ومحمد بن طحال المقدادي الحائري.

وعن العلّامة، عن أبيه، عن الشيخ مهذب‌الدين بن ردة، عن العلّامة نصيرالدين عبدالله ابن حمزة الطوسي بتصانيفه ورواياته.

ح: وعن العلّامة، عن الشيخ الأجل جمال‌الدين علي بن سليمان البحراني بتصانيفه ورواياته.

ح: وعن والده، والسيدين ابني الطاوس، والشيخ سديدالدين بن مطهّر، عن السيد صفي‌الدين، عن الشيخ السعيد الفقيه برهان‌الدين محمد بن علي الحمداني القزويني نزيل الري، عن الشيخ الأعظم الحافظ منتجب‌الدين أبي الحسن علي بن عبدالله بن الحسن المدعو حَسَكا بن الحسين بن الحسن بن الحسين بن علي بن الحسين بن موسى بن بابويه القمي جميع رواياته وما اشتمل عليه فهرسته المتضمن لأسماء علمائنا المتأخرين، عن الشيخ أبي جعفر الطوسي ﷺ والمعاصرين له.

ح: وعن الشهيد، عن السيد تاج‌الدين، عن السيد رضي‌الدين، عن أبيه السيد غياث‌الدين، عن خواجه نصيرالدين محمد، عن الشيخ برهان‌الدين، عن الشيخ منتجب‌الدين.

ح : وعن العلّامة ، عن أبيه ، عن السيد أحمد بن يوسف العريضي العلوي ، عن الشيخ برهان‌الدين ، عن الشيخ منتجب‌الدين ﷺ.

ح : وعن الشيخ برهان‌الدين ، عن الشيخ الأعظم العلّامة أمين‌الدين أبي علي الفضل بن الحسن الطبرسي ، والشيخ سديدالدين الحمصي ، والسيد الأجل فضل‌الله بن علي الراوندي جميع مصنّفاتهم ورواياتهم .

وعن العلّامة ، عن الفضلاء الأربعة السابقة ، عن السيد صفي‌الدين ، عن الشيخ نصيرالدين راشد بن ابراهيم بن اسحاق البحراني ، عن السيد فضل‌الله ، عن الشيخ أبي علي الطبرسي بكتبه سيّما مجمع البيان وجوامع الجامع .

ح : وعن العلّامة ، عن أبيه ، عن السيد فخّار ، عن ابن البطريق ، والشيخ الأعظم الأجل الضابط البارع عميد الرؤساء هبةالله بن حامد بن أحمد بن أيوب جميع كتبهما ورواياتهما سيّما الصحيفة الكاملة ، عن السيد الأجل .

ح : وعن الشهيد ، عن المزيدي ، عن محمد بن صالح ، عن السيد فخّار ، عن عميد الرؤساء ، عن السيد الأجل باسناده إلى سيّد الساجدين ـ صلوات الله عليه ـ .

وعن العلّامة ، عن أبيه ، عن الشيخ مهذب‌الدين بن ردة ، عن القاضي أحمد بن علي بن عبدالجبار الطوسي ، عن الشيخ الفقيه أبي الحسين قطب‌الدين الراوندي جميع مصنّفاته ورواياته واجازاته .

وعن مهذب‌الدين بن ردة أيضاً ، عن الحسن بن أبي‌علي الفضل بن الحسن الطبرسي ، عن والده برواياته ومصنّفاته .

ح : وعن العلّامة ، عن السيد جمال‌الدين أحمد بن طاوس ، عن الشيخ السعيد سديدالدين بن أبي علي الحسين بن خشوم جميع كتب أصحابنا السابقين ورواياتهم واجازاتهم ومصنّفاتهم .

ح: وعن والده، عن السيد صفي‌الدين محمد بن معد الموسوي، عن الشيخ أبي الحسن ابن يحيى الخياط، عن الشيخ محمد بن إدريس الحلّي، والشيخ شمس‌الدين يحيى بن البطريق. والشيخ نصيرالدين عبدالله بن حمزة بن الحسن الطوسي جميع رواياتهم ومصنّفاتهم.

ح: وعن الخيّاط، عن الشيخ المقرئ محمد بن هارون بن الكال جميع ما يرويه.

ح: وعن السيد فخّار، عن شاذان، عن الفقيه عبدالله بن عمر الطرابلسي، عن القاضي عبدالعزيز أبي كامل، عن الشيخ أبي الصلاح تقي بن نجم الحلبي، عن الشيخ الطوسي، والسيد المرتضى.

ح: وعن القاضي، عن الشيخ الفقيه أبي الفتح محمد بن عثمان بن علي الكراجكي، عنهما -رضي الله عنهما-.

ح: وعن السيد فخّار، عن الشيخ شاذان، عن الفقيه عبدالله بن عبدالواحد، عن القاضي عبدالعزيز بن أبي كامل، عن القاضي سعدالدين عبدالعزيز نحرير بن البراج بكتبه ورواياته، عن السيدين الأجلين المرتضى ورضي‌الدين بكتبهما ورواياتهما.

ح: وعن الشيخ شاذان، عن القاضي أبي الفتح علي بن عبدالجبار الطوسي، عن السيد أبي‌تراب بن الداعي، عن الشيخ أبي يعلى سلّار بن عبدالعزيز الديلمي جميع مصنّفاته ورواياته، عن السيدين والمفيد.

ح: وعن الشيخ محمد بن صالح، عن السيد الأعظم رضي‌الدين محمد بن محمد الآوي الحسيني، عن أبيه، عن جدّه زيد، عن جدّ أبيه الفقيه الداعي، عن الشيخ أبي الصلاح القاضي عبدالعزيز بن البراج، والشيخ سلّار.

ح: وعن الشهيد، عن السيد شمس‌الدين محمد بن أبي المعالي، عن الشيخ كمال‌الدين علي بن حمّاد الواسطي، عن الشيخ نجيب‌الدين يحيى بن سعيد، عن السيد محيي‌الدين محمد بن عبدالله بن زهرة، عن الشيخ سديدالدين شاذان، عن عبدالله بن عمر، عن القاضي عبدالعزيز، عن أبي الصلاح الحلبي، وابن البراج.

ح: وعن السيد محيي‌الدين بن زهرة، عن الشريف الفقيه عزالدين أبي الحارث محمد

ابن الحسن العلوي البغدادي، عن الشيخ الفقيه قطب‌الدين الراوندي، عن الشيخ أبي جعفر محمد بن علي بن المحسن الحلبي، عن القاضي أبي القاسم عبدالعزيز بن نحرير بن البراج جميع تصانيفه ورواياته.

ح: وعن السيد محيي‌الدين، عن شاذان، عن الشيخ أبي محمد عبدالله بن عبدالواحد، والشيخ عبدالله بن عمر، عن القاضي عبدالعزيز بن أبي كامل، عن الكراجكي كتبه ورواياته.

ح: وعن شاذان، عن الشيخ الفقيه أبي محمد ريحان بن عبدالله الحبشي، عن القاضي، عن الكراجكي.

ح: وعن السيد محيي‌الدين، عن ابن ادريس، عن عربي بن مسافر، عن السيد الأجل بالصحيفة الكاملة.

ح: وعن ابن مسافر العبادي، عن الشيخ إلياس بن هشام الحائري، عن الشيخ المفيد أبي علي الحسن بن محمد بن الحسن، عن أبيه شيخ الطائفة.

ح: وعن الشيخ أبي يعلى سلّار بن عبدالعزيز.

ح: وعن الشيخ كمال‌الدين علي بن حمّاد، عن الشيخ نجم‌الدين جعفر بن نما، عن والده، عن الشيخ أبي الفرج علي بن الشيخ قطب‌الدين الراوندي، عن الشيخ أبي جعفر الحلبي، عن ابن البراج.

ح: وعن أبي الفرج، عن أبيه، عن السيد الأعظم الأجل أبي الصمصام ذي الفقار بن معبد الحسني، عن النجاشي والطوسي وسلّار.

ح: وعن الشهيد، عن السيد تاج‌الدين، عن السيد علم‌الدين المرتضى علي بن السيد جلال‌الدين عبدالحميد بن السيد العلّامة شمس‌الدين أبي علي فخّار بن معد الموسوي، عن أبيه، عن جدّه، عن ابن إدريس، عن الشيخ جمال‌الدين الحسن بن هبة الله السوراوي جميع مصنّفاته.

ح: وعنه، عن أبي علي، عن والده شيخ الطائفة جميع مصنّفاته ورواياته.

ح : وعن العلّامة ، عن أبيه ، عن السيد أحمد بن يوسف العريضي ، عن برهان‌الدين ، عن السيد فضل‌الله الراوندي ، عن السيد أبي الصمصام ، عن الشيخ أبي العباس أحمد بن علي النجاشي كتابه في الرجال وأسانيده إلى الكتب إلى الأئمة المعصومين ـ صلوات الله عليهم أجمعين ـ .

ح : وعن الشهيد ، عن الشيخ الفقيه الصالح جلال‌الدين الحسن بن أحمد بن الشيخ نجيب‌الدين محمد بن جعفر بن هبة الله بن نما ، عن أبيه ، عن أبيه ، عن أبيه ، عن الشيخ أبي عبدالله الحسين بن طحال البغدادي ، عن الشيخ أبي علي ، عن شيخ الطائفة .

ح : وعن الشهيد ، عن السيد تاج‌الدين ، عن السيد علي بن عبدالحميد بن فخار ، عن أبيه ، عن جدّه فخّار ، عن شاذان ، عن العماد الطبري ، عن أبي علي ، عن الطوسي .

ح : وعن الشهيد ، عن المزيدي والمطارباذي ، عن ابن داود ، عن الشيخ المحقق نجم‌الدين جعفر بن الحسن بن يحيى بن سعيد ، عن أبيه ، عن أبيه يحيى الأكبر ، عن عربي بن مسافر ، عن الشيخ إلياس ، عن أبي علي ، عن أبيه شيخ الطائفة .

ح : وعن العلّامة ، عن أبيه ، عن الشيخ يحيى بن الفرج السوراوي ، عن الفقيه الحسين بن هبة‌الله ، عن أبي علي ، عن أبيه .

ح : وعن العلّامة ، عن أبيه ، عن السيد أحمد العريضي ، عن برهان‌الدين ، عن السيد فضل الله ، عن السيد ذي الفقار ، عن الشيخ أبي جعفر .

ح : وعنه ، عن ابني الطاوس ، عن ابن زهرة ، عن ابن البطريق ، عن العماد الطبري ، عن أبي علي ، عن أبيه .

ح : وعنه ، عن أبيه ، عن الفقيه علي بن الفرج ، عن الحسين بن رطبة ، عن أبي علي ، عن أبيه شيخ الطائفة .

ح : وعنه ، عن محمد بن أبي البركات الصنعاني ، عن عربي بن مسافر ، عنهما ، عنه ، عن أبيه .

ح : وعنه ، عن السيد الفقيه رضي‌الدين محمد الآوي ، عن أبيه محمد ، عن جدّه زيد ، عن جدّ أبيه الداعي ، عن الشيخ أبي جعفر الطوسي .

ح : وعن السيد غياث‌الدين ، عن أبيه وعمّه ، عن ابن زهرة ، عن الشيخ رشيدالدين محمد بن علي بن شهرآشوب ، عن جدّه ، عن الطوسي .

ح : وعن السيد غياث‌الدين ، عن سلطان الحكماء خواجة نصير الملّة والدين محمد بن محمد بن الحسن الطوسي ، عن أبيه ، عن فضل‌الله الراوندي ، عن السيد ذي الفقار ، عن شيخ الطائفة .

ح : وعن العلّامة ، وعن أبيه ، عن السيد علي بن طاوس ، عن الشيخ حسين بن أحمد السوراوي ، عن العماد الطبري ، عن أبي علي ، عن أبيه .

ح : وعن العلّامة وأبيه ، عن السيد علي بن طاوس ، عن الشيخ علي بن الخياط ، عن عربي بن مسافر ، عن العماد ، عن أبي علي ، عن أبيه .

ح : وعن كمال‌الدين بن حمّاد ، عن السيد غياث‌الدين ومحمد بن صالح ، عن السيد رضي‌الدين علي بن طاوس ، عن الحسين بن أحمد ، عن العماد ، عن أبي علي ، عن أبيه .

ح : وعن العلّامة ، عن أبيه ، عن أسعد بن عبدالقاهر الأصفهاني ، عن أبي الفرج علي بن قطب‌الدين الراوندي ، عن محمد بن علي الحلبي ، عن شيخ الطائفة .

ح : وعن السيد محيي‌الدين بن زهرة ، عن ابن البطريق ، عن الطبري ، عن أبي علي ، عن أبيه .

ح : وعن الشيخ نجيب‌الدين يحيى بن سعيد ، عن السيد محيي‌الدين بن زهرة ، عن الشيخ رشيدالدين بن شهرآشوب ، عن السيد أبي‌الفضل الداعي بن علي الحسيني ، والسيد أبي‌الرضا فضل‌الله بن علي الحسني ، وعبدالجليل بن عيسى ، وأبي الفتوح أحمد بن علي الرازي ، ومحمد وعلي ابني علي بن عبدالصمد النيسابوري ، ومحمد بن الحسن السوهاني الفقيه الصالح الثقة ، وأبي علي الطبرسي وجماعة غيرهم ، عن الشيخ أبي علي وعبدالجبار المقرئ ، عن شيخ الطائفة .

ح : وعن السيد محيي‌الدين ، عن الشريف الفقيه عزالدين أبي الحارث محمد بن الحسن ابن علي الحسيني ، عن الفقيه قطب‌الدين ، عن محمد بن علي بن المحسن الحلبي ، عن شيخ الطائفة .

ح : وعن السيد محيي‌الدين ، عن شاذان ، عن الطبري ، وأبي غالب عبدالقاهر بن حمويه القمي والطبري ، عن أبي علي ، وابن حمويه ، عن الفقيه حسكة بن بابويه القمي ، عن شيخ الطائفة .

وعن الشيخ نجم‌الدين بن نما ، عن والده ، عن محمد بن جعفر المشهدي ، عن الشيخين الأجلين الحسين بن هبة بن رطبة وأبي البقاء هبةالله بن نما ، عن أبي علي ، عن أبيه .

ح : وعن نجم‌الدين ، عن أبيه ، عن الشيخ أبي الفرج ، عن أبيه قطب‌الدين ، عن محمد بن المحسن ، عن شيخ الطائفة .

ح : وعن أبي الفرج ، عن السيد ضياءالدين فضل‌الله ، عن السيد ذي الفقار ، عن شيخ‌الطائفة .

ح : وعن أبي الفرج ، عن الشيخ جمال‌الدين أبي الفتوح ، عن الشيخ عبدالجبار ، عن شيخ الطائفة .

ح : وعن أبي الفرج ، عن الطبري ، عن أبي علي ، عن أبيه شيخ الطائفة محمد بن الحسن الطوسي ـ رضي الله تعالى عنهم أجمعين ـ .

ح : وعن العلّامة ، عن أبيه ، والمحقق ، والسيدين ابني طاوس ، عن السيد فخّار ، عن شاذان ، عن الشيخ أبي عبدالله جعفر بن محمد الدوريستي ، عن المفيد شيخ الفضلاء محمد ابن محمد بن النعمان .

وعن الدوريستي ، عن أبيه ، عن الصدوق ابن بابويه القمي .

ح : وعن الشيخ نجم‌الدين بن نما ، عن أبيه ، عن الشيخ أبي الفرج ، عن السيد السعيد صفي‌الدين المرتضى بن الداعي الحسني ، عن الشيخ أبي عبدالله جعفر بن محمد بن أحمد ابن العباس الدوريستي ، عن أبيه ، عن الصدوق .

ح : وعنه ، عن أبيه ، عن أبي الفرج ، عن السيدين الأجلين ناصح‌الدين أبي جعفر محمد ، والسعيد أمين‌الدين أبي القاسم المرزبان بن الحسين بن محمد الدوريستي ، عن أبيه ، عن الصدوق .

ح : وعن السيد محيي‌الدين بن زهرة ، عن عربي بن مسافر ، عن إلياس بن هشام ، عن السيد الموفق أبي طالب بن مهدي السليقي العلوي ، عن شيخ الطائفة .

ح : وعن (ظ) السيد أبي يعلى الجعفري ، والشيخ أبي جعفر الدوريستي ، عن الصدوق .

ح : وعن السيد محيي‌الدين بن زهرة ، عن أبي المكارم حمزة بن زهرة ، عن الشيخ المكين أبي منصور محمد بن الحسن بن منصور النقّاش الموصلي ، عن أبي الوفاء الموصلي الحسيني المحمدي ، عن شيخنا الصدوق محمد بن بابويه ، وهذا أعلى الأسانيد .

ح : وعن السيد محيي‌الدين ، عن الشيخ ابن إدريس ، عن الشيخ عربي بن مسافر ، عن الرئيس عميد الرؤساء بن جيّا ، عن القاضي أحمد بن علي بن قدامة ، عن الشيخ أبي عبدالله المفيد محمد بن محمد بن النعمان .

ح : وعن السيد محيي‌الدين ، عن السيد عزالدين محمد بن الحسن الحسيني ، عن الفقيه قطب‌الدين ، عن السيد أبي الصمصام ، عن المفيد بكتبه ورواياته .

ح : وعن الشيخ نجم‌الدين ، عن أبيه ، عن محمد بن جعفر المشهدي ، عن النقاش الموصلي ، عن السيد أبي الوفاء المحمدي ، عن المفيد .

ح : وعن أبيه ، عن علي بن يحيى الخياط ، عن ابن مسافر ، عن عميد الرؤساء يحيى بن علي بن جيّا ، عن القاضي أحمد بن قدامة ، عن شيخنا المفيد .

ح : وعن شاذان ، عن أحمد بن محمد الموسوي ، عن ابن قدامة ، عن السيدين الأجلين المرتضى والرضي جميع مصنّفاتهما ورواياتهما .

ح : وعن السيد غياث‌الدين ، عن خواجة نصيرالدين محمد بن محمد ، عن أبيه ، عن السيد فضل‌الله الراوندي ، عن مكي بن أحمد المخلّطي ، عن أبي عبدالله بن أبي غانم العصمي ، عن السيد المرتضى ـ رضي الله عنه ـ .

ح : وعن السيد غياث‌الدين ، عن القاضي عبدالله بن محمود ، عن السيد الأعظم العارف الرباني كمال‌الدين حيدر بن محمد بن زيد الحسيني ، عن محمد بن علي بن شهرآشوب ، عن المنبهي بن أبي زيد ، عن أبيه ، عن السيد الرضي بكتبه ورواياته سيّما كتاب نهج البلاغة .

ح: وبالأسانيد عن ابن شهر آشوب، عن السيد أبي الصمصام، عن المفيد، والسيدين، والطوسي، والنجاشي.

وعنه، عن السيد وأبي عبدالله محمد بن علي الحلواني، عن السيد المرتضى جميع تصانيفه ورواياته، وعن السيد الرضي بكتبه ورواياته.

ح: وعن السيد محيي‌الدين، عن السيد عزالدين، عن الشيخ قطب‌الدين، عن السيدين الأجلين المرتضى والمجتبى ابني الداعي، عن أبي جعفر الدوريستي، عن الصدوق، والسيدين الرضي والمرتضى ﷺ.

ح: وعن ابن نما، عن المشهدي، عن المازندراني، عن المنبهي، عن أبيه أبي زيد الجرجاني، عن السيدين الرضي والمرتضى.

ح: وعن ابن نما، عن محمد بن جعفر، عن عبدالله بن جعفر الدوريستي، عن جدّه، عن جدّه، عن المرتضى والرضي والصدوق.

ح: وعن ابن نما، عن الخياط، عن السيد شرفشاه الأفطسي، عن الشيخ أبي الفتوح الرازي، عن القاضي الفاضل حسن الاسترآبادي، عن ابن قدامة، عن السيدين.

ح: وعن ابن نما، عن الشيخ أبي الفرج، عن عبدالرحيم بن أحمد بن الأخوة البغدادي، عن الشيخ أبي غانم العصمي الهروي الشيعي الإمامي، عنهما.

ح: وعنه، عن الخياط، عن الشيخ علي بن هارون الكال، عن الحسن بن علي بن عبدة، عن أبي السعادات أحمد بن الماصوري العطاردي، عن ابن قدامة، عنهما.

ح: وعن الشيخ محمد بن صالح، عن رضي‌الدين الآوي الحسيني، عن أبيه محمد، عن جدّه زيد، عن جدّ أبيه الفقيه الداعي، عن الشيخ والسيدين ـ رضي الله عنهما ـ.

ح: وبالأسانيد المتواترة، عن المحقق، وسديدالدين ابن مطهّر، ونجم‌الدين ابن نما وغيرهم، عن السيد فخّار، والشيخ نجيب‌الدين ابن نما، عن الشيخ محمد بن جعفر المشهدي سماعة عن السيد بهاء الشرف بقراءة الشريف الأجل نظام الشرف أبي الحسن العريضي، وقراءة على أبيه، وعلى الشيخ الفقيه هبةالله ابن نما، والشيخ المقرئ جعفر بن أبي

الفضل بن شقرة[١]، والشريف أبي القاسم بن الزكي العلوي، والشريف أبي الفتح بن الجعفرية، والشيخ سالم بن قياروبه، جميعاً عن السيد بهاء الشرف بسنده المسطور في أول الصحيفة الكاملة زبور آل محمد وانجيل أهل البيت والدعاء الكامل.

ح: وعن الشيخ الأجل نجيب‌الدين بن نما، عن الخياط، عن الشيخ عربي بن مسافر، عن السيد الأجل.

ح: وعن الشهيد، عن المزيدي، عن الشيخ جمال‌الدين محمد بن صالح وغيره من الفضلاء الأخيار، عن السيد فخّار، عن الشيخ الأجل الأعظم عميد الرؤساء هبة الله بن حامد، عن السيد الأجل.

ح: وعن السيد فخّار، عن الشيخ الأجل محمد بن محمد بن هارون المعروف بابن الكال، عن أبي طالب حمزة بن شهريار، عن السيد الأجل.

ح: وعن السيد فخّار، عن ابن ادريس، عن السيد الأجل.

ح: وعنه، عن علي بن السكون، عن السيد الأجل.

ح: وبالأسانيد المتواترة، عن ابن إدريس، عن أبي علي، عن أبيه.

ح: وعن ابن إدريس، عن العماد الطبري، وإلياس بن هشام الحائري، وابن رطبة السوراوي وغيرهم، عن السيد ذي الفقار بن معبد، والشيخ أبي علي، عن شيخ الطائفة.

ح: وعن ابن إدريس، وابن شهرآشوب، وشاذان وغيرهم، عن عبدالجبار المقرئ، وأبي علي، عن شيخ الطائفة.

ح: وبالأسانيد المتواترة، عن شيخ الطائفة، عن الشيخ أبي عبدالله الحسين بن عبيدالله الغضائري، عن أبي المفضل.. الخ.

ح: وعن الشهيد، عن السيد تاج‌الدين، عن والده أبي جعفر القاسم، عن خاله تاج‌الدين أبي عبدالله جعفر بن محمد بن معية، عن أبيه السيد مجدالدين محمد بن الحسن بن معية، عن الشيخ رشيدالدين محمد بن علي بن شهر آشوب، عن جدّه، عن شيخ الطائفة.

١ـ در برخي از مصادر «شفرة» آمده است.

وعن السيد تاج الدين، عن السيد كمال الدين المرتضى محمد بن محمد الآوي، عن خواجة نصير الدين محمد بن محمد بن الحسن الطوسي، عن أبيه، عن السيد أبي الرضا فضل الله الحسني، عن السيد أبي الصمصام، عن شيخ الطائفة بأسانيده المتكثرة، عن الامام سيد الساجدين علي بن الحسين زين العابدين ـ صلوات الله عليه ـ.

ح: وعن السيدين ابني طاوس، عن الشيخ حسين بن أحمد السوراوي، عن العماد الطبري، عن أبي علي، عن شيخ الطائفة.

ح: وعنهما، عن علي بن يحيى الخياط الحلّي، عن عربي بن مسافر العبادي، عن العماد الطبري، عن أبي علي، عن أبيه.

ح: وعنهما، عن الشيخ الفاضل أسعد بن عبدالقاهر الاصفهاني، عن الشيخ أبي الفرج الراوندي، عن الشيخ أبي جعفر محمد بن علي بن المحسن الحلبي، عن شيخ الطائفة محمد ابن الحسن الطوسي ـ رضي الله تعالى عنهم ـ بكتبه ورواياته سيّما كتاب تهذيب الأحكام والاستبصار وفهارسته، عن العلماء الأخيار، عن جماعة كثيرة منهم:

شيخ الطائفة ورئيسها في العلوم العقلية والنقلية أبو عبدالله محمد بن محمد بن النعمان المفيد، وأبو عبدالله الحسين بن عبيدالله الغضائري، وأبو الحسين جعفر بن الحسن بن حَسَكة، وأبو زكريا محمد بن سليمان الحمراني وغيرهم، عن الصدوق رئيس المحدّثين محمد بن علي بن الحسين بن موسى بن بابويه القمي بكتبه وروايات سيّما كتاب من لا يحضره الفقيه.

وعن شيخ الطائفة، عن جماعة كثيرة منهم: المفيد، وابن الغضائري، وأحمد بن عبدون، عن الشيخ الصدوق أبي القاسم جعفر بن محمد بن قولويه القمي، وعن أبي غالب أحمد بن محمد الرازي، وأبي عبدالله أحمد بن إبراهيم الصيمري المعروف بابن أبي رافع، وأبي محمد هارون بن موسى التلعكبري، وأبي المفضل محمد بن عبدالله بن المطلب الشيباني، جميعاً عن شيخ علمائنا الربانيين ثقة الاسلام ورئيس المحدّثين أبي جعفر محمد بن يعقوب

الكليني الرازي بكتبه سيّما الكتاب الكافي المشتمل على خمسين كتاباً[1] لم يصنّف في الاسلام مثله بأسانيده المثبتة فيه إلى الأئمّة المعصومين، عن سيد الأنبياء والمرسلين وأشرف الأوّلين والآخرين، عن الله تبارك وتعالى ربّ العالمين.

وعنه، عنهم ـ صلوات الله عليهم أجمعين ـ، عن جبرئيل، عن الله تعالى.

وعن جبرئيل، عن ميكائيل، عن إسرافيل، عن خالق السموات والأرضين.

وعن إسرافيل، عن اللوح، عن القلم، عن الله تعالى ربّ العالمين.

فكلّ كتاب صنّفه علماؤنا أو رووه؛ فهو داخل في هذه الأسانيد إلّا ما شذّ.

وأمّا كتب العامة: فعن العلامة، عن أبيه، عن السيد صفي‌الدين بن معد الموسوي، عن الشيخ نصيرالدين راشد بن إبراهيم بن إسحاق البحراني، عن السيد فضل الله الراوندي، عن الشيخ أبي المظفر عبدالواحد بن أحمد بن محمد بن رشيدة السكّري باصبهان في داره بمحلة شتميكان[2]، عن سعيد بن أبي سعيد، عن محمد بن عمر بن شبوبة، عن محمد بن يوسف بن مطر، عن محمد بن اسماعيل البخاري بصحيحه.

ح: وعن السيد رضي‌الدين ابن طاوس، عن الشيخ تاج‌الدين الحسن بن الدربي، عن رشيدالدين ابن شهرآشوب المازندراني، عن أبي عبدالله محمد الفراوي، عن عبدالغفار النيشابوري، عن أبي أحمد الجلودي، عن أبي إسحاق إبراهيم بن محمد بن سفيان الفقيه، عن أبي الحسين مسلم بن الحجاج بصحيحه.

ح: وعن العلّامة، عن أبيه، عن الشيخ علي بن محمد المندآئي الواسطي، عن أبيه، عن

١ـ الكافي المعروف في هذا العصر مشتمل على أربعة وثلاثين كتاباً ونسأل الله أن يرزقنا ذلك المشتمل على الخمسين.

٢ـ كذا في الأصل ولكن في البحار، ج ١٠٦، ص ٥١: شمينكان؛ والصحيح: شميكان، قال في المعجم البلدان، ج ٣، ص ٣٦٦، ما هذا نصّه: شميكان: بالفتح ثم الكسر وبعد الياء كاف وآخر نون: محلة بأصبهان، نَسَبَ إليها بعضَ الرّواة أبو سعد.

أمين الحضرة هبةالله ، عن أبي على المذهّب ، عن أحمد بن جعفر بن حمدان القطيعي ، عن أبي عبدالرحمن ، عن أبيه أحمد بن حنبل بمسنده .

ح : وعن أبيه ، عن علي بن محمد المندآني ، عن القاضي الحسن بن ابراهيم الفارقي ، عن أحمد بن ثابت الخطيب ، عن القاسم بن جعفر الهاشمي ، عن أبي علي اللؤلؤي ، عن أبي داود السجستاني بسننه .

ح : وعن العلّامة ، عن أبيه ، عن المندآني ، عن القاضي أبي طالب الكناني ، عن أبي طاهر الباقلاني ، عن عبدالغفار ، عن أبي علي الصواف ، عن أبي علي الأسدي ، عن أحمد بن محمد النسائي ، عن محمد بن الحسن الشيباني ، عن مالك بن أنس الأصبحي بالموطأ .

ح : وعن الشيخ أبي زكريا يحيى بن البطريق ، عن ميرالأجل ، عن الشريف الخطيب أبي يعلى حيدرة الهاشمي ، عن الحميدي بالجمع بين الصحيحين للبخاري ومسلم .

وعن ابن البطريق ، عن عبدالله بن منصور الباقلاني ، عن الحسن بن رزين بالجمع بين الصحاح الستة للبخاري ومسلم والترمذي والسجستاني ومالك بن أنس ورزين العبدري .

ح : وعن السيد فخار بن معد الموسوي ، عن المندآني ، عن أبي القاسم بن الحسين ، عن القاضي أبي عبدالله القضاعي بكتاب الشهاب في الحكم والآداب من كلام سيدالمرسلين ﷺ ، والطرق إلى هذه الكتب أكثر من أن تحصى .

وأمّا كتب القراءة : فعن الشهيد ، عن السيد تاج‌الدين ، عن الشيخ جمال‌الدين يوسف بن حماد ، عن السيد رضي بن قتادة ، عن عمر بن معن ، عن محمد بن عمر القرطبي ، عن علي ابن محمد المالقي ، عن عبدالله بن سهل ، عن الشيخ أبي عمرو الداني بكتاب التيسير في القراءات السبع .

ح : وعن الشهيد ، عن الشيخ جمال‌الدين أحمد بن الكوفي ، عن الشيخ محمد المضري ، عن الشيخ زين‌الدين علي المربعي ، عن الشيخ عزالدين حسين بن قتادة المدني ، عن الشيخ مكين‌الدين يوسف بن عبدالرزاق الأنصاري ، عن ناظم الشاطبية المعروفة بحرز الأماني .

ح : وعن السيد فضل الله الراوندي الحسني ، عن أبي الفتح بن أبي الفضل الاخشيدي ، عن أبي الحسن علي بن القاسم الخيّاط ، عن عمر بن ابراهيم الكتاني ، عن الشيخ جمال‌الدين أحمد بن موسى بن مجاهد في القراءات السبع .

ح : وعن الشهيد ، عن السيد تاج‌الدين ، عن الشيخ جمال‌الدين يوسف بن حماد ، عن السيد رضي‌الدين بن قتادة ، عن أبي حفص الزبري ، عن القاضي بهاءالدين ، عن ضياءالدين يحيى بن سعدون القرطبي ، عن الشيخ عبدالرحمن بن عتاب مكي بن أبي طالب المقرئ بكتاب الموجز في القراءات والرعاية في التجويد وسائر كتبه في القراءة .

ح : وعن السيد محيي‌الدين بن زهرة ، عن عمّه حمزة بن زهرة ، عن أبيه عبدالله بن زهرة ، عن الشيخ أبي عبدالله الحسين بن عبدالأحد[1] القِنّسريني بكتاب التهذيب له في القراءات السبع .

ح : وعن السيد محيي‌الدين ، عن الشيخ المقرئ علم‌الدين أبي الفتح بن العُلَيمي ، عن الشيخ علي بن بركات بن خليفة الحدّاد ، عن الخطيب عبدالواحد بن علي ، عن الشيخ أبي الحسن علي بن أحمد المقرئ المعروف بابن البنّا بكتاب التذكار في قراءة السبعة ويعقوب إلى غير ذلك من كتب القراءة وغير ما ذكرنا من الطرق إلى الكتب التي ذكرناها .

وأمّا كتب اللغة : فعن العلّامة ، عن أبيه ، عن الشيخ مهذب‌الدين الحسين بن ردة ، عن محمد بن الحسين بن علي بن محمد بن أبي الحسن بن علي بن عبدالصمد التميمي النيسابوري ، عن أبيه ، عن جدّ أبيه ، عن الأديب أبي منصور بن أبي القاسم البيتكي ، عن أبي نصر إسماعيل بن حمّاد الجوهري بكتاب الصحاح في اللغة .

ح : وعن السيد فخّار ، عن أبي الفتح محمد بن المندآني ، عن أبي منصور موهوب بن أحمد بن الخضر الجواليقي ، عن الخطيب أبي زكريا التبريزي ، عن محمد بن علي الجوهري ، عن أبي بكر بن الجراح ، عن ابن دُريد بكتاب الجمهرة وسائر مصنّفاته ورواياته وإجازاته .

١ـ كذا في الأصل و في البحار، ج ١٠٤، ص ١٦٤ و ج ١٠٦، ص ٥٩: عبدالواحد.

ح: وعن السيد فخّار، عن أبي الفتح، عن الرئيس أبي عبدالله الحسين بن محمد بن عبدالوهاب المعروف بالبارع، عن محمد بن أحمد بن المسلم العدل، عن أبي القاسم إسماعيل بن أسعد بن سليمان بن سويد، عن أبي بكر محمد بن القاسم بن بشار الأنباري، عن أبيه القاسم، عن عبدالله بن محمد الرستمي، عن أبي يوسف يعقوب بن إسحاق السكيت الشهيد للتشيع بكتاب اصلاح المنطق، وكان من خصيص أصحاب أبي جعفر الجواد وأبي الحسن الهادي ـ صلوات الله عليهما ـ، روى عنه تغلب.

ح: وعن السيد فخار، عن عميد الرؤساء أبي منصور هبةالله بن أيّوب، عن ابن العضار[1]، عن سعد الخير، عن محمد بن محمد المطري، عن جدّي أبي نعيم أحمد بن عبدالله الحافظ الإصبهاني المقبول عند الخاصة والعامة، وله كتب منها: كتاب حلية الأولياء، عن محمد بن أحمد بن كيسان النحوي، عن أبي العباس تغلب أحمد بن يحيى بكتبه ورواياته منها: كتاب الفصح.

ح: وعن العلّامة، عن أبيه، عن الشيخ مهذب‌الدين محمد بن يحيى بن كرم، عن أبي الفرج بن الجوزي، عن أبي[2] الجواليقي، عن الخطيب التبريزي، عن سليمان بن أيوب الرازي، عن أحمد بن فارس بكتبه سيّما كتاب مجمل اللغة له.

ح: وعن أبيه، عن السيد فخار، عن أبي الفرج ابن الجوزي، عن ابن الجواليقي، عن الخطيب التبريزي، عن الوزير أبي القاسم المقرئ، عن أبي عبيد أحمد بن محمد الهروي بكتبه سيّما كتاب الغريبين له.

ح: وعن السيد فخار، عن عميد الرؤساء، عن ابن العضار، عن محمد بن مهر، عن المبارك بن عبدالجبار، عن أبي الحسن أحمد بن محمد بن عبدوس، عن الحسن بن عبدالغفار النحوي، عن محمد بن السرّي، عن الحسين السكري، عن أبي إسحاق الزيادي، عن أبي سعيد عبدالملك الأصمعي بكتبه.

ح: وعن العلّامة، عن السيد رضي‌الدين علي بن طاوس، عن الشيخ تاج‌الدين الحسن ابن الدربي، عن الموفق أبي عبدالله أحمد بن شهريار الخازن، عن أبي محمد عبدالله بن

١ـ في بعض المصادر: العصار.

٢ـ كذا في الأصل والصحيح «ابن».

أحمد بن الخشاب النحوي اللغوي المغربي بكتبه ورواياته ومقرواته من كتب الأدب والتفاسير والأحاديث وغيرها.

ح: وعن أبيه، عن السيد فخار، عن ابن المندآني، عن ابن الجواليقي، عن الخطيب التبريزي، عن أبي العلاء بن سليمان المقرئ بكتبه ورواياته.

ح: وعن والده، عن الشيخ ابن كرم، عن ابن الجوزي، عن ابن الجواليقي، عن الخطيب التبريزي.

ح: عن أبي العلاء المعرّي وأبي القاسم عمر بن ثابت الثمانيني وأبي الحسن بن عبدالوارث بجميع كتبهم ورواياتهم.

ح: وعن الثمانيني، عن أبي الفتح بن جنّي بجميع كتبه ورواياته سيّما عن الخاصة.

وعن ابن جنّي بهذا الاسناد، عن الشيخ الأعظم الإمامي أبي علي الفارسي بجميع كتبه.

ح: وعن أبي علي، عن أبي بكر بن السراج بجميع كتبه.

ح: وعنه، عن الزجّاج بجميع كتبه.

ح: وعنه، عن أبي العبّاس المبرّد بجميع كتبه.

ح: وعنه، عن المازني أبي عثمان بجميع كتبه.

ح: وعنه، عن الجرمي بمصنّفاته.

ح: وكذا عن أبي الحسن الأخفش بتصانيفه.

ح: وعنه، عن سيبويه بكتبه سيّما الكتاب.

ح: وعنه، عن الشيخ الأعظم الخليل بن أحمد بكتبه ورواياته.

ح: وبالأسانيد المتواترة عن الصدوق محمد بن بابويه، عن الخليل الإمامي الثقة النقة بكتبه ورواياته عن الخاصة، عن الأئمّة المعصومين ـ صلوات الله عليهم أجمعين ـ.

ح: وعن العلّامة، عن نجم‌الدين الكاتبي، عن أثيرالدين الفضل بن عمر الأبهري جميع رواياته ومصنّفاته.

ح: وكذا عن أفضل‌الدين الخونجي.

ح: وعنهما، عن فخرالدين محمد بن الخطيب الرازي بمصنّفاته ومرويّاته.

فليرو الولد الأعز ـ أدام الله تبارك وتعالى تأييداته وتوفيقاته ـ هذه الكتب وغيرها ممّا لم أذكره اختصاراً من الكتب التي صنّف في الاسلام سيّما كتب التفاسير والأحاديث عنّي، وآخذ عليه ما أخذ عليّ من الإحتياط في الرواية والفتوى، وأن لا يعمل ولا يفتي إلّا بالأحوط؛ فإنّه لا يضل سالكه سيّما اليوم فإن السبيل منحصر فيه إلّا ما يكون واضحاً كصلاة الجمعة في زمان الغيبة مع أنّي أحتاط فيها ايضاً مع أنّ وجوبه كالمتيقن عندي، وأمّا مثل وجوب السورة أو استحبابه، وكذا السلام والقنوت؛ فإنّ الظاهر أنّ أمثالها من المتشابهات والإحتياط فيها أن لا يتركها، ولا يفتي بالوجوب ولا الإستحباب كما يرى من عملي.

ثمّ إنّي أوصيه ونفسي الخاطئة بتقوى الله تبارك وتعالى فإنّها وصية الله تعالى في الأولين والآخرين وايتار مراقبته والإخلاص له في العلم والعمل؛ فإنّ الناس كلّهم هلكى إلّا العالمين، والعالمون كلّهم هلكى إلّا العاملين، والعاملون كلّهم هلكى إلّا المخلصين، والمخلصون على خطر عظيم.

وأن يقرأ كل يوم من القرآن العظيم جزءاً بالتدبّر والتفكّر، وأن يلاحظ كلّ يوم وصيّة مولانا أمير المؤمنين ـ صلوات الله عليه ـ لابنه أبي محمد الحسن سيّد شباب أهل الجنّة أجمعين التي مذكورة في نهج البلاغة وأن يعمل بها والآخر وبوصايا باقي الأئمّة المعصومين ـ صلوات الله عليهم أجمعين ـ.

وأن لا يترك الرياضات والمجاهدات كما قال تعالى: ﴿وَٱلَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ ٱللَّهَ لَمَعَ ٱلْمُحْسِنِينَ﴾[1].

وعليه أن يتدبر في الأخبار الواردة في الأخلاق المرضية وفي الأطوار الردية والإجتناب عنها.

وعليه بالمداومة بالدعوات وأن يسأل الله تعالى أن يجعله من أوليائه الذين لا خوف عليهم ولا هم يحزنون.

١ـ سورة مباركه عنكبوت، آيه ٦٩.

ثمّ المأمول منه أن لا ينساني حيّاً وميتاً سيّما في مظان إجابة الدعوات وعقيب الصلوات.

نمقته بيمناه الداثرة أحوج المربوبين إلى رحمة ربّه الغني محمد تقي بن مجلسي ـعفي عنهماـ والحمد لله ربّ العالمين، والصلاة على أشرف الأنبياء والمرسلين محمد وعترته الطيبين الطاهرين، وكان ذلك في شهر جمادى الآخرة لسنة ثمان وستين بعد الألف الهجرية.

[٢٠]

بسم الله الرحمن الرحيم وبه نستعين

الحمد لله الذي جعل الرواية ذريعة إلى درك أحكامه وأوضح بها معاني آيات كتابه، والصلاة على أفضل من أرسله للوصول إلى جنابه، وآله المقتفين لمناهج آثاره.

وبعد: فيقول أفقر عباد الله وأحوجهم إلى رحمته محمد تقي بن مجلسي ـعفي عنهما بالنبي وآله ـ: إنّه لا ريب أنّ أرجح المطالب وأنجح المآرب العلم بالله سبحانه ومعرفة محابه ومكارهه، ولا يحصل ذلك إلّا باتباع الأئمّة الهادين الذين هم أبواب مدينة علوم سيد المرسلين وخزانة أسرار رب العالمين، وانحصر في هذا الزمان متابعتهم بنقل أخبارهم والعمل بآثارهم ـسلام الله وصلواته عليهمـ.

ثمّ إنّ الولد الأعز محمد باقر ـأدام الله تبارك وتعالى تأييداته ووفّقه للعروج إلى أعلى معارج اليقين وسلوك مسالك المتقين ـممّن انقطع بكليته إلى طلب المعالي ووصل يقظة الأيام باحياء الليالي، وقرأ عليّ أكثر العلوم العقلية والنقلية سيّما الأخبار النبوية والأحاديث المرتضوية محقّقاً لمعانيه على أكمل التحقيق والتدقيق.

وقد أجزت له بعد الاستجازة[1] ـأدام الله تأييده وكثر في العلماء مثله ـأن يروي عنّي جميع ما قرأه وسمعه عليّ وأن يقرئه ويعمل به عن مشايخي الذين عاصرتهم واستفدت منهم، أو اتصلت الرواية بهم؛ بل أجزت له رواية جميع ما صنّفه ورواه وألّفه علماؤنا الماضون وسلفنا الصالحون ـرضي الله تعالى عنهم أجمعين ـمن جميع العلوم النقلية والعقلية والأدبية والعربية

١ـ خ ل: الاستخارة.

بالطرق التي لي إليهم، وجميع ما رويته عنهم وعن غيرهم متى علم أنّه داخل تحت روايتي، وطرقي إليهم كثيرة فمن ذلك:

ما أرويها عن الشيخ الأعظم والوالد المعظم، شيخ فضلاء الزمان ومربّي العلماء الأعيان، رئيس المحققين، قدوة المدققين، الزاهد الورع، التقي النقي مولانا عبدالله بن حسين التستري ـ رفع الله تعالى مكانه في جنته وقرّبه ـ، عن الشيخ العالم الفاضل البدل نعمة الله بن أحمد بن محمد بن خاتون العاملي، عن أبيه الشيخ الأفضل الأكمل أحمد، وعن شيخ علماء الاسلام رئيس المحققن والمدققين نورالدين الشيخ علي بن عبدالعالي الكركي العاملي، عن الشيخ الأعلم والأفضل الأكمل شمس‌الدين محمد بن خاتون، عن الشيخ الأجل الأكمل جمال‌الدين أحمد بن الحاج علي العيناثي، عن الشيخ زين‌الدين جعفر بن الحسام، عن السيد الأجل الحسن بن أيّوب الشهير بابن نجم‌الدين، عن شيخنا الأعظم محقق حقايق الأوّلين والآخرين السعيد الشهيد أبي عبدالله محمد بن مكّي العاملي ـ قدّس الله روحه ونوّر ضريحه ـ.

ح: وأرويها عن شيخ الاسلام والمسلمين وأفضل المحقّقين ورئيس المحدّثين العلّامة الأعظم والوالد المعظم بهاء الملّة والحق والدين محمد العاملي الحارثي الهمداني ـ نوّر الله رمسه الزكية وروحه الرضية ـ، عن أبيه الشيخ العلّامة الفهّامة شيخ الاسلام والمسلمين حسين بن عبدالصمد، عن شيخ علماء الاسلام وعلّامة علماء الزمان العالم الربّاني والمحقق الصمداني زين‌الدين علي بن أحمد العاملي ـ أنار الله برهانه ـ، عن شيخ المحققين وأكمل المدققين نورالدين علي بن عبدالعالي.

ح: وعن جماعة من الفضلاء الأعيان منهم: العلّامة الفهّامة القاضي معزالدين محمد، والشيخ الفاضل التقي الشيخ يونس الجزائري، والشيخ الأعظم الأكمل الشيخ بهاءالدين محمد ـ رضي الله تعالى عنهم ـ، عن الشيخ العلّامة الفهّامة الشيخ عبدالعالي بن الشيخ علي، عن أبيه نورالدين علي بن عبدالعالي ـ رضي الله تعالى عنهم ـ.

ح: وعن جماعة من الفضلاء منهم: الشيخ الفاضل الكامل أستاد الفضلاء القاضي أبوالشرف، والشيخ الفاضل الكامل الشيخ عبدالله بن الشيخ الفاضل الشيخ جابر العاملي،

والشيخ الكامل مولانا محمد قاسم، عن جدّي رئيس الفقهاء والمحدّثين في زمانه الشريف مولانا درويش محمد ابن الشيخ العالم الربّاني الشيخ حسن النطنزي العاملي، عن الشيخ نورالدين علي بن عبدالعالي ـ قدّس الله أرواحهم الزكيّة ـ.

وعن الشيخ العالم الفاضل البدل الشيخ جابر بن عباس النجفي، عن الشيخ الأكمل الأفضل الشيخ عبدالنبي الجزائري، عن السيد المحقّق السيد محمد.

وعن جماعة من الفضلاء منهم: السيد العالم العامل [العاملي] السيد عبدالكريم، عن السيد محمد بن السيد علي، عن أبيه، عن الشهيد الثاني، عن الشيخ نورالدين علي بن عبدالعالي.

ح: وعن السيد الفاضل الكامل المحقق المدقق الأمير شرف‌الدين علي ـ دام ظلّه ـ، عن السيد الأفضل الأكمل الأمير فيض الله التفرشي النجفي، والشيخ الفاضل الكامل المحقق المدقق الشيخ محمد بن الشيخ الأكمل الأفضل قدوة المحققين الشيخ حسن بن الشهيد الثاني ـ قدّس الله أرواحهم ـ جميعاً، عن الشيخ حسن، عن الشيخ العلّامة الحسين بن عبدالصمد، عن الشهيد الثاني.

وعن السيد السند فيض الله، عن السيد الجليل أبي الحسن علي بن الحسين، عن الشهيد الثاني، عن الشيخ نورالدين علي بن عبدالعالي ـ قدّس الله أرواحهم ـ.

وعن السيد الأجل الأمير شرف‌الدين علي، عن الشيخ الأجل رئيس المحدّثين ميرزا محمد الاسترآبادي، عن الشيخ السعيد الجليل الشيخ ابراهيم بن الشيخ نورالدين علي، عن أبيه الشيخ علي بن عبدالعالي ـ نوّر الله ضرايحهم ـ، عن الشيخ الأجل الأكمل السعيد ابن عمّ الشهيد شمس‌الدين محمد بن داود الشهير بابن المؤذن الجزيني، عن الشيخ الجليل ضياءالدين علي نجل الشيخ السعيد الشهيد محمد بن مكّي، عن والده ـ رضي الله تعالى عنهم ـ.

ح: وعن الشيخ شمس‌الدين بن داود، عن الشيخ أبي القاسم علي بن طيّ، عن الشيخ شمس‌الدين العريضي، عن السيد حسن بن أيّوب الشهير بابن نجم‌الدين بن الأعرج، عن الشهيد ـ رحمهم الله تعالى ـ.

ح: وعن ابن داود، عن الشيخ عزالدين حسن بن العشرة، عن الشيخ العالم الربّاني

جمال‌الدين أحمد بن فهد، عن الشيخ زين‌الدين علي بن الخازن الحائري، عن الشهيد ـ رضي الله تعالى عنهم ـ.

وعن ابن داود، عن السيد الأجل المحقق السيد علي بن دقماق الحسيني، عن الشيخ الفاضل المحقق شمس‌الدين محمد بن شجاع القطان، عن الشيخ المحقق أبي عبدالله المقداد بن عبدالله السيوري الحلّي، عن الشهيد ـ رحمهم الله تعالى ـ.

ح: وعن الشيخ عزالدين ابن العشرة، عن الشيخ شمس‌الدين محمد بن نجدة الشهير بابن عبدالعالي، عن الشهيد محمد بن مكي ﷺ.

وعن الشهيد الثاني، عن الشيخ الأكمل الأعلم الأفضل ابن الأعرج السيد حسن، عن الشيخ نورالدين علي.

وعن الشيخ زين‌الدين، عن الشيخ جمال‌الدين أحمد بن محمد بن خاتون بالسند الأول إلى الشهيد.

وعن أحمد بن خاتون وجماعة من الفضلاء، عن الشيخ نورالدين علي بن عبدالعالي، عن الشيخ الفاضل العلّامة نورالدين علي بن هلال الجزائري، عن الشيخ جمال‌الدين ابن فهد، عن الشيخ علي بن الخازن، عن الشهيد ـ رضي الله تعالى عنهم ـ جميع مصنّفات الشهيد والفضلاء المذكورين في السند.

وبهذه الطرق وغيرها جميع مصنّفات ومرويات الشيخ العلّامة سلطان العلماء وترجمان الحكماء جمال الملة والدين حسن بن الشيخ الأكمل سديدالدين يوسف بن علي بن مطهر، عن جماعة من تلامذته، عنه.

منهم: ولده الشيخ الفاضل فخرالمحققين والمدققين أبوطالب محمد، والسيد الجليل عميدالدين عبدالمطلب بن الأعرج الحسيني والسيد العلّامة النسّابة تاج‌الدين أبو عبدالله محمد بن القاسم بن معية الحسني الدياجي والسيد الجليل أحمد بن أبي ابراهيم محمد بن زهرة الحلبي، والسيد الكبير العالم نجم‌الدين مهنّا بن سنان المدني، والشيخ العلّامة الفهّامة قطب‌الدين محمد بن محمد الرازي، والشيخ العلّامة رضي‌الدين أبوالحسن علي بن الشيخ

جمال‌الدين أحمد بن يحيى المعروف بالمزيدي، والشيخ المحقق زين‌الدين علي بن طراد المطارباذي، وغيرهم، عن العلّامة ـ رضي الله تعالى عنهم ـ.

وأروي مصنّفات ومرويّات السيد تاج‌الدين بن معيّة المذكور وجميع ما يصحّ عنه أيضاً من وَلَدَي شيخنا الشهيد أبي طالب محمد وأبي القاسم ضياءالدين علي، عن السيد تاج‌الدين بغير واسطة.

أمّا ضياءالدين علي فبالإسناد إلى الشيخ شمس‌الدين ابن داود، وأمّا أبوطالب فبالإسناد إلى الشيخ عزالدين بن العشرة، عنه.

قال الشهيد الثاني: رأيت خط هذا السيد المعظم بالإجازة لشيخنا السعيد شمس‌الدين محمد بن مكّي و لولديه محمد وعلي ولأختهما أم الحسن فاطمة ولجميع المسلمين ممّن أدرك جزءاً من حياته بجميع ذلك عن مشايخه منهم: الشيخ العلّامة جمال‌الدين والسيد مجدالدين أبوالفوارس محمد بن علي بن الأعرج والد السيد ضياءالدين وعميدالدين ﷺ والسيد الجليل النسّابة علم‌الدين المرتضى بن السيد جلال‌الدين عبدالحميد ابن السيد الطاهر الأوحد فخار بن معد الموسوي، والسيد رضي‌الدين علي بن السيد غياث‌الدين عبدالكريم ابن السيد جمال‌الدين أحمد بن طاوس الحسني، والسيد كمال‌الدين الحسن بن محمد الآوي الحسيني، والشيخ صفي‌الدين محمد بن الشيخ نجيب‌الدين يحيى بن السعيد، والشيخ جمال‌الدين يوسف بن حماد، والشيخ جلال‌الدين محمد بن الكوفي وغيرهم، عن مشايخهم وجميع مصنّفات هؤلاء ومؤلفاتهم.

وبالاسناد إلى الشيخ أبي طالب محمد ولد شيخنا الشهيد جميع مصنّفات ومرويات والده والشيخ فخرالدين بن المطهر عنه بغير واسطة باجازة سبقت منه إليه.

وبالاسناد المقدم إلى الشيخ رضي‌الدين علي بن أحمد المزيدي، و زين‌الدين علي بن طراد المطارباذي جميع مصنّفات ومرويات الشيخ الفقيه الأديب تقي‌الدين الحسن بن علي ابن داود الحلّي.

وعنه ﷺ جميع مصنّفات ومرويات الشيخ المحقق شيخ الطائفة نجم‌الدين أبي القاسم

جعفر بن سعيد، وجميع مصنّفات ومرويات السيد العلّامة جمال‌الدين أبي الفضائل أحمد بن موسى بن جعفر بن الطاوس الحلّي مصنّف كتاب بشرى المحققين وكتاب ملاذالعلماء وكتاب حل الاشكال في معرفة الرجال وغيرها من الكتب تمام اثنين وثمانين مجلداً، وجميع مصنّفات ومرويات ولده السعيد غياث‌الدين عبدالكريم بن أحمد بن طاوس صاحب المقامات والكرامات وغيرهم، وسيأتي إن شاء الله تعالى ذكر مشايخ هؤلاء الأفاضل واتصالهم بمن تقدّم.

وعن السيد غياث‌الدين جميع مصنّفات ومرويات الامام السعيد رئيس العلماء المحققين محقق حقايق الأولين والآخرين نصيرالملّة والحق والدين محمد بن محمد بن الحسن الطوسي، وعن الشيخ جمال‌الدين بن المطهر، عنه أيضاً.

وعن السيد غياث‌الدين، عنه أيضاً.

وبالاسناد المتقدّم إلى الشيخ رضي‌الدين علي بن أحمد المزيدي جميع ما رواه عن مشايخه مضافاً إلى العلّامة فمنهم: الشيخ الصالح شمس‌الدين محمد بن أحمد بن صالح السيبي تلميذ السيد فخّار بن معد الموسوي، ومنهم: السيد رضي‌الدين بن معية الحسني، ومنهم: الشيخ العلّامة فخرالدين علي بن يوسف بن البوقي اللغوي، والشيخ العالم صفي‌الدين محمد بن نجيب‌الدين يحيى بن سعيد، والشيخ تقي‌الدين الحسن بن داود، والشيخ الأعلم شيخ الطائفة وملاذها شمس‌الدين محمد بن جعفر بن نما، ومنهم: والده السعيد أحمد بن يحيى المزيدي وغيرهم، عن مشايخهم بطريقهم إليهم، وعن هؤلاء المشايخ جميع مصنّفاتهم ومروياتهم.

ح: وبالاسناد المتقدّم إلى السيد عميدالدين جميع ما يرويه عن والده السعيد مجدالدين أبي الفوارس محمد بن علي بن الأعرج تلميذ الشيخ يحيى بن سعيد، والشيخ مفيدالدين محمد بن جهيم وغيرهما.

وجميع ما رواه عن جدّه السعيد فخرالدين علي، والسيد فخرالدين يروي عن السيد جلال‌الدين عبدالحميد بن السيد فخّار، عن والده وغيرهم.

وجميع ما رواه عن الشيخ رضي‌الدين علي بن الشيخ سديدالدين يوسف بن المطهر ـ قدّس الله أرواحهم ـ.

ح: وبالاسناد إلى الشيخ فخرالدين بن المطهر جميع ما رواه مضافاً إلى والده السعيد جمال‌الدين، عن عمّه العلّامة رضي‌الدين علي بن يوسف بن مطهر، عن والده سديدالدين يوسف، والشيخ نجم‌الدين جعفر بن سعيد وغيرهما.

وأمّا مرويات ومصنّفات العلّامة جمال‌الدين بن مطهر فإنّا نرويها بطرق أخرى مضافة إلى ما تقدّم منها: عن الشيخ نورالدين علي بن عبدالعالي، عن الشيخ الصالح شمس‌الدين محمد بن أحمد بن محمد الصهيوني، عن الشيخ المحقق جمال‌الدين أحمد بن الحاج علي، عن جعفر بن الحسام، عن السيد حسن بن أيّوب بن الأعرج، عن السيدين الأميرين ضياءالدين عبدالله بن محمد بن علي بن الأعرج وأخيه السيد عميدالدين، وعن الشيخ فخرالدين، عن العلّامة.

ح: وعن الشيخ نورالدين علي، عن الشيخ شمس‌الدين بن داود، عن الشيخ زين‌الدين علي بن طي، عن الشيخ شمس‌الدين محمد بن محمد بن عبدالله العريضي[1]، عن السيّد بدرالدين حسن بن نجم‌الدين، عن المشايخ الثلاثة ضياءالدين وعميدالدين وفخرالدين، عن العلّامة، وعن الثلاثة جميع مصنّفاتهم.

ح: وعن الشيخ شمس‌الدين محمد بن داود، عن الشيخ عزالدين حسن بن العشرة، عن الشيخ جمال‌الدين أحمد بن فهد، عن الشيخ نظام‌الدين علي بن عبدالحميد النيلي، عن المشايخ الثلاثة، عن العلّامة.

ح: وعن الشيخ شمس‌الدين الصهيوني، عن الشيخ عزالدين حسن بن العشرة، عن الشيخ نظام‌الدين النيلي، عن الشيخ فخرالدين، عن العلّامة، وغيرها من الطرق.

وعن العلّامة، عن والده سديدالدين يوسف، وعن الشيخ المحقق نجم‌الدين وابن عمّه الشيخ نجيب‌الدين يحيى بن أحمد بن سعيد، والشيخ مفيدالدين محمد بن جهيم الأسدي،

١ـ في الأصل القريضي.

والسيدين الزاهدين رضي‌الدين أبي القاسم علي وجمال‌الدين أبي الفضائل أحمد ابني موسى بن الطاوس الحسني جميع مصنّفاتهم ومروياتهم عنهم بغير واسطة.

وأروي مصنّفات الشيخ المحقق جعفر بن سعيد عالياً عن شيخنا الشهيد، عن الشيخ البليغ جلال‌الدين محمد بن الشيخ العلّامة شمس‌الدين محمد بن الكوفي الهاشمي الحارثي، عن الشيخ نجم‌الدين بلا واسطة.

وأرويها أيضاً عن الأجلين عميدالدين وفخرالدين، عن الشيخ رضي‌الدين علي بن يوسف بن مطهر، عن المحقق.

وأرويها أيضاً عن السيد تاج‌الدين بن معية الحسني، والشيخ رضي‌الدين علي بن أحمد المزيدي، والشيخ زين‌الدين علي بن طراد المطارباذي جميعاً، عن الشيخ صفي‌الدين محمد بن يحيى بن سعيد، عن عمّه المحقق ـ رحمهم الله تعالى ـ.

وعن الجماعة كلّهم جميع مصنّفات ومرويات الشيخ العلّامة نجيب‌الدين أبي إبراهيم محمد بن جعفر بن أبي البقا هبة الله بن نما الحلّي، ومصنّفات ومرويات السيد العلّامة المرتضى شمس‌الدين أبي علي فخّار بن معد الموسوي، ومصنّفات ومرويات الشيخ العلّامة قدوة المذهب السيد السعيد محيي‌الدين أبي حامد محمد بن أبي القاسم عبدالله بن علي بن زهرة الحسيني الصادقي الحلبي.

وعن المشايخ الثلاثة مصنفات ومرويات الشيخ العلّامة فخرالدين أبي عبدالله محمد بن إدريس الحلّي، ومصنّفات ومرويات الشيخ السعيد رشيدالدين أبي جعفر محمد بن علي بن شهر آشوب المازندراني، ومصنّفات ومرويات الشيخ الفاضل العالم سديدالدين أبي الفضل شاذان بن جبرئيل القمي بغير واسطة إلّا في الشيخ نجيب‌الدين بن نما فإنّه يروي عن شاذان بواسطة الشيخ السعيد أبي عبدالله محمد بن جعفر المشهدي.

وبالاسناد عن السيد فخّار جميع مصنّفات ومرويات الشيخ أبي زكريا يحيى بن علي بن البطريق الحلّي، وجميع مصنّفات ومرويات الشيخ الأفضل عميد الرؤساء هبة الله بن حامد ابن أحمد بن أيوب، عنهما بغير واسطة.

وعن الشيخ محمد بن ادريس جميع مصنّفات السيد الطاهر أبي المكارم حمزة بن علي ابن زهرة الحلبي صاحب كتاب الغنية وغيره، وعن ابن أخيه السيد محيي‌الدين، عنه أيضاً.

وجميع مصنّفات ومرويات الشيخ عربي بن مسافر العبادي، والشيخ نجم‌الدين عبدالله ابن جعفر الدوريستي.

وعن الشيخ شاذان جميع مصنّفات ومرويات الشيخ الجليل أبي عبدالله جعفر بن محمد الدوريستي تلميذ الشيخ المفيد، عن شاذان، عن الشيخ الفقيه عبدالله بن عمر الطرابلسي، عن القاضي عبدالعزيز بن أبي كامل، عن الشيخ أبي الفتح محمد بن عثمان الكراجكي جميع تصانيفه.

وعن شاذان، وعن الشيخ الفقيه أبي محمد ريحان بن عبدالله الحبشي، عن القاضي عبد العزيز بن أبي كامل، عن الشيخ أبي الفتح الكراجكي أيضاً.

وعن القاضي عبدالعزيز أيضاً جميع مصنّفات الشيخ الفقيه السعيد خليفة المرتضى في البلاد الحلبية أبي الصلاح تقي بن نجم الحلبي.

وعن الشيخ شاذان، عن أبي القاسم العماد محمد بن أبي القاسم الطبري مصنّفات ومرويات الشيخ الفقيه أبي علي الحسن بن الشيخ الأعظم الأجل شيخ الطائفة علامة الدوران أبي جعفر محمد بن الحسن الطوسي.

وعنه مصنفات ومرويات والده محمد بن الحسن ـ رضي الله تعالى عنهم ـ التي من جملتها كتاب التهذيب والاستبصار وغيرهما من كتب الحديث والأصول والفروع.

وعن الشيخ أبي جعفر مصنّفات ومرويات السيد المرتضى علم الهدى علي بن الحسين الموسوي، ومصنّفات ومرويات أخيه السيد الرضي التي من جملتها كتاب نهج البلاغة، ومصنّفات الشيخ سلّار بن عبدالعزيز الديلمي، ومصنّفات ومرويات الشيخ أبي عبدالله الحسين بن عبيدالله الغضائري التي من جملتها كتاب الرجال، ومصنّفات ومرويات الشيخ الجليل الضابط أبي عمرو الكشي بواسطة الشيخ الجليل هارون بن موسى التلعكبري، وجميع مصنّفات شيخ الطائفة ورئيسها أبي عبدالله محمد بن محمد بن النعمان الملقب بالمفيد ـ رحمهم الله تعالى ـ.

وعن الشيخ المفيد جميع مصنّفات ومرويات الشيخ الفقيه رئيس المحدّثين الصدوق أبي جعفر محمد بن علي بن الحسين بن موسى بن بابويه القمي سيّما كتاب من لا يحضره الفقيه، ومصنّفات ومرويات الشيخ الفقيه أبي القاسم جعفربن محمدبن قولويه.

وعن الصدوق مصنّفات ومرويات والده علي بن الحسين.

وعن ابن قولويه جميع مصنّفات ومرويات الشيخ الأعظم الأفخم ثقة الاسلام رأس المحدثين شيخ الطائفة أبي جعفر محمد بن يعقوب الكليني الرازي التي من جملتها كتاب الكافي ـ وهو خمسون كتاباً بالأسانيد التي فيه لكل حديث متصلة بالائمة المعصومين ـ سلام الله وصلواته عليهم أجمعين ـ

ولنا طريق آخر إلى الشيخ المفيد ومن قبله أعلى من ذلك: عن السيد فخّار بن معد الموسوي المتقدم، عن شاذان بن جبرئيل، عن جعفر بن محمد الدوريستي، عن المفيد.

وعن الدوريستي، عن أبيه محمد، عن الصدوق ابن بابويه.

ح: وعن الشيخ شاذان، عن السيد أحمد بن محمد الموسوي، عن ابن قدامة، عن الشريف المرتضى وأخيه السيد الرضي.

وعن الشيخ جعفر بن محمد الدوريستي، عن الرضي أيضاً وعن المرتضى أخيه.

ح: وبالاسناد المتقدم إلى الشيخ المحقق المعظم خواجة نصيرالدين الطوسي، عن أبيه، عن السيد فضل الله الحسني، عن المرتضى الرازي، عن جعفر بن محمد الدوريستي، عن السيد الرضي.

ح: وبالاسناد المتقدم إلى السيد غياث‌الدين بن طاوس، عن السيد جلال‌الدين عبدالحميد بن السيد فخار، عن الشيخ برهان‌الدين القزويني، عن السيد هبة الله بن الشجري النحوي، عن ابن قدامة، عن السيد الرضي.

وبالاسناد المتقدم إلى الشيخ رشيدالدين محمد بن شهرآشوب السروي المازندراني، عن السيد المنتهي بن أبي زيد بن كيابكي الحسيني الجرجاني، عن السيد الرضي.

ح: وعن ابن شهر آشوب، عن السيد فضل الله بن علي الراوندي، عن عبدالجبار المقرئ، عن أبي علي، عن والده، عن السيد الرضي ـ رضي الله تعالى عنهم ـ.

ح : وعن ابن شهر آشوب ، عن السيد أبي الصمصام ذي الفقار بن معبد الحسني المروزي ، عن الشيخ أبي عبدالله محمد بن علي الحلواني ، عن السيدين البدلين علي ومحمد المرتضى والرضي ـ قدّس الله أرواحهم ـ .

ح : وعن السيد أبي الصمصام مصنّفات الشيخ أبي العباس أحمد بن علي بن أحمد بن العباس النجاشي التي من جملتها كتاب الرجال .

وعن النجاشي مصنفات الحسين بن عبيدالله الغضائري .

ولنا إلى الشيخ السعيد محمد بن الحسن الطوسي ـ قدّس الله روحه ـ طرق أخرى مضافة إلى ما تقدّم فمنها : عن السيد رضي الدين علي بن طاوس ، عن الشيخ حسين بن أحمد السوراوي ، عن محمد بن القاسم الطبري ، عن الشيخ أبي علي ، عن والده .

[ح : وعن السيد رضي الدين ، عن الشيخ أبي زياد علي ، عن والده][1] .

ح : وعن السيد رضي الدين علي بن يحيى الحناط ، عن عربي بن مسافر العبادي ، عن محمد بن القاسم الطبري ، عن أبي علي ، عن والده .

ح : وعن السيد رضي الدين بن طاوس ، عن أسعد بن عبدالقاهر الاصفهاني ، عن أبي الفرج علي بن أبي الحسين الراوندي ، عن أبي جعفر محمد بن علي بن المحسن الحلبي ، عن الشيخ أبي جعفر .

ح : وعن السيد رضي الدين ، عن السيد محيي الدين ابن زهرة ، عن الشيخ يحيى بن البطريق ، عن محمد بن أبي القاسم الطبري ، عن الشيخ أبي علي ، عن والده .

وبالاسناد المتقدم إلى نصير الدين الطوسي ، عن والده ، عن السيد فضل الله الراوندي ، عن السيد المجتبى بن الداعي ، عن الشيخ أبي جعفر .

ح : وبالاسناد المتقدم إلى العلامة ، عن والده ، عن الشيخ يحيى بن الفرج السوراوي ، عن الفقيه الحسين بن هبة الله بن رطبة ، عن أبي علي ، عن والده ﷺ .

ح : وعن العلامة ، عن والده ، عن السيد أحمد بن يوسف العريضي العلوي ، عن

---

۱ ـ داخل [ ] در نسخهٔ الف آمده است .

برهان‌الدين محمد بن محمد الحمداني القزويني، عن السيد فضل الله بن علي الراوندي، عن السيد أبي الصمصام الحسني، عن الشيخ أبي جعفر ﷺ.

ح: وبالاسناد إلى الشهيد ﷺ، عن رضي‌الدين المزيدي، وزين‌الدين المطارباذي، عن الحسن بن داود، عن المحقق نجم‌الدين جعفر بن الحسن بن يحيى بن سعيد، عن أبيه، عن أبيه، عن عربي بن مسافر، عن إلياس بن هشام، عن أبي علي، عن والده ـ رحمهم الله تعالى ـ.

ح: وعن الشهيد، عن السيد تاج‌الدين بن معية، عن السيد المرتضى علي بن السيد جلال‌الدين عبدالحميد بن فخار الموسوي، عن أبيه، عن جدّه فخار، عن شاذان بن جبرئيل، عن العماد الطبري، عن أبي علي، عن والده.

ح: وعن الشهيد، عن المزيدي، عن محمد بن صالح، عن السيد فخار، عن شاذان، عن العماد، عن أبي علي، عن أبيه ﷺ.

وعن مشايخ السيد فخار الذين تقدموا إلى المفيد وغيره.

قال الشيخ محمد بن صالح روى لي السيد فخار في السنة التي توفي فيها ﷺ وهي سنة ثلاثين وستمائة، وسبب ذلك أنّه جاء إلى بلادنا وخدمناه، وكنت أنا صبيّ أتولى خدمته فأجاز لي وقال لي: ستعلم فيما بعد حلاوة ما خصصتك به.

ح: وعن الشيخ محمد بن صالح، عن والده أحمد، عن الفقيه قوام‌الدين محمد بن محمد البحراني، عن السيد فضل الله الراوندي، عن السيد المجتبى بن الداعي الحسني، عن الشيخ الطوسي ـ رحمهم الله تعالى ـ.

ح: وعن والده أحمد، عن الشيخ علي بن الفرج السوراوي، عن الحسين بن رطبة، عن أبي علي، عن والده.

ح: وعن والده أحمد، عن الفقيه الأديب المتكلّم راشد بن إبراهيم البحراني، عن القاضي جمال‌الدين علي بن عبدالجبار الطوسي، عن والده، عن الشيخ أبي جعفر ـ رحمهم الله تعالى ـ.

ح: وعن القاضي جمال‌الدين علي مصنّفات الشيخ قطب‌الدين سعيد بن هبة الله والسيد أبي الرضا فضل الله الراوندييين.

ح : وعن ابن صالح ، عن محمد بن أبي البركات الصنعاني ، عن عربي بن مسافر ، عن الحسين بن رطبة ، عن أبي علي ، عن والده .

ح : وعن ابن صالح ، عن السيد رضي‌الدين [بن] طاوس والمحقق نجم‌الدين بسندهما إلى الشيخ .

ح : وعن ابن صالح ، عن الشيخ علي بن ثابت بن عصيدة ، عن عربي بن مسافر ، عن ابن رطبة ، عن أبي علي ، عن والده .

ح : وعن ابن صالح ، عن الشيخ نجيب‌الدين محمد بن نما ، عن والده جعفر ، وعن ابن إدريس كليهما عن ابن رطبة ، عن أبي علي ، عن والده .

وعن ابن صالح ، عن السيد الفقيه الزاهد رضي‌الدين محمد بن محمد بن محمد بن زيد ابن الداعي الحسيني ، عن أبيه ، عن أبيه ، عن أبيه ، عن أبيه الداعي الحسيني ، عن الشيخ ﷺ .

وعن السيد المرتضى ، وعن سلّار ، وابن البراج ، وأبي الصلاح بجميع ما صنّفوه ورووه .

ح : وبالاسناد إلى الشهيد ﷺ عن شيخه الجليل الفقيه الصالح جلال‌الدين الحسن بن أحمد بن الشيخ نجيب‌الدين محمد بن جعفر بن هبة الله بن نما ، عن أبيه ، عن أبيه ، عن أبيه ، عن الشيخ أبي عبدالله الحسين بن محمد بن طحال المقدادي ، عن أبي علي ، [عن والده] .

وبهذه الطرق نروي جميع مصنّفات من تقدّم على الشيخ من المشايخ المذكورين وغيرهم وجميع ما اشتمل عليه كتابه فهرست أسماء المصنّفين وجميع كتبهم ورواياتهم بالطرق التي له إليهم ، ثم بالطرق التي تضمنتها الأحاديث .

وأجزت له ـ أدام الله تأييده ـ أن يروي عنّي جميع ما رواه الشيخ الفاضل الحافظ منتجب‌الدين أبوالحسن علي بن عبيدالله بن الحسن المدعوّ حَسَكا بن الحسن بن الحسين ابن علي بن الحسين بن بابويه ، عن مشايخه وعن أبيه وجدّه وباقي أسلافه ، وعن عمّه الأعلى الصدوق بالطرق التي له إليه ، وجميع ما اشتمل عليه كتاب فهرسته لأسماء العلماء المتأخرين عن الشيخ أبي جعفر الطوسي بطرقه فيه إليهم .

وكان هذا الرجل حسن الضبط كثير الرواية عن مشايخ عديدة بالاسناد المتقدّم إلى

السيدين الأعظمين رضي‌الدين علي و جمال‌الدين أحمد ابني طاوس، والشيخ سديدالدين ابن مطهر، عن الشيخ صفي‌الدين أبي جعفر محمد بن معد الموسوي، عن الشيخ برهان‌الدين القزويني، عن الشيخ منتجب‌الدين.

وبهذا الاسناد جميع مصنّفات السيد صفي‌الدين ورواياته ومصنّفات برهان‌الدين ورواياته.

وعن برهان‌الدين مصنّفات الشيخ أمين‌الدين أبي علي الفضل بن الحسن الطبرسي، ومصنّفات الشيخ سديدالدين الحمصي، ومصنّفات السيد فضل الله الراوندي، ومصنّفات الكراجكي والصهرشتي عنهم بغير واسطة، وكتب الشيخ السعيد أبي الحسين ورّام بن أبي فراس المالكي الأشتري بواسطة الشيخ منتجب‌الدين ﷺ.

ح: وأروي أيضاً مصنّفات ومرويّات الشيخ منتجب‌الدين، عن الشيخ الشهيد، عن السيد ابن معية، عن السيد رضي‌الدين علي بن السيد غياث‌الدين عبدالكريم بن طاوس، عن والده، عن الشيخ نصيرالدين محمد بن الحسن الطوسي، عن برهان‌الدين، عنه.

وعن العلامة، عن والده، عن السيد أحمد بن يوسف، عن برهان‌الدين، عنه.

وبهذا الطريق عن الشيخ منتجب‌الدين، عن المرتضى والمجتبى ابني الداعي الحسني، عن الشيخ المفيد عبدالرحمن بن أحمد بن الحسين النيسابوري جميع مصنّفاته ومصنّفات السيد المرتضى وأخيه الرضي والشيخ أبي جعفر وسلّار وابن البراج.

وأجزت له ـ أدام الله توفيقه ـ أن يروي الصحيفة الكاملة عن مولانا سيدالعابدين بالاسناد المتقدّم إلى عميد الرؤساء هبة الله، عن السيد الأجل.. إلى آخر ما في السند.

وعن ابن إدريس بالطرق إليه.

وعن الشيخ بالطرق إليه.

وبالاسناد إلى الشهيد، عن السيد تاج‌الدين، عن أبيه أبي جعفر القاسم، عن خاله تاج‌الدين أبي عبدالله جعفر بن محمد بن الحسن بن معية، عن والده السيد مجدالدين محمد ابن الحسن بن معية، عن الشيخ أبي جعفر محمد بن شهر آشوب المازندراني، عن السيد أبي

الصمصام ذي الفقار بن محمد بن معبد الحسني، عن الشيخ أبي جعفر محمد بن الحسن الطوسي بسنده المذكور في أوّلها.

ح: وبطريق آخر عن السيد تاج‌الدين بن معية، عن السيد كمال‌الدين المرتضى محمد ابن محمد بن السيد رضي‌الدين الآوي الحسيني، عن خواجة نصيرالدين محمد بن الحسن الطوسي، عن والده، عن السيد أبي الرضا فضل الله الحسني، عن السيد أبي الصمصام، عن الشيخ أبي جعفر الطوسي -رحمهم الله تعالى-.

وبالاسناد عن ابن إدريس، عن أبي علي، عن شيخ الطائفة الطوسي، عن الحسين بن عبيدالله الغضائري، عن أبي المفضل محمد بن عبدالله بن المطلب الشيباني، عن الشريف الحسني إلى آخر السند.

وبالاسناد عن السيد فخار، عن الشيخ الأفضل الأكمل عميد الرؤساء هبة الله بن حامد ابن أحمد بن أيّوب، والشيخ الجليل النبيل علي بن السكون، عن السيد الأجل نجم‌الدين بهاء الشرف أبي الحسن محمد بن الحسن الحسيني إلى آخر السند المشهور.

وبالاسناد عن الشهيد ﷺ، عن السيد الجليل أحمد بن أبي إبراهيم محمد بن زهرة الحلبي، عن العلّامة بأسانيده إلى الشيخ وابن إدريس وعميد الرؤساء.

ولي طريق أعلى من هذه الطرق أخذتها عن مولانا ومولى الثقلين صاحب الزمان وخليفة الرحمن -صلوات الله وسلامه عليه- فإنّي كنت في عنفوان الشباب طالباً أقرب الطرق إلى الله تبارك وتعالى بالرياضات والمجاهدات، فرأيت في الرؤيا بين النوم واليقظة مولانا -صلوات الله عليه- وسألت منه مسائل اشكلت عليّ، وبعده سألت عنه كتاباً أعمل عليه، فأعطاني الصحيفة الكاملة وانكشف عليّ منها علوم كثيرة وشاعت في الآفاق حتّى أنّه لا يوجد في بلادنا دار لا تكون فيها متعدّدة.

وكذلك في النجف الأشرف قرأت الزيارة الجامعة الكبيرة على الحجّة -صلوات الله عليه- فقال: نعمت الزيارة، فقلت: روحي فداك هذه زيارة جدّك، فقرّرني ولاطفني بملاطفات كثيرة ووقع جميع ما بشّرني به في تلك الرؤيا.

وكذلك جميع أخبار أهل البيت باسناد أقرب فإنّي رأيت في أحيان المجاهدات في الطيف انه جاء شخص نوراني وكان معه ثوب نوراني مكتوب عليه بالخط الأخضر جميع أحاديث أهل البيت وكان الجلالة مكتوبة بماء الذهب، فأراد أن يلبسني، قلت: إنّي أريد الثوب الذي يكون كلّه مكتوباً عليه الجلالة ولا ألبس هذا الثوب، فقال: على العبد أن يسمع كلام مولاه، ألبِسْه والثوب الذي تريده قطع لك وما خيط بعد، فأرانيه وكان كما أردت كان مكتوباً عليه كله الجلالة بماء الذهب، فلمّا لبسته انفتح عليّ معاني الأخبار ومشكلاته ووفقني الله لترويج الأحاديث بعد ما كانت متروكة، والحمد لله رب العالمين على هذه النعماء، والغرض من ذكره التحديث بنعم الله تعالى كما قال تعالى: ﴿وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ﴾[1].

وأمّا كتب القراءات فإنّا نروي كتاب التيسير للشيخ أبي عمرو الداني بالاسناد المتقدّم إلى السيد تاج‌الدين بن معية، عن جمال‌الدين يوسف بن حماد، عن السيد رضي‌الدين بن قتادة، عن الشيخ أبي حفص عمر بن معن الزبري الضرير إمام مسجد رسول‌الله ﷺ، عن الشيخ أبي عبدالله محمد بن عمر بن يوسف القرطبي، عن الشيخ أبي الحسن علي بن أحمد الجذامي الضرير المالقي، عن الشيخ أبي محمد عبدالله بن سهل، عن الشيخ أبي عمرو الداني المصنّف.

وأرويه أيضاً عن شيخنا الشهيد، عن الشيخ عزالدين أبي البركات خليل بن يوسف الأنصاري، عن عبدالله بن سليمان الأنصاري الفرناطي، عن أحمد بن علي بن الطباع الرعيني، عن عبدالله بن محمد بن مجاهد العبدي، عن أبي خالد يزيد بن محمد بن رفاعة اللخمي، عن علي بن أحمد بن خلف الأنصاري، عن علي بن الحسين المرسي، عن الشيخ أبي عمرو الداني.

وعن شيخنا الأجل بهاءالدين محمد العاملي، عن شيخ الفقهاء والقراء في زمانه الشريف مولانا عمادالدين الاسترآبادي بسنده المذكور في كتبه إلى الشيخ أبي عمرو.

١ـ سورة الضحى، الآية ١١.

وعن شيخنا الأجل الأكمل الحافظ الضرير محمد بن شمس‌الدين الدستجردي، عن أستاده، عن مولانا عمادالدين بسنده.

وأمّا كتاب حرز الأماني المشهور بالشاطبية فإنّي أرويها بهذا الطريق عن الشيخ خليل الأنصاري، عن الجعبري بسنده، عن مصنّفها أبي القاسم بن فيرة الرعيني.

وأرويها بالسند إلى شيخنا الشهيد، عن الشيخ جمال‌الدين أحمد بن الحسين بن محمد ابن المؤمن الكوفي، عن الشيخ شمس‌الدين محمد بن الغزال المضري، عن الشيخ زين‌الدين علي بن يحيى المربعي، عن السيد عزالدين حسين بن قتادة المديني، عن الشيخ مكين‌الدين يوسف بن عبدالرزاق، عن ناظمها.

وعن الشهيد، عن الشيخ شمس‌الدين محمد بن عبدالله البغدادي، عن الشيخ محمد بن يعقوب المعروف بابن الجرايدي، عن ولد المصنّف، عن والده الناظم بأسانيده المتكثرة إلى الرواة العشرين، عن العشرة المشهورة، عن رسول‌الله ﷺ، ولم أذكر الطرق لطولها وكثرتها وهي مذكورة في شرحها للشيخ أبي الحسن علي بن محمد السخاوي وغيره.

وأمّا كتاب الموجز في القراءات والرعاية في التجويد وباقي كتب مكي بن أبي طالب المقرئ وكتاب الوقف والابتداء للشيخ شمس‌الدين محمد بن بشار الأنباري وباقي كتبه فإنّي أرويها بالاسناد المتقدّم إلى السيد رضي‌الدين بن قتادة، عن أبي حفص الزبري، عن القاضي بهاءالدين بن رافع بن تميم، عن ضياءالدين يحيى بن سعدون القرطبي، عن الشيخ أبي محمد عبدالرحمن بن محمد بن عتاب، عن الامام أبي محمد مكّي بن أبي‌طالب المقرئ.

وبالاسناد عن ابن رافع، عن ضياءالدين، عن أبي عبدالله الحسين بن محمد بن عبدالوهاب، عن أبي جعفر محمد بن أحمد بن محمد بن المسلم[1]، عن أبي القاسم اسماعيل ابن سعيد، عن محمد بن القاسم بن بشار الأنباري.

وأروي كتاب الشيخ جمال‌الدين أحمد بن موسى بن مجاهد في القراءات السبع

١ـ في البحار، ج ١٠٥، ص ٦٦: مسلمة.

بالاسناد إلى العلّامة ابن مطهر، عن أبيه سديدالدين يوسف، عن السيد صفي الدين محمد بن معد الموسوي، عن نصيرالدين راشد بن ابراهيم البحراني، عن السيد فضل الله الحسني، عن أبي الفتح بن الفضل الآخشيدي، عن أبي الحسن علي بن القاسم بن ابراهيم الخياط، عن أبي حفص عمر بن إبراهيم الكناني، عن مصنّفه أحمد بن مجاهد.

وأمّا كتب اللغة والعربية فإنّي أروي صحاح اسماعيل بن حمّاد الجوهري بالاسناد إلى الشيخ سديدالدين بن مطهر، عن مهذب‌الدين الحسين بن ردة، عن محمد بن الحسن بن علي بن محمد بن علي بن عبدالصمد التميمي، عن أبيه، عن جدّ أبيه، عن الأديب أبي منصور بن أبي القاسم البيشكي، عن الجوهري المصنّف.

وأروي كتاب الجمهرة مع باقي مصنّفات محمد بن دريد ورواياته واجازاته بالاسناد المتقدم إلى السيد فخار الموسوي، عن أبي الفتح محمد بن الميداني، عن ابن الجواليقي، عن الخطيب أبي زكريا التبريزي، عن أبي محمد الحسن بن علي الجوهري، عن أبي بكر بن الجراح، عن ابن دريد المصنّف.

وبالاسناد عن أبي الفتح الميداني جميع مصنّفات يعقوب بن السكيت صاحب كتاب اصلاح المنطق وجميع رواياته، عن الرئيس الحسين بن محمد بن عبد الوهاب المعروف بالبارع، عن محمد بن أحمد بن المسلم المعدل، عن أبي القاسم اسماعيل بن أسعد بن اسماعيل بن سويد، عن أبي بكر محمد بن القاسم بن بشار الأنباري، عن أبيه القاسم، عن عبدالله بن محمد الرستمي، عن المصنّف.

وعن السيد فخّار جميع مصنّفات الهروي صاحب كتاب الغريبين، عن أبي الفرج ابن الجوزي، عن ابن الجواليقي، عن الخطيب التبريزي، عن الوزير أبي القاسم المغربي، عن الهروي المصنّف.

وبالاسناد إلى الخطيب التبريزي، عن أبي الفتح سليمان بن أيّوب الرازي، عن الشيخ أبي الحسين أحمد بن فارس صاحب كتاب مجمل اللغة له ولجميع مصنّفاته.

وعن ابن الجواليقي، عن أبي الصقر الواسطي، عن الحبشي، عن التيسيني، عن

الأنطاكي، عن أبي تمام حبيب بن أوس الطائي صاحب الحماسة لها ولجميع تصانيفه ورواياته.

وعن السيد فخّار جميع مصنّفات أبي العباس أحمد بن يحيى المشهور بثعلب صاحب الفصيح، عن عميد الرؤساء هبة الله بن أيّوب، عن ابن القصار، عن أبي الحسن سعد الخير بن محمد الأندلسي، عن أبي سعيد محمد بن محمد المظفري، عن الحافظ أبي نعيم جدّي أحمد ابن عبدالله الاصفهاني صاحب كتاب حلية الأولياء، عن أبي الحسن محمد بن أحمد بن كيسان النحوي، عن ثعلب.

وأمّا الخلاصة المالكية فإنّي أرويها عن الشهيد، عن الشيخ شهاب‌الدين أبي العباس أحمد بن الحسن بن أحمد النحوي فقيه الصخرة ببيت المقدس، عن الشيخ برهان‌الدين ابراهيم بن عمر الجعبري، عن الشيخ شمس‌الدين محمد بن أبي الفتح الدمشقي، عن ناظمها.

وعن الشهيد، عن المزيدي، عن والده أحمد، عن الشيخ نجيب‌الدين يحيى بن سعيد، عن الشيخ الأديب مهذب‌الدين بن كرم النحوي، عن الشيخ نجيب‌الدين أبي البقاء العكبري، والشيخ علي بن فرج السوراوي جميعاً، عن الشيخ أبي محمد عبدالله بن أحمد بن الخشاب النحوي، عن السيد النقيب هبة الله بن الشجري، عن السيد أبي المعمر يحيى بن هبة الله بن طباطبا الحسني، عن القاضي أبي القاسم عمر بن ثابت الثمانيني النحوي، عن ابن جني لكتاب اللمع وغيره من مصنّفاته.

وبالاسناد إلى السيد فخار، عن أبي الفتح الميداني، عن ابن الجواليقي جميع كتبه.

وعن ابن الجواليقي، عن أبي زكريا يحيى بن علي بن الخطيب التبريزي جميع كتبه.

وعن التبريزي، عن أبي العلاء المعري والثمانيني، وأبي الحسن بن عبدالوارث جميع كتبهم.

وعن الثمانيني، عن ابن جني جميع كتبه.

وعن ابن جني، عن أبي علي الفارسي جميع كتبه، وعن الربعي جميع كتبه.

وعن أبي علي الفارسي، عن أبي بكر بن السراج جميع كتبه.

وعن ابن السراج، عن الزجاج جميع كتبه.

وعن الزجاج، عن أبي العباس المبرّد جميع كتبه.

وعن المبرّد، عن أبي عثمان المازني جميع كتبه.

وعن المازني، عن الجرمي جميع كتبه، وعن أبي الحسن الأخفش جميع كتبه.

وعن الأخفش، عن سيبويه جميع كتبه.

وعن سيبويه، عن الشيخ الأجل الخليل بن أحمد العروضي جميع كتبه.

فهؤلاء أئمة اللغة والأدب ومن تأخّر عنهم إنّما اقتفى على آثارهم ونسج على منوالهم فلا جرم اقتصرنا على ذكر الطرق إليهم وايثار الاختصار، ولو حاولنا ذكر الطريق إلى كلّ من بلغنا من المصنفين والمؤلفين لطال الخطب والله ولي التوفيق.

ولنذكر طريقاً واحداً هو أعلى ما اشتملت عليه هذه الطرق إلى سيد المرسلين ﷺ ويعلم منه مفصلاً أعلى وأشرف ما عندنا من السند إلى كتب الحديث كالتهذيب والاستبصار والفقيه ومدينة العلم والكافي وغيرها[1]:

أخبرنا الشيخ الأعظم بهاءالدين محمد العاملي، عن أبيه الحسين بن عبدالصمد، عن الشهيد الثاني، عن الشيخ نورالدين علي بن عبدالعالي.

ح: وأخبرنا الشيخ بهاءالدين محمد، عن الشيخ عبدالعالي، عن الشيخ نورالدين علي ابن عبدالعالي، عن الشيخ شمس‌الدين محمد بن داود، عن الشيخ ضياءالدين علي، عن والده الشهيد، عن رضي‌الدين المزيدي، عن محمد بن صالح، عن السيد فخّار.

ح: وعن الشيخ ضياءالدين بن مكّي، عن السيد تاج‌الدين بن معية، عن العلّامة، عن المحقق، عن السيد فخار.

١ـ هذه السند أشرف الأسناد باعتبار المعصومين، أو لأجل انّه إذا اتصل بواحد منهم ـ صلوات الله عليهم ـ فكأنّه اتصل بالنبي ﷺ وإلّا فيؤخذ في اسناد الفقيه والكافي أعلى منه بمراتب، فتدبر «منه».

ح : وعن الشهيد ، عن محمد بن الكوفي ، عن المحقق ، عن السيد فخار ، عن شاذان بن جبرئيل ، عن جعفر الدوريستي ، عن المفيد ، عن الصدوق أبي جعفر محمد بن بابويه قال : حدثنا محمد بن القاسم المفسّر الجرجاني قال : حدّثنا يوسف بن محمد بن زياد وعلي بن محمد بن سنان ، عن أبويهما ، عن مولانا وسيّدنا أبي محمد الحسن بن علي بن محمد بن علي بن موسى بن جعفر بن محمد بن علي بن الحسين بن علي بن أبي طالب ـ صلوات الله عليهم ـ ، عن أبيه ، عن أبيه ، عن أبيه ، عن أبيه ، عن أبيه ، عن أبيه ، عن أبيه ، عن أبيه ، عن أبيه علي بن أبي طالب قال : قال رسول الله ﷺ لبعض أصحابه ذات يوم : « يا عبدالله أحبب في الله وأبغض في الله ووال في الله وعاد في الله ، فإنّه لا تنال ولاية الله إلّا بذلك ، ولا يجد رجل طعم الإيمان وإن كثرت صلاته وصيامه حتّى يكون كذلك وقد صارت مؤاخاة الناس يومكم هذا أكثرها على الدنيا عليها يتوادون وعليها يتباغضون وذلك لا يغني عنهم من الله شيئاً ؛

فقال الرجل : يا رسول الله كيف لي أن أعلم أنّي قد واليت وعاديت في الله ؟ ومن وليّ الله ﷻ حتّى أواليه ؟ ومن عدوّه حتّى أعاديه ؟

فأشار له رسول الله ﷺ إلى علي عليه السلام فقال : « ألا ترى هذا » ؟ فقال : بلى ، فقال : وليّ هذا وليّ الله فواله ، وعدوّ هذا عدوّ الله فعاده ، وال وليّ هذا ولو أنّه قاتل أبيك وولدك ، وعاد عدوّه ولو أنّه أبوك أو ولدك [1] .

فليرو ذلك وغيره الولد الأعزّ ـ أدام الله تأييده ـ عنّي بهذه الطرق وغيرها ممّا ذكره الأصحاب في كتبهم وضمنوه إجازاتهم خصوصاً كتاب الإجازات لكشف طرق المفازات الذي جمعه السيد السعيد الطاهر رضي الدين علي بن موسى بن جعفر بن الطاوس الحسني ، والإجازة التي أجازها العلّامة جمال الدين الحسن بن يوسف بن مطهر للسيد الطاهر

---

١ ـ امالي الصدوق ، ص ١١ ، المجلس الثالث ؛ علل الشرايع ، ج ١ ، ص ١٤١ ؛ وسائل الشيعة ، ج ١٦ ، ص ١٧٨ ؛ بحار الأنوار ، ج ٧٥ ، ص ٢٨١ .

الأصيل أبي الحسن علي بن محمد بن زهرة الحلبي، فإنّها اشتملت على المهم من كتب الأصحاب وأكثر علماء الاسلام من الحديث والتفسير والفقه واللغة والعربية والنثر والنظم وغيرها، وكتاب فهرست الشيخ منتجب‌الدين علي بن عبيدالله بن بابويه، وفهرست الشيخ محمد بن الحسن الطوسي، وفهرست النجاشي، وإجازة الشهيد محمد بن مكي لولديه، واجازة الشيخ نورالدين علي بن عبدالعالي لولديه الشيخ عبدالعالي والشيخ ابراهيم وغيرها ـ قدس الله أرواحهم وحباهم بالجنان وسرهم وجعلنا من رفقائهم في الرفيق الأعلى بجاه سيد المرسلين وآله الطاهرين ـ.

وآخذ على الولد بما أخذ عليّ من العهد بملازمة التقوى من الله سبحانه فيما يأتي ويذر، ودوام مراقبته والأخذ بالاحتياط التام في جميع أموره سيّما في النقل والفتوى، فإنّ المفتي على شفير جهنم، وبذل العلم لأهله، وبذل الوسع في تحصيله وتحقيقه، والاخلاص لله تعالى في طلبه وبذله. فليس وراء هذا السبب من مطلب إذا حصلت شريطته فقد روينا بالاسناد السابق عن مولانا أمير المؤمنين علي بن أبي طالب ـ صلوات الله وسلامه عليه ـ انّه قال: «من كان من شيعتنا عالماً بشريعتنا فأخرج ضعفاء شيعتنا من ظلمة جهلهم إلى نور العلم الذي حبوناه القيامة [به] يوم على رأسه تاج من نور يضيء لأهل جميع العرصات وعليه حلّة لايقوم لأقل سلك منها الدنيا بحذافيرها، وينادي مناد: هذا عالم من بعض تلامذة علماء آل محمد، ألا فمن أخرجه من ظلمة جهله في الدنيا فليتشبث به يخرجه من حيرة ظلمة هذه العرصات إلى نزه الجنان، فيخرج كلّ من كان علمه في الدنيا خيراً أو فتح عن قلبه من الجهل قفلاً أو أوضح له عن شبهة»[1] الخبر مع اخبار كثيرة مذكورة في التفسير المنسوب إلى الإمام أبي محمد الحسن بن علي العسكري ـ صلوات الله وسلامه عليهما وعلى الأئمة المعصومين ـ.

وكتب هذه الأحرف بيمناه الداثرة أحوج المربوبين إلى رحمة ربّه الغني محمد تقي بن مجلسي الاصفهاني النطنزي العاملي ـ عاملهما الله تعالى بلطفه الخفي والجلي بجاه محمد وعترته القديسين ـ. والحمد لله رب العالمين والصلاة على محمد وعترته الأكرمين المطهرين.

١ـ مستدرك الوسائل، ج ١٧، ص ٣١٧؛ الاحتجاج، ج ١، ص ١٦؛ الفصول المهمة في اصول الائمة، للحر العاملي، ج ١، ص ٦٠٠؛ بحارالأنوار، ج ٢، ص ٢ و ج ٧، ص ٢٢٤.

[۲۱]

أنهاه الولد الأعزّ محمد باقر ـ أعزّه الله في الدارين ووفّقه لحصول كمالات النشأتين ـ سماع فحص وتحقيق وتدقيق وتصحيح في مجالس آخرها أوائل شهر الله الأصب رجب لسنة أربع وستين بعد الألف من الهجرة.

نمّقه محمد تقي بن مجلسي حامداً لله تعالى ومصلياً على نبيّه وآله.

(۱۵)

محمد تقی بن محمد صالح بن حاجی کنجی اردبیلی*

نسخه‌ای از «تهذیب الأحکام» شیخ طوسی را به سال ۱۰۵۸ ق در مدرسهٔ صفویهٔ اصفهان نگاشته است و آنرا نزد مجلسی اول خوانده و وی دو اجازه در پایان کتاب الطهارة والصلاة به سالهای ۱۰۶۰ و ۱۰۶۲ ق برای وی نگاشته است[۱].

[۲۲]

أنهاه المولى الفاضل اللوذعي الألمعي مولانا محمد تقي ـ ادام الله تعالى تأييده ـ سماعاً وتحقيقاً في مجالس آخرها أواسط شهر ربيع الأول لسنة اثني وستّين وألف من الهجرة.

نمّقه بيمناه الداثرة محمد تقي بن مجلسي حامداً مصليّاً مسلماً.

(۱۶)

محمد حسین بن شمس‌الدین محمد اصفهانی**

نسخه‌ای از «تهذیب الأحکام» را به سال ۱۰۴۷ ق نگاشته و آن را نزد مجلسی اول خوانده و وی دو انهاء برای او نگاشته، که یکی به سال ۱۰۵۰ ق است[۲].

---

*ـ تراجم الرجال، ج ۳، ص ۱٤٤.

۱ـ کتابخانهٔ آیة‌الله مرعشی، ش ۳۲۷۲.

**ـ تراجم‌الرجال، ج ۳، ص ۱۹٦ ـ ۱۹۷؛ طبقات اعلام الشیعة، قرن ۱۱، ص ۱۵۸ ـ ۱۵۹.

۲ـ کتابخانهٔ مرعشی، ش ۳۷۷۹.

[٢٣]

لقد سمع عليّ المولى الفاضل الكامل اللوذعي الألمعي مولانا محمد حسين ـ أدام الله تعالى تأييده ـ في مجالس آخرها آخر شهر ذي القعدة الحرام من سنة خمسين بعد الألف. وأجزت له ـ أدام الله تعالى تأييده ـ أن يروي عنّي هذا الكتاب مع الكتب الثلاثة للمحمّدين الثلاثة.

ونمّقه بيده الداثرة تراب أقدام المحدّثين محمد تقي بن مجلسي ـ عفي عنهما بالنبي والوصي ـ حامداً مصلياً مسلماً.

(١٧)

محمد رضی

در پایان جزء اول، نسخه‌ای از «من لا یحضره الفقیه» صورت انهائی از مجلسی اول جهت وی به سال ١٠٦٧ ق آمده است[١].

[٢٤]

ثمّ أنهاه الولد الأعز مولانا محمد رضي ـ أرضاه الله تعالى ووفّقه لارتقاء أقصى معارج الكمالات في العلم والعمل ـ سماعاً وتحقيقاً وتدقيقاً في مجالس آخرها أواخر شهر ربيع الأوّل لسنة سبع وستين بعد الألف من الهجرة. والحمد لله رب العالمين والصلاة على خير العالمين محمّد وعترته الأوصياء الأقدمين الأطهرين.

در آغاز، انهاء دیگری بدون نام نیز آمده است که ظاهراً جهت وی صادر شده است بدین عبارت:

١ـ کتابخانهٔ مؤسسهٔ آیة‌الله بروجردی، ش ٦٠٠.

[۲۵]

أنهاه المولى الفاضل الكامل اللوذعي الألمعي ـ أدام الله تعالى تأييده ـ قراءةً وسماعاً وتصحيحاً وضبطاً في مجالس آخرها أواسط شهر ذي القعدة الحرام لسنة تسع وخمسين بعد الألف من الهجرة.

نمّقه بيده الفانية أحوج المربوبين إلى رحمة ربّه الغني محمد تقي بن مجلسي ـ عفي عنهما بالنبي وعترته المقدسين ـ

(۱۸)

محمد سعید

نسخه‌ای از کتاب «الکافی» را نزد مجلسی اول خوانده و وی دو انهاء به سال ۱۰۶۳ و ۱۰۶۴ ق برای وی نگاشته است[۱].

[۲۶]

أنهاه المولى الفاضل العالم العامل مولانا محمد سعيد ـ أدام الله تعالى تأييده ـ سماعاً في مجالس آخرها أوائل رجب لسنة أربع وستين بعد الألف الهجرية.

نمّقه محمد تقي بن مجلسي حامداً مصلياً مسلماً.

[۲۷]

أنهاه المولى الفاضل العالم العامل مولانا محمد سعيد ـ أدام الله تعالى تأييده ـ سماعاً وتحقيقاً في مجالس آخرها غرّة محرم الحرام لسنة ثلاث وستين بعد الألف الهجرية.

نمّقه بيمناه الداثرة محمد تقي بن مجلسي حامداً مصلياً مسلماً.

۱ـ کتابخانهٔ مرکز احیاء میراث اسلامی، ش ۴۰۰۹.

(۱۹)

محمد سلیم

نسخه‌ای از کتاب «من لا یحضره الفقیه» را نزد مجلسی اول خوانده و وی انهائی به سال ۱۰۶۲ ق برای او نگاشته است[۱].

[۲۸]

أنهاه المولى الفاضل العالم العامل مولانا محمد سليم ـ أدام الله تعالى تأييده ـ سماعاً وتحقيقاً في مجالس آخرها أواخر شهر ربيع الأول لسنة اثني وستين وألف من الهجرة.

نمّقه بيمناه الداثرة محمد تقي بن مجلسي ـ عفي عنهما ـ حامداً مصلياً مسلماً.

(۲۰)

محمد سمیع بن محمد رضا کزرجی اردبیلی

نسخه‌ای از کتاب «تهذیب الاحکام» شیخ طوسی را به سال ۱۰۵۹ ق در اصفهان نگاشته و آن را نزد مجلسی اول خوانده است و وی انهائی به سال ۱۰۶۲ ق در پایان کتاب الصلاة جهت او نگاشته است*.

[۲۹]

أنهاه السيد الفاضل اللوذعي الألمعي محمد سميع الأردبيلي[۲] ـ أدام الله تعالى تأييده ـ سماعاً وتحقيقاً في مجالس آخرها أواسط شهر ربيع الاول لسنة اثني وستّين بعد الألف.

نمّقه بيده الفانية محمد تقي بن مجلسي حامداً مصلياً مسلماً.

۱ـ کتابخانهٔ سید معصوم قهستانی، قائن، ش ۱٤.

*ـ کتابخانهٔ دارالعلم خوئی، نجف اشرف.

۲ـ در اجازهٔ حاضر نام مجاز پاك شده و نام «محمد سمیع» به خط دیگری نوشته شده است.

(۲۱)

محمد صادق الشريف

نسخه‌ای از «من لا يحضره الفقيه» را چهار مرتبه تصحیح و مقابله نموده است که آخرین بار آن به سال ۱۰۷۱ ق در اصفهان بوده است. مجلسی اول اجازه‌ای جهت وی در رجب ۱۰۶۰ ق نگاشته است[۱].

مجاز ظاهراً همان محمد صادق کرباسی همدانی است که ترجمه‌اش در طبقات اعلام‌الشیعة، قرن ۱۱، ص ۲۷۷ مذکور می‌باشد.

[۳۰]

أنهاه المولى الفاضل، والعالم العامل، اللوذعي الألمعي مولانا محمد صادق ـ أدام الله تعالى تأييده وكثر في العلماء، مثله ـ سماعاً وتحقيقاً وتدقيقاً في مجالس آخرها أواسط شهر الله الأصب لسنة ستين بعد الألف الهجرية.

وأجزت له ـ دام توفيقه ـ أن يروي هذا الكتاب عنّي مع بقية الكتب الأربعة للمحمدين الثلاثة مع سایر کتبهم وسایر کتب علمائنا المتقدمين والمتأخرين ـ رضوان الله عليهم أجمعين ـ بأسانيدي المتكثرة إليهم معنعناً إلى الأئمة المعصومين ـ سلام الله وصلواته عليهم أجمعين ـ آخذاً عليه ما اخذ عليّ من الاحتياط في النقل والفتوى لأنّ المفتي على شفير جهنم وليس المعصوم إلّا من عصمه الله من أنبيائه وأوصيائه ـ صلّى الله عليهم ـ.

نمّقه بيده الدائرة أحوج المربوبين إلى رحمة ربّه الغني محمد تقي بن مجلسي ـ عفي عنهما ـ والحمد لله رب العالمين والصلاة على محمّد وآله الطاهرين القديسين.

۱ـ کتابخانهٔ آیة‌الله مرعشی، ش ۳۱۱.

(۲۲)

محمد صادق

دو اجازهٔ مفصل ومختصر جهت شخصی به نام محمد صادق صادر شده است بدین عناوین:

۱ ـ در پایان نسخه‌ای از «من لا یحضره الفقیه» به سال ۱۰۶۰ ق[۱].

۲ ـ در آغاز نسخه‌ای از «شرح المشیخه» مجلسی اول به سال ۱۰۶۸ ق.

ظاهراً وی همان محمد صادق کرباسی همدانی است که مجلسی اول اجازه‌ای بر صحیفهٔ سجادیه به سال ۱۰۶۸ ق برای وی نگاشته و در اجازات بحارالأنوار، ج ۱۰۷، ص ۷۹ ـ ۸۴ والذریعه، ج ۱، ص ۱۶۸ مذکور است.

[۳۱]

أنهاه المولی الفاضل والعالم العامل، اللوذعي الألمعي مولانا محمد صادق ـ أدام الله تعالی تأییده وکثر في العلماء مثله ـ سماعاً وتحقیقاً وتدقیقاً في مجالس آخرها أواسط شهر الله الأصب لسنة ستین بعد الألف الهجریة.

وأجزت له ـ دام توفیقه ـ أن یروي هذا الکتاب عنّي مع بقیة الکتب الأربعة للمحمدین الثلاثة مع سایر کتبهم وسایر کتب علمائنا المتقدمین والمتأخرین ـ رضوان الله علیهم أجمعین ـ بأسانیدي المتکثرة إلیهم معنعناً إلی الأئمة المعصومین ـ سلام الله وصلواته علیهم أجمعین ـ آخذاً علیه ما اخذ علیّ من الاحتیاط في النقل والفتوی فإنّ المفتي علی شفیر جهنّم ولیس المعصوم إلّا من عصمه الله من أنبیائه وأوصیائه ـ صلّی الله علیهم ـ.

نمّقه بیده الدائرة أحوج المربوبین إلی رحمة ربّه الغني محمد تقي بن مجلسي ـ عفي عنهما ـ والحمد لله رب العالمین والصلاة علی محمد وآله الطاهرین القدیسین.

---

۱ ـ کتابخانهٔ آیة‌الله حکیم، نجف اشرف، ش ۱۲۷۸.

[٣٢]

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي هدانا سبل سيد الأنبياء والمرسلين، ووفقنا لاقتفاء آثار أميرالمؤمنين وأولاده المعصومين، والصلاة على من أتاه الله تبارك وتعالى مدينة العلم والحكمة من النبيين وآله أبواب تلك المدينة من أوصيائه المطهرين.

وبعد: فيقول أحوج المربوبين إلى رحمة ربّه الغني محمد تقي بن مجلسي العاملي الاصفهاني ـ عامله الله تعالى بفضله الجلي ولطفه الخفي ـ: إنّه لا ريب في تواتر الحديث الذي نقله الخاصة والعامة أنّه قال رسول الله ـ صلّى الله عليه وآله ـ في حجّة الوداع في مسجد الخيف وفي غدير خم وغيرهما: «إنّما أنا بشر يوشك أن يأتيني رسول ربّي فأجيب وانّي تارك ـ أومخلف ـ فيكم ثقلين كتاب الله وعترتي أهل بيتي لن يفترقا حتّى يردا عليّ الحوض»[١]، فانحصر التمسّك فيهما.

وظهر انّ علم كتاب الله عند أهل البيت ولا يعلمه غيرهم، فانحصر الأصول في آثار الأئمة المعصومين ـ صلوات الله عليهم أجمعين، ولا ريب في أنّ أصحاب أئمّتنا ـ صلوات الله عليهم ـ إلى زمان الغيبة الكبرى كان متمسّكهم أخبار أئمّتهم وكانوا متفقين على ذلك. وكان اهتمامهم وكدّهم ووكدهم في الرواية والدراية والعمل بها إلى أن صارت بسبب سلاطين الجور وأصحاب الضلال متروكة كأن لم يكن شيئاً مذكوراً.

ثمّ وفّق الله تبارك وتعالى قوماً لتجديد معالمها الطامسة ولتعمير دمنه الدارسة وأيقظهم من مراقد الغفلة وأراهم أنواره بأعين البصيرة، فمنهم المولى الفاضل والعالم العامل، جامع المعقول

١ـ مسند الرضا عليه السلام، ص ٢١٠؛ مناقب الامام امير المؤمنين عليه السلام، محمد بن سليمان كوفي، ج ٢، ص ١٣٦؛ دلائل الامامة، ص ٢٠؛ العمدة، ابن بطريق، ص ٦٩؛ بحارالأنوار، ج ٢٣، ص ١٠٨؛ مسند احمد بن حنبل، ج ٤، ص ٣٦٧؛ سنن الدارمي، ج ٢، ص ٤٣٢؛ صحيح مسلم، ج ٧، ص ١٢٢؛ فضائل الصحابة، سنائي، ص ٢٢؛ السنن الكبرى، بيهقي، ج ٢، ص ١٤٨ و....

والمنقول، حاوي الفروع والأصول مولانا محمد صادق ـ أدام الله تبارك فضله وأسبغ عليه آلاءه ـ الذي ولّى شطر هذا المقصد الأسنى وجه همّته وظفر من مطالبه الجليلة ببغيته، وقرأ على هذا الضعيف جميع كتاب «من لا يحضره الفقيه» وجُلّ غيره من الأصول بعد قراءة أكثر كتب الفقه والرجال والأصول وغيرها.

وقد التمس منّي إجازة كتب العلماء فاستخرت الله تعالى وأجزت له ـ أدام الله تعالى تأييداته ـ أن يروي عنّي ما جاز لي روايته بالأسانيد المتواترة إلى علمائنا السابقين مصنّفي كتب الحديث والتفاسير والفقه والكلام والأصول والقراءة واللغة والنحو والصرف وغيرها ومؤلّفاتي وأسانيدي إلى هذه الكتب أكثر من أن تحصى ولكنّي أذكر منها أصحّها وأعلاها.

فمن ذلك ما أخبرنا وحدّثنا به الشيخ الأعظم بل الوالد المعظّم، شيخ علماء الزمان ومربّي الفضلاء الأعيان، العابد الزاهد، صاحب الكرامات مولانا عبدالله بن الحسين التستري ـ رضي الله تعالى عنه ـ، عن الشيخ الأجل البدل نعمت الله بن العلّامة الفهّامة الشيخ أحمد بن خاتون العاملي إجازة عن الشيخ الأجل الأعظم مروّج مذهب الأئمّة المعصومين قدوة العلماء المحقّقين نورالدين علي بن عبدالعالي، وقراءة على أبيه عن الشيخ نورالدين علي بن عبدالعالي ـ رضي الله تعالى عنهم ـ.

ح: وما حدّثنا وأخبرنا به الشيخ الأعظم والوالد الأكرم شيخ الاسلام والمسلمين علّامة علمائنا المحققين بهاء الملة والحق والحقيقة والدين محمد بن شيخ الاسلام والمسلمين العلّامة الفهّامة الحسين بن الشيخ الأجل عبدالصمد بن الشيخ الأعظم البدل صاحب الكرامات الخليلية شمس‌الدين محمد الحارثي الهمداني العاملي، عن أبيه، عن شيخ علمائنا المتأخرين وارث علم الأئمة المطهرين زين الملّة والحق والحقيقة والدين بن علي الشهير بابن الحجّة، عن الشيخ الأعظم الأجلّ نورالدين علي بن عبدالعالي.

ح: وما أخبرنا به جماعة من الفضلاء الأعيان منهم: الشيخ بهاءالدين محمد، والعلّامة الفهّامة القاضي معزّالدين محمد، والفقيه النبيه الشيخ يونس الجزائري، عن العلّامة الفهّامة الشيخ عبدالعالي بن الشيخ نورالدين علي بن عبدالعالي، عن أبيه.

ح: وما أخبرنا به جماعة كثيرة منهم: السيد الأجل الأعظم الأمير شرف‌الدين علي الشولستاني النجفي، عن الشيخ الأمجد الأجل الأعظم ميرزا محمد الاسترآبادي، وسيد المحققين الأمير فيض الله بن السيد الأجل عبدالقاهر التفريشي، والشيخ الأعظم الأجل محمد بن الشيخ الأجل المحقق الحسن بن الشيخ زين‌الدين، عن الشيخ الأمجد الأجل ابراهيم بن الشيخ نورالدين علي بن عبدالعالي.

وما أخبرني به الشيخ الأجل جابر النجفي، عن جماعة من مشايخه منهم: الشيخ ابراهيم، عن أبيه الشيخ نورالدين.

وعن جماعة كثيرة من الفضلاء منهم: الشيخ جابر والسيد عبدالكريم، عن الشيخ الأجل الحسن بن الشيخ زين‌الدين، عن جماعة من الفضلاء منهم: السيد نورالدين علي بن السيد الحسن، والشيخ الأجل الحسين بن عبدالصمد، والسيد الأعظم نورالدين علي بن السيد فخرالدين، والشيخ الأجل أحمد بن سليمان جميعاً عن الشيخ زين‌الدين، عن الشيخ نورالدين علي بن عبدالعالي.

وما أخبرنا به جمّ كثير من الفضلاء منهم: أستاد الفضلاء القاضي أبو الشرف، وخالي مولانا محمد قاسم، وابن عمّتي الشيخ عبدالله بن جابر العاملي، عن جدّي شيخ الطائفة مولانا درويش محمد بن العابد الزاهد البدل الشيخ حسن النطنزي العاملي، ونسيبي الشيخ الزاهد البدل جابر العاملي، عن الشيخ نورالدين علي بن عبدالعالي.

وما أخبرنا به إجازة في الصغر الشيخ الأجل الأعظم أبي البركات الواعظ، عن الشيخ نورالدين، وبواسطة جمّ كثير من الفضلاء عنه بالغاً من السنّ قرب المائة، عن الشيخ نورالدين علي بن عبدالعالي -رضي الله تعالى عنهم أجمعين-، عن الشيخ الأكمل نورالدين علي بن هلال الجزائري، عن الشيخ الأعظم جمال العارفين أحمد بن فهد الحلّي، عن الشيخ الأجل زين‌الدين علي بن الخازن المشهدي، عن رئيس علمائنا المحقّقين محقّق حقائق الأولين والآخرين السعيد الشهيد أبي عبدالله محمد بن مكّي العاملي.

وعن الشيخ نورالدين، عن الشيخ الأجل الأعظم شمس‌الدين محمد بن داود ابن عمّ

الشهيد الشهير بابن المؤذن، عن الشيخين الأجلين ضياءالدين علي وفخرالدين أبي طالب محمد، عن أبيهما الشهيد.

وعن مولانا أفضل المحقّقين وأكمل المدققين عبدالله، عن الشيخ نعمت الله بن العلّامة أحمد بن الشيخ الأجل شمس‌الدين محمد بن خاتون العاملي، عن أبيه، عن أبيه، عن الشيخ جمال‌الدين أحمد بن الحاج علي العيناثي، عن الشيخ زين [الدين] جعفر بن الحسام، عن سيد المحقّقين الحسن بن أيوب الشهير بابن نجم‌الدين، عن الشهيد.

وعن ابن المؤذّن، عن الشيخ عزالدين المعروف بابن العشرة، عن ابن فهد، عن ابن الخازن، عن الشهيد.

وعن ابن العشرة، عن الشيخ محمد بن نجدة الشهير بابن عبدالعالي، عن الشهيد.

وعن ابن المؤذّن، عن السيد علي بن دقماق، عن الشيخ محمد بن شجاع القطان، عن الشيخ أبي عبدالله المقداد الحلّي، عن الشهيد.

وعن الشيخ نورالدين، عن السيد العلّامة الحسن بن السيد جعفر بن السيد فخرالدين بن السيد حسن بن السيد نجم‌الدين بن الأعرج الحسيني، عن أبيه، عن أبيه، عن أبيه، عن أبيه، عن الشهيد.

وعن ابن المؤذّن، عن الشيخ علي بن طيّ، عن الشيخ شمس‌الدين القريضي[1]، عن السيد حسن بن أيوب، عن الشهيد، عن فخر المحقّقين والمدقّقين محمد بن العلّامة، وسيّد المحقّقين عميدالدين عبدالمطلب، وسيد الفضلاء الأخيار تاج‌الدين محمد بن القاسم بن معية الديباجي، والسيد الأعظم أحمد بن أبي ابراهيم محمد بن زهرة الحلبي، والسيد الأجل الأعظم مهنّا بن سنان المدني، والشيخ الأجل العلّامة الفهّامة مولانا قطب‌الدين محمد الرازي، والشيخ الأكمل الأجل علي بن أحمد بن يحيى المزيدي، والشيخ الفاضل علي بن طراد المطاربادي جميعاً عن آية الله في العالمين جمال الحق والحقيقة والدين علامة علماء الآفاق الحسن بن العلّامة الفهّامة سديدالدين يوسف بن المطهر الحلّي، عن

١ـ كذا في الأصل و في بعض المصادر: العريضي و اورد المجيز في اجازاته كليهما.

أبيه، وعن رئيس علمائنا المحقّقين نجم الملّة والحق والحقيقة والدين أبي القاسم جعفر بن الحسن بن سعيد الحلّي، وعن الشيخ نجيب‌الدين يحيى بن سعيد الحلّي، وعن سلطان العلماء وبرهان الفضلاء خواجة نصير الحق والحقيقة والدين محمد بن محمد بن الحسن الطوسي، والسيّدين الأعظمين الأكملين البدلين رضي‌الدين أبي القاسم علي وجمال‌الدين أبي الفضائل أحمد ابني طاوس الحسني، والشيخ الأعظم مفيدالدين محمد بن جهيم وغيرهم من الفضلاء الأخيار، عن السيد الأجل الأعظم العلّامة فخار بن معد الموسوي، والشيخ الأفضل الأكمل الفقيه النبيه نجيب‌الدين محمد بن نما الحلّي، عن الشيخ العلّامة محمد بن إدريس الحلّي، والشيخ الأعظم الأجل رشيدالدين محمد بن علي بن شهرآشوب المازندراني، والشيخ سديدالدين أبي الفضل شاذان بن جبرئيل القمي، عن الشيخ الأعظم الحسين بن رطبة، والشيخ أبي عبدالله الحسين طحال المقدادي، والشيخ إلياس الحايري، والشيخ الفقيه العماد أبي جعفر محمد بن أبي القاسم الطبري، عن الشيخ الأجل الأعظم أبي علي الحسن، عن أبيه شيخ الطائفة محمد بن الحسن الطوسي -رضي الله تعالى عنهم-.

وعن نجلي الشهيد، عن السيد تاج‌الدين، عن السيد المرتضى علي بن السيد جلال‌الدين عبدالحميد بن فخار الموسوي، عن أبيه، عن جدّه فخّار.

وعن الشيخ نورالدين علي، عن الشيخ شمس‌الدين محمد بن أحمد الصهيوني، عن الشيخ جمال‌الدين أحمد، عن الشيخ زين‌الدين جعفر، عن السيد حسن بن أيوب، عن السيدين الفقيهين ضياءالدين عبدالله وعميدالدين عبدالمطلب والشيخ فخرالدين، عن العلاّمة.

وعن السيد تاج‌الدين ابن معية، عن جمّ كثير من الفضلاء الأخيار منهم: العلّامة الحسن ابن مطهر، وابنه الشيخ فخرالدين، والشيخ صفي‌الدين محمد بن سعيد، والشيخ نجم‌الدين عبدالله بن حَمَلات، والسيد الأجل جمال‌الدين يوسف بن ناصر، والسيد الجليل جلال‌الدين جعفر بن علي، والسيد السعيد علم‌الدين المرتضى علي، والسيد الأعظم رضي‌الدين علي بن السيد الأجل غياث‌الدين عبدالكريم بن طاوس، وأبيه السيد الأجل القاسم بن معية، والشيخ تاج‌الدين محمد بن محفوظ بن وشاح، والسيد صفي‌الدين محمد

ابن الحسن بن أبي الرضا العلوي، والعدل الأمين جلال‌الدين محمد بن الشيخ شمس‌الدين محمد بن أحمد الكوفي، والسيد الرضي كمال‌الدين الحسن بن محمد بن محمد الآوي، والشيخ الأمين زين‌الدين جعفر بن علي الحلّي، والشيخ السعيد مهذّب‌الدين محمود الحلّي، والسيد الأجل ناصرالدين عبدالمطلب بن پادشاه صاحب التصانيف السايرة، والشيخ الزاهد كمال‌الدين علي بن الحسين بن حماد الواسطي، والسيد السعيد فخرالدين أحمد بن علي بن عرفة، والسيد الأعظم مجدالدين أبي الفوارس بن محمد بن الشيخ الأجل فخرالدين علي، والشيخ العالم شمس‌الدين محمد بن الغزالي المُضَري الكوفي، والشيخ الأعظم نصيرالدين علي بن محمد القاشي، والسيد الأجل عزالدين بن أبي الفتح بن الدهان، والشيخ السعيد جمال‌الدين أحمد بن محمد الحداد، والشيخ الفاضل شمس‌الدين محمد بن علي بن غني، والشيخ الفقيه قوام‌الدين محمد بن الشيخ الفقيه رضي‌الدين علي بن مطهر، والفقيه السعيد ظهيرالدين محمد بن محمد بن مطهر وغيرهم، عن العلّامة، وبعضهم عن أبيه والشيخ أبي القاسم إلى آخر سنديهما.

وعن الشهيد، عن الشيخ رضي‌الدين علي المزيدي وأبي الحسن علي بن طراد، عن الشيخ الفقيه الأديب تقي‌الدين الحسن بن علي بن داود الحلّي، والشيخ صفي‌الدين محمد ابن الشيخ نجيب‌الدين يحيى بن سعيد، عن المحقّق أبي القاسم، ويحيى بن سعيد، والسيدين الأعظمين جمال‌الدين أحمد بن طاوس، وولده السيد غياث‌الدين عبدالكريم، عن أبيه وعمّه.

وعن السيد غياث‌الدين، عن سلطان الحكماء والعلماء خواجة نصيرالدين محمّد.

وعن الشيخ فخرالدين، عن عمّه رضي‌الدين علي بن يوسف، عن أبيه سديدالدين يوسف بن المطهر.

وعن السيد عميدالدين، عن أبيه السعيد مجدالدين أبي الفوارس، وخاله الشيخ رضي‌الدين، عن أبيه الشيخ سديدالدين والمحقّق.

وعن المزيدي، عن الشيخ شمس‌الدين محمد بن صالح، عن المحقّق.

وعن الشهيد، عن السيد الأعظم شمس‌الدين محمد بن أحمد بن أبي المعالي، عن

العلّامة الفهّامة الزاهد الورع كمال‌الدين علي بن الشيخ شرف‌الدين الحسين بن حمّاد الواسطي، عن الشيخ نجيب‌الدين يحيى بن سعيد، والشيخ نجم‌الدين جعفر بن الشيخ الأعظم محمد بن نما، والشيخ العلّامة كمال‌الدين ميثم بن علي بن ميثم البحراني، والشيخ شمس‌الدين محمد بن محفوظ بن وشاح، عن الشيخ محمد بن نما، والسيد فخار.

وعن المزيدي، عن محمد بن صالح، عن السيد فخار، والشيخ نجيب‌الدين محمد بن نما وجماعة آخرين، عن محمد بن إدريس الحلّي، والشيخ أبي عبدالله محمد بن جعفر الحايري، والشيخين الفاضلين أبي الفرج علي بن الشيخ الأعظم قطب‌الدين أبي الحسين الراوندي، وأبي الحسن علي بن الخياط، عن الشيخ الأجل أبي الحسين يحيى بن الحسن بن البطريق، والشيخ العالم المقرئ محمد بن هارون المعروف والده بالكال، والشيخ الفقيه العالم عبدالله بن حمزة بن الحسن الطوسي، والشيخ الفاضل جعفر بن محمد بن شقرة[1]، عن الشيخ قطب‌الدين الراوندي، والسيد ضياءالكلايْن فضل الله بن علي الراوندي، والشيخ الأعظم جمال‌الدين أبي الفتوح الرازي المفسّر، والشيخ العلّامة أمين‌الدين أبي علي الفضل ابن الحسن الطبرسي المفسّر، والشيخ المعظم سديدالدين محمود بن علي الحمصي، عن عمادالدين أبي الصمصام..[2] أبي علي، عن شيخ الطائفة محمد بن الحسن الطوسي.

وعن أبي الصمصام، عن أبي العباس علي بن أحمد بن العباس النجاشي بكتبه سيّما الرجال بأسانيده إلى أصحاب الأصول وساير الكتب.

وعن العلّامة، عن أبيه، عن السيد أحمد بن يوسف العريضي.

والعلّامة، عن خواجة نصيرالدين جميعاً، عن الشيخ برهان‌الدين محمد الحمداني القزويني، عن السيد فضل الله، عن أبي الصمصام، عن شيخ الطائفة.

وعن الشهيد، عن العلّامة نجم‌الدين طومان بن أحمد العاملي، والمزيدي، عن محمد بن صالح، عن السيد فخار.

۱ـ در برخی از مصادر شفرة آمده است.

۲ـ چند کلمه در متن از بین رفته است.

وعن الشيخ نجيب‌الدين ابن نما، ورضي‌الدين محمد الآوي، والشيخ شمس‌الدين على ابن ثابت، وابني طاوس، ويحيى بن سعيد، عن السيد فخّار.

وعن يحيى بن سعيد، عن السيد العلّامة محيى‌الدين محمد بن عبدالله بن زهرة الحلبي، عن ابن ادريس، وشاذان، ومحمد بن علي بن شهر آشوب، عن الثقة الجليل جعفر بن محمد الدوريستي، عن شيخ الطائفة أبي عبدالله محمد بن النعمان المفيد، عن رئيس المحدّثين الصدوق محمد بن علي بن بابويه القمي بكتبه.

وعن الدوريستي، عن أبيه، عن الصدوق.

وعن المفيد، عن الشيخ الأجل جعفر بن محمد بن قولويه، عن ثقة الاسلام المعظم بين الخاص والعام محمد بن يعقوب الكليني بالكافي بأسانيده إلى الأئمّة المعصومين -صلوات‌الله عليهم أجمعين-، عن سيد المرسلين، عن الله تعالى ربّ العالمين.

وبالأسانيد عن السيد فخار، عن العلّامة عميد الرؤساء هبة الله بن حامد بن أيوب، عن السيد بهاء الشرف بالصحيفة الكاملة.

وعن برهان‌الدين، عن الشيخ منتجب‌الدين المدعو حسكا بن الحسن بأسانيده المثبتة في فهرسته، عن شيخ الطائفة وغيره من أصحاب الكتب والأصول.

وعن العلّامة، عن أبيه، وابني طاوس، والمحقّق، وخواجة نصيرالدين الطوسي، عن السيد صفي‌الدين بن معد، عن برهان‌الدين، عن الشيخ منتجب‌الدين، والشيخ أمين‌الدين، والشيخ سديدالدين، والسيد فضل الله الراوندي، عن السيد ذي الفقار، عن السيدين الأجلين الأعظمين الرضي والمرتضى، وشيخ الطائفة، والنجاشي بكتبهم ورواياتهم.

وعن العلّامة، عن أبيه، عن الشيخ يحيى السوراوي، عن الحسين بن رطبة، عن أبي علي، عن الطوسي.

وعن المزيدي، عن محمد بن أحمد بن صالح، عن أبيه، عن الفقيه قوام‌الدين البحراني، عن السيد فضل الله، عن ذي الفقار، عن الطوسي.

وعن الشيخ يحيى بن سعيد، عن محمد بن جعفر المشهدي، عن الشيخ الزاهد ورّام بن أبي فراس بكتابه.

وعن محمد بن جعفر، عن محمد بن هارون، وجعفر بن أبي الفضل بن شقرة والحسين بن أحمد بن ردة، وشرفشاه بن محمد بن زيادة، وشاذان بن جبرئيل، وابن إدريس، ومحمد بن شهر آشوب، عن السيد أبي المكارم حمزة بن زهرة الحلبي، عن أبي علي، عن الطوسي.

وعن السيد فخار، عن شاذان، عن عبدالله بن عمر الطرابلسي، عن القاضي عبدالعزيز، عن الشيخ أبي الصلاح تقي بن نجم الحلبي، والشيخ أبي الفتح محمد بن عثمان الكراجكي، عن الطوسي.

وعن شاذان، عن الفقيه عبدالله بن عبدالواحد، عن القاضي عبدالعزيز بن أبي كامل، عن القاضي سعدالدين عبدالعزيز بن نحرير بن البراج بجميع كتبه ورواياته، عن المفيد والمرتضى.

وعن شاذان، عن القاضي أبي الفتح علي بن عبدالجبار الطوسي، عن السيد أبي تراب، عن الشيخ أبي يعلى سلّار بن عبدالعزيز الديلمي، عن المفيد والمرتضى.

وعن ابن صالح، عن رضي الدين الآوي، عن أبيه محمد، عن جدّه زيد، عن جدّ أبيه الفقيه الآوي، عن الشيخ أبي الصلاح، عن ابن البراج وسلّار.

وعن يحيى بن سعيد، عن ابن زهرة، عن ابن شهر آشوب، عن السيد أبي الفضل الداعي ابن علي، والسيد فضل الله وعبدالجليل بن عيسى وأبي الفتوح أحمد بن علي الرازي، ومحمد وعلي ابني علي بن عبدالصمد النيسابوري، ومحمد بن الحسن الشوهاني، ومحمد ابن الفضل الطبرسي وغيرهم، عن الشيخين أبي علي الحسن وعبدالجبار المقرئ، عن شيخ الطائفة بكتبه ورواياته.

وعن شاذان، عن عبدالقاهر، عن حَسَكة بن بابويه القمي، عن الطوسي. إلى غير ذلك ممّا لايحصى من الطرق.

فليرو عنّي ـ أدام الله فضله ـ جميع كتب العلماء المذكورين وغيرهم، وليعمل بمودعات أخبار أهل البيت مراعياً للاحتياط مهما أمكن، وللتقوى والورع فوق..[1].

نمّقه بيمناه الداثرة أحوج المربوبين إلى رحمة ربّه الغني محمد تقي بن مجلسي والحمد لله رب العالمين والصلاة على سيد الأنبياء والمرسلين محمد وعترته الأصفياء والنجباء الطيبين الطاهرين. وكان في محرّم سنة ثمان وستّين بعد الألف.

(٢٣)

محمد صالح

در نسخه‌ای از «اصول الکافی» دو انهاء به سال ۱۰۶۲ و ۱۰۶۳ جهت وی نگاشته است[2].

شاید وی همان محمد صالح بن محمد بن میرزا علی ابهری از شاگردان مجلسی اول باشد که شرح حال وی در طبقات اعلام الشیعة قرن ۱۱/۲۷۹ ـ ۲۸۰ آمده است.

[٣٣]

أنهاه المولى الكامل العامل مولانا محمد صالح ـ أدام الله تعالى تأييده ـ سماعاً وتصحيحاً في مجالس آخرها أواسط شهر الله محرم لسنة اثني وستين وألف من الهجرة.

نمّقه بيده الداثرة محمد تقي بن مجلسي حامداً مصلياً مسلماً.

[٣٤]

أنهاه المولى الفاضل العالم العامل مولانا محمد صالح ـ أدام الله تعالى تأييده ـ سماعاً وتحقيقاً في مجالس آخرها أواسط شهر صفر لسنة ثلاث وستين بعد الألف الهجرية.

نمّقه بيمناه الداثرة أحوج المربوبين إلى رحمة ربّه الغني محمد تقي بن مجلسي حامداً مصلياً مسلماً.

۱ـ کلمه‌ای خوانده نمی‌شود.

۲ـ کتابخانهٔ دانشکدهٔ حقوق ۲/۱ ب.

(۲۴)

محمد صالح بن احمد مازندرانی، حسام‌الدین[۱]

در پایان نسخه‌ای از شرح اصول کافی مترجم صورت اجازه‌ای از مجلسی اول جهت وی به سال ۱۰۶۲ ق آمده است[۲].

و نیز در مجموعه‌ای از اجازات، صورت اجازهٔ مجلسی اول به وی به سال ۱۰۵۰ ق آمده است[۳].

[۳۵]

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلاة على سيد الأنبياء وأشرف المرسلين محمد وعترته النجباء الأصفياء الطيبين الطاهرين.

وبعد: فلمّا تشرفت بمطالعة شرح الكافي لثقة الاسلام، رئيس المحدثين، مروّج مذهب الأئمة المعصومين محمد بن يعقوب الكليني الرازي ـ رضي الله تعالى عنه وحشره مع شفعاء يوم‌الدين ـ الذي ألّفه المولى الفاضل الكامل العالم العامل جامع المعقول والمنقول، حاوى الفروع والأصول، العلّامة الفهّامة مولانا محمد صالح المازندراني ـ أدام الله تعالى تأييده وكثر في العلماء مثله ـ فوجدته في غاية التحقيق ونهاية التدقيق، أجزت له ـ دام فضله ـ أن يتمّم هذا الشرح ودعوت الله الوهّاب أن يوفّقه ويؤيّده لاتمامه وأن يروي عنّي هذا الكتاب مع سايرالكتب الأربعة لأبي جعفرين المحمّدين الثلاثة ـ رضي الله تعالى عنهم وعن سايرسلفنا الصالحين ـ مع سايركتب الأخبار والأحاديث والتفاسير والفقه والاصول والكلام واللغة والقراءة والصرف والنحو وغير ما قد ألّفوه وألّفه سايرعلمائنا المتقدّمين والمتأخرين. بعد أن قرأ على هذا الضعيف برهة من الزمان جلّ كتب الأحاديث بأسانيدي المتكثرة عن مشايخي متصلاً إلى الأئمة

۱ـ طبقات اعلام الشيعة، قرن ۱۱، ص ۲۸۸. ۲ـ مدرسهٔ نمازی خوی، ش ۲۲۰.

۳ـ کتابخانهٔ آیةالله مرعشی، ش ۵۹۲۴.

الهادين، عن سيد المرسلين، عن الله تبارك وتعالى. آخذاً عليه ما اخذ عليّ من الاحتياط في النقل والفتوى.

والتمست منه ـ دام ظلّه ـ اخطارى بباله حيّاً وميّتاً في مظان اجابة الدعوات وأن يبالغ بجدّه وجهده في اتمام هذا الشرح، وأرجو من الله تبارك وتعالى أن يوفّقه لاتمام شرح هذا الكتاب وبشرح باقي كتب الأحاديث وأن يجعله خالصاً لوجهه الكريم وذخيرة ليوم يقوم الناس لربّ العالمين.

نمّقه بميناه الذاثرة أحوج المربوبين إلى رحمة ربّه الغني محمد تقي بن مجلسي الاصفهاني، والحمد لله ربّ العالمين والصلاة على أشرف القدسيّين محمد وآله الأصفياء المقدّسين. وكان ذلك في غرّة شهر الله الأصب لسنة اثني وستين بعد الألف من الهجرة المقدسة.

[٣٦]

بسمه تعالى

الحمد لله الذي فضل العلم وأهله على غيرهم كفضل القمر على سائر النجوم، والصلاة والسلام [على] رسوله الأمّي الذي جعله مخزن علمه، وعلى أوصيائه الذين هم مظاهر صفاته ومرايا علمه واسمائه، ولعنة الله على أعدائهم مراكز الجهل والظلم والعدوان.

وبعد: لمّا استجازني العَلَم الفهّام والحبر القمقام معتمد العلماء الفخام وسيّد الفقهاء الكرام مولينا الجليل وشيخنا النبيل المولى محمد صالح الطبرسي ـ أيّده الله بتأييداته ـ، فأجزت له أن يروي عنّي كلّما رويته عن مشايخي الكرام من الكتب الأربعة والأصول المعتمدة، وباقي مصنّفاتي لاسيّما شرح الفقيه المسمّى بروضة المتقين، وكلّما سمع منّي من الأخبار والأحاديث الصحيحة وروايات المعتبرة والمنقولات الحسنة المتصلة إلى أصحاب العصمة ـ عليهم صلوات الله الملك المنّان ـ وعليه العمل بما استنبط من الأدلة الأربعة.

وأسأل الله أن يوفقنا وإيّاه إلى سبيل الرشاد. كتبه الداعي الفاني محمد تقي بن مقصود

علي المجلسي ـ عفى الله عنهما ـ في الثاني عشر من شهر رمضان المبارك سنة خمسين بعد الألف من الهجرة على هاجرها ألف تحية وسلام.

(۲۵)

سید محمد معصوم بن ابوالخان بن کمال حسینی کرمرودی

نسخه‌ای از «تهذیب الاحکام» را به سال ۱۰۵۸ ق کتابت نموده و آنرا نزد مجلسی اول خوانده و وی چهار انهاء از سال ۱۰۶۰ تا ۱۰۶۲ ق جهت او نگاشته است[۱].

[۳۷]

أنهاه المولى الفاضل الكامل اللوذعي الألمعي الأمير محمد معصوم ـ أدام الله تعالى تأييده ـ سماعاً وتصحيحاً وضبطاً في مجالس آخرها أواخر شهر الله الحرام المحرّم لسنة ستّين بعد الألف من الهجرة النبوية.

نمّقه بيده الداثرة أحوج المربوبين إلى رحمة ربّه الغني محمد تقي بن مجلسي ـ عفي عنهما بالنبي وآله القديسين ـ حامداً مصلياً مسلماً.

[۳۸]

أنهاه السيد الفاضل الكامل مير محمد معصوم ـ أدام الله تعالى تأييده ـ سماعاً وتحقيقاً في مجالس آخرها أواسط محرّم الحرام لسنة احدى وستين بعد الألف من الهجرة، حامداً مصلياً مسلماً.

نمّقه بيده الداثرة محمد تقي بن مجلسي ـ عفي عنهما بالنبي وآله ـ.

۱ـ کتابخانهٔ دارالعلم خوئی، نجف اشرف.

[٣٩]

أنهاه السيد السند الفاضل مير محمد معصوم ـ أدام الله تعالى تأييده ـ سماعاً وضبطاً في مجالس آخرها أواخر شهر جمادى الاخرى لسنة اثني وستّين وألف من الهجرة.

نمّقه محمد تقي بن مجلسي ـ عفي عنهما ـ حامداً مصلياً مسلماً.

[٤٠]

أنهاه السيد الفاضل اللوذعي الأمير محمد معصوم ـ أدام الله تعالى تأييده ـ سماعاً وتحقيقاً في مجالس آخرها أوائل شهر ذي القعدة الحرام لسنة اثني وستّين بعد الألف من الهجرة النبوية.

نمّقه بيده الدائرة أحوج المربوبين إلى رحمة ربّه الغني محمد تقي بن مجلسي ـ عفي عنهما ـ والحمد لله رب العالمين والصلاة على محمد وآله القديسين.

(٢٦)

محمد مقيم بن محمد باقر اصفهانی*[١]

[٤١]

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، والصلاة والسلام على سيّد الأنبياء والمرسلين وأشرف الأولين والآخرين محمد وعترته الأئمّة الهداة المقدّسين.

وبعد: فيقول أحوج المربوبين إلى رحمة ربّه الغني محمد تقى بن مجلسي: إنّه روي متواتراً من طرق الخاصة والعامة أنه قال سيد الأنبياء والمرسلين ـ صلّى الله عليه وآله ـ: «إنّي مُخَلِّف فيكم الثقلين كتاب الله وعترتي أهل بيتي لن يفترقا حتّى يردا عليّ الحوض»، ولاريب في أنّ المراد بعدم الافتراق انّ علم الكتاب عند أهل البيت كما قال صلوات الله عليه وآله: «أنا مدينة العلم وعلي بابها»[٢]، وفي رواية أخرى: «أنا مدينة الحكمة وعليّ

---

* ـ تلامذة العلامة المجلسي، ص ١٢٨، زندگينامة علامهٔ مجلسي، ج ٢، ص ١٠٤، طبقات اعلام الشيعة قرن ١١، ص ٥٨٠ ـ ٥٨١. ١ ـ كتابخانهٔ آيةالله مرعشي.

٢ ـ وسائل الشيعة، ج ٢٧، ص ٣٤؛ ارشاد القلوب، ج ٢، ص ٢١٢؛ العمدة، ص ٢٨٥.

بابها»[١]، فانحصر العلم والحكمة في أهل البيت وأخبارهم، مع أنّه لم يختلف أحد من المسلمين في فضل الأئمّة المعصومين على العالمين، وفي عدالتهم وثقتهم. وكتاب الله تعالى ناطق بطهارتهم وعصمتهم ووجوب مودتهم واطاعتهم، والكون معهم وامامتهم.

وأنّ المولى الصالح الفاضل اللوذعي الألمعي مولانا محمد مقيم ـ أدام الله تعالى تأييده ـ قد قرأ عليّ وسمع منّي جمّاً كثيراً من أخبارهم وآثارهم، والتمس منّي أن أجيز له رواية الكتب الأربعة للأبي جعفرين المحمدين الثلاثة ـ رضي الله تعالى عنهم ـ وغيرها من كتبهم وكتب غيرهم من المحدّثين والفقهاء والفضلاء بطرقي المتواترة إليها وإليهم.

فاستخرت الله تعالى وأجزت له أن يروي عنّي جميع الكتب بجميع طرقي وأسانيدي إلى كتب الإجازات ورسائلها سيّما إلى كتاب اجازات العلّامة والسيدين الأعظمين ابني الطاوس والشهيدين السعيدين والشيخ نورالدين علي بن عبدالعالي والشيخ الجليل الحسن ابن الشهيد الثاني ـ رضي الله تعالى عنهم أجمعين ـ.

فمن ذلك ما حدّثنا وأخبرنا وأجاز لنا الشيخ الأعظم والوالد المعظم شيخ فضلاء الزمان ومربّي العلماء الأعيان، قدوة المحققين وإمام المدققين وأسوة المتعبدين والزاهدين مولانا عبدالله بن الحسين التستري، عن الشيخ الأجل الأعظم نعمت الله بن خاتون العاملي، عن الشيخ الأعظم مروج المذهب امام المحققين الشيخ نورالدين علي بن عبدالعالي.

ح: وما حدّثنا وأخبرنا وأجاز لنا الشيخ الأجل الأعظم والوالد الأفخم المعظم شيخ علماء الزمان ومربّي الفضلاء الأعيان علّامة الزمان بهاء الملّة والحق والحقيقة والدين محمد بن شيخ الإسلام والمسلمين العلّامة الفهّامة الحسين بن عبدالصمد الحارثي الهمداني، عن أبيه، عن شيخ علمائنا المحققين وأفضل فضلائنا المتأخرين السعيد الشهيد زين الملّة والحق والحقيقة والدين، عن الشيخ نورالدين علي بن عبدالعالي.

ح: وما حدّثنا وأخبرنا وأجاز لنا جمّ كثير من الفضلاء الأعيان منهم: الشيخ بهاءالدين محمد، والعلّامة الفهّامة القاضي معزّالدين محمد، والشيخ الجليل يونس الجزائري، عن

١ـ عوالي اللآلي، ج ٤، ص ١٢٣؛ الامالي، ص ٥٢٥؛ التحصين، ابن طاوس، ص ٦٢٧.

الشيخين الاجلين الأعظمين العلّامة الفهّامة عبدالعالي، والفاضل ابراهيم، عن أبيهما الشيخ نورالدين علي بن عبدالعالي.

ح: وما أخبرنا جماعة من الفضلاء، عن جدّي شيخ فقهاء الزمان في عصره الشريف مولانا درويش محمد بن الزاهد العابد البدل الشيخ حسن الاصفهاني النطنزي العاملي، ونسيبه الشيخ العابد الزاهد البدل جابر العاملي، عن الشيخ نورالدين.

ح: وما أجاز لنا الشيخ الأجل الأعظم أبو البركات الواعظ، عن الشيخ نورالدين علي بن عبدالعالي.

ح: وعن جمّ كثير من الاعيان، عن أبي البركات، عن الشيخ نورالدين علي بن عبدالعالي، عن الشيخ الأعظم الأجل علي بن هلال الجزائري، عن شيخ العارفين وجمال الزاهدين أحمد بن فهد الحلّي، عن الشيخ زين‌الدين علي بن الخازن المشهدي الحائري، عن شيخ فضلائنا المحققين علّامة العلماء وفهّامة الفضلاء السعيد الشهيد محمد بن مكّي العاملي.

ح: وعن الشيخ نورالدين علي بن عبدالعالي، عن الشيخ الأجل ابن عمّ الشهيد محمد ابن داود الشهير بابن المؤذّن، عن الشيخين الأجلين الأعظمين أبي طالب محمّد وضياءالدين علي، عن أبيهما الشهيد محمد بن مكّي، عن جماعة من الفضلاء والمجتهدين منهم: السيد العلّامة تاج‌الدين محمد بن القاسم بن مُعَيَّة الدیباجي، والسيد الأعظم أحمد بن ابراهيم بن زهرة الحلبي، والسيد الأجل مهنّا بن سنان المدني، والسيد الأجل الأعظم العلّامة عميدالدين عبدالمطلب، والشيخ الأعظم فخر المحققين والمدققين محمد بن العلّامة، والشيخ الأجل الأعظم العلّامة مولانا قطب‌الدين محمد الرازي صاحب شرح المطالع والشمسية، والشيخ الفاضل علي بن أحمد بن يحيى المزيدي، والشيخ الأجل علي ابن طراد المطار باذي جميعاً، عن آية الله تبارك وتعالى في العالمين أفضل فضلائنا المتبحرين علّامة العلماء وفهّامة الفضلاء جمال‌الدين الحسن بن الشيخ العلّامة الفهّامة سديدالدين يوسف بن المطهر الحلّي، عن أبيه، وعن شيخ الطائفة إمام المحققين أبي القاسم

جعفر بن سعيد الحلّي، وعن سلطان العلماء وبرهان الفضلاء وامام الحكماء خواجة نصير الملّة والحق والحقيقة والدين محمد بن محمد، وعن السيدين الأجلين الأعظمين البدلين صاحبي المقامات العالية والكرامات المتوالية رضي‌الدين علي وجمال‌الدين أحمد ابني الطاوس العلوي الحسني، والشيخ العلّامة مفيدالدين محمد بن جهيم جميعاً، عن السيد الأجل العلامة فخار بن معد الموسوي، والشيخ الأجل الأعظم نجيب‌الدين محمد بن نما الحلّي، عن الشيخ الأجل العلّامة عميد الرؤساء هبة الله بن حامد، عن السيد الأجل بهاء الشرف بالصحيفة الكاملة زبور آل محمد وانجيل أهل البيت ـ سلام الله عليهم ـ باسناده المزبور في أول الصحيفة إلى سيّد الساجدين وقبلة العارفين وامام الموحدين وارث علوم الأنبياء والمرسلين علي بن الحسين بن أمير المؤمنين علي بن أبي طالب ـ صلوات الله وسلامه عليهم أجمعين ـ

ولأحوج المربوبين محمد تقي إجازة أعلى وأجل مناولة عن صاحب الزمان وخليفة الرحمن الحجّة بن الحسن في الرؤيا الطويلة التي ظهرت صحّتها بوجوه شتّى منها: اشتهار الصحيفة بعد الخمول على يدي.

وعن السيد فخار وابن نما، عن الشيخ الأجل محمد بن إدريس الحلّي، عن الشيخ الأعظم أبي علي الحسن، عن والده شيخ الطائفة محمد بن الحسن الطوسي، عن الحسين بن عبيدالله الغضائري، عن أبي المفضل الشيباني إلى آخر الأسانيد.

وعن السيد فخار وابن نما، عن الشيخ الأعظم محمد بن جعفر المشهدي سماعةً عن السيد الأجل بقراءة الشريف الأعظم نظام الشرف، وقراءة على أبيه الشيخ الأجل جعفر بن علي المشهدي، وعلى الشيخ الفقيه هبة الله بن نما وعلى الشيخ المقرئ جعفر بن أبي الفضل ابن شقرة، وعلى السيد الأعظم أبي الفتح بن الجعفرية، والسيد الأجل أبي القاسم بن الزكي العلوي، والشيخ الفاضل سالم بن قبارويه جميعاً، عن السيد بهاء الشرف.. الخ.

وعن السيد فخّار وابن نما، عن الشيخ أبي الحسن علي بن الخياط، عن الشيخ الأجل الأعظم عربي بن مسافر، عن السيد الأجل، وعن ابني الشهيد، عن السيد تاج‌الدين، عن والده أبي جعفر القاسم بن معيّة، عن خاله تاج‌الدين جعفر بن معية، عن أبيه السيد مجدالدين محمد بن الحسن بن معيّة، عن شيخ الطائفة.

وعن السيد تاج‌الدين، عن السيد كمال‌الدين محمد الآوي الحسيني، عن خواجة نصيرالملّة والدين محمد بن محمد بن الحسن، عن أبيه، عن السيد أبي الرضا فضل الله بن علي الراوندي، عن السيد العلّامة أبي الصمصام ذي الفقار بن معبد الحسيني، عن شيخ الطائفة المفيد محمد بن محمد بن النعمان، وعن السيدين الأعظمين الأجلين المرتضى والرضي، وعن شيخ الطائفة محمد بن الحسن الطوسي، وعن الشيخ الأعظم أحمد بن العباس النجاشي بكتبهما ورواياتهما التي منها الصحيفة الكاملة، فعن النجاشي، عن المفيد والشيخ ابن الغضائري، عن أبي المفضّل، وعنهم عن أبي المفضل الشيباني.. الخ.

وعن النجاشي، عن الشيخ الأعظم هارون بن موسى التلعكبري.

وعن شيخ الطائفة، عن مشايخه، عن هارون، عن أحمد بن العباس الصيرفي المعروف بابن الطيالسي المكنّى بأبي يعقوب روى الصحيفة في سنة خمس وثلاثين وثلاثمائة باسناده إلى يحيى بن زيد.

وعن شيخ الطائفة، عن جماعة من مشايخه، عن التلعكبري، عن أبي محمد الحسن المعروف بابن أخي طاهر، عن محمد بن مطهر، عن أبيه، عن عمير بن المتوكل، عن أبيه، عن يحيى بن زيد.

وعن شيخ الطائفة، عن أحمد بن عبدون، عن أبي‌بكر الدوري الوراق أحمد بن عبدالله ابن جُلين الثقة المعتمد.

وعن شيخ الطائفة، عن الحسين بن عبيدالله، عن الدوري، عن الحسن، عن محمد عن أبيه.. الخ.

وعن شيخ الطائفة بكتبه ورواياته ومنها: كتاب التهذيب والاستبصار.

وعنه، عن المفيد، عن الصدوق بكتبه ورواياته التي منها: كتاب من لايحضره فقيه وكتاب اكمال‌الدين واتمام النعمة وكتاب الخصال والعيون والتوحيد والأمالي وثواب الأعمال وعقاب الأعمال ومدينة العلم وغيرها.

وعن المفيد، عن الشيخ الأعظم أبي القاسم جعفر بن محمد بن قولويه القمي، عن الشيخ‌الأعظم رئيس المحدّثين ثقة الاسلام المعظم بين الخاص والعام، مروّج المذهب في

المائة الرابعة أبي جعفر محمد بن يعقوب الكليني الذي لم يجد مثله في العدالة والثقة والفضل والكمال بكتبه التي منها: الكافي الذي لم يصنّف في الاسلام مثله ترتيباً ووضعاً منقولاً عن الأصول الأربعمائة التي كانت معتمد أصحابنا الإمامية ـ رضي الله تعالى عنهم ـ واختاروها من جملة كتب الحديث المصنّفة التي يزيد على مائة ألف كتاب وأشار إلى بعضها شيخ الطائفة والنجاشي في فهرستيهما والصدوق في فهرسته.

والمعروف بين أصحابنا في الاجازات اجازة حديث بأقرب الطرق وأعلى الأسانيد، فمن ذلك ما حدّثنا به الشيخ بهاءالدين محمد، عن الشيخ عبدالعالي، عن أبيه الشيخ نورالدين علي بن عبدالعالي، عن الشيخ محمد بن داود، عن الشيخ ضياءالدين علي، عن الشهيد، عن المزيدي، عن الشيخ محمد بن صالح، عن السيد فخار، عن الشيخ شاذان بن جبرئيل القمي، عن الشيخ المعمّر الثقة جعفر بن محمد الدوريستي، عن المفيد، عن الصدوق محمد بن علي بن بابويه القمي، عن الشيخ محمد بن القاسم المفسّر الاسترآبادي، عن أبي يعقوب يوسف بن محمد بن زياد وأبي الحسن محمد بن سيّار، عن أبيهما، عن الامام الهمام الحسن بن علي العسكري بن محمد بن علي بن موسى بن جعفر بن محمد بن علي بن الحسين بن علي بن أبي طالب، عن أبيه، عن أبيه، عن أبيه، عن أبيه، عن أبيه، عن أبيه، عن أبيه، عن أبيه، عن أمير المؤمنين ـ صلوات الله وسلامه عليهم ـ قال: قال رسول الله ﷺ لبعض أصحابه ذات يوم: «يا عبدالله أحببْ في الله وأبغضْ في الله ووال في الله وعاد في الله فإنّه لاتنال ولاية الله إلّا بذلك، ولايجد رجل طعم الايمان وإن كثرت صلاته وصيامه حتى يكون كذلك، وقد صارت مؤاخاة الناس يومكم هذا اكثرها في الدنيا عليها يتوادون وعليها يتباغضون وذلك لايغني عن الله منهم شيئاً».

فقال له: وكيف لي أن أعلم انّي قد واليت وعاديت في الله عزّ وجلّ؟ فمن وليّ الله حتّى أواليه؟ ومن عدوّه حتّى أعاديه؟

فأشار له رسول الله ﷺ إلى علي ـ صلوات الله عليه ـ فقال: «أترى هذا»؟ فقال: بلى، قال:

«وليّ هذا وليّ الله فوالِه، وعدوّ هذا عدوّ الله فعاده، وال وليّ هذا ولو أنّه قاتل أبيك وولدك، وعاد عدوّ هذا ولو أنّه أبوك وولدك»[١].

وأقول: أروي بسند أعلى منه: فأخبرنا به أبوالبركات، عن الشيخ نورالدين علي، عن محمد بن داود، عن الشيخ ضياءالدين علي، عن الشهيد، عن الشيخ جلال‌الدين محمد بن الكوفي، عن المحقّق، عن السيد فخار، عن شاذان، عن الدوريستي، عن المفيد، عن الصدوق، عن أبيه، عن العطار، عن العمركي، عن علي بن جعفر، عن أخيه موسى بن جعفر، عن أبيه، عن أبيه، عن الحسين ـ صلوات الله عليهم ـ قال: قال رسول‌الله ﷺ: «يؤمر برجل إلى النار فيقول الله ـ جلّ جلاله ـ لملك: قل للنار لاتحرق لهم أقداماً فقد كانوا يمشون إلى المساجد، ولاتحرق لهم وجهاً فقد كانوا يسبغون الوضوء، ولاتحرق لهم أيدياً فقد كانوا يرفعونها بالدعاء، ولاتحرق لهم ألسنة فقد كانوا يكثرون تلاوة القرآن، قال: فيقول لهم خازن النار: يا أشقياء ما كان حالكم؟ قالوا: كنّا نعمل لغيرالله، فيقال (فقيل): لتأخذوا ثوابكم ممّن عملتم له»[٢].

وأعلى منه بالاسناد عن الصدوق، عن أبيه، عن عبدالله بن جعفر الحميري، عن هارون ابن مسلم، عن مسعدة بن زياد، عن الامام جعفر الصادق، عن أبيه ـ صلوات الله عليهما ـ عن جدّه الحسين ـ صلوات الله عليه ـ أنّ رسول‌الله ﷺ سئل فيما النجاة غداً؟ قال: «إنّما النجاة في أن لاتخادعوا الله فيخدعكم، فإنّه من يخادع الله يخدعه ويخلع منه الإيمان ونفسه يخدع لو يشعر». فقيل له: وكيف يخادع الله؟ قال: «يعمل بما أمره الله ثمّ يريد به غيره، فاتقوا الله والريا فإنّه شرك بالله إنّ المرائي يدعى يوم القيامة بأربعة أسماء: ياكافر، يا فاجر، يا غادر،

١ـ امالي الصدوق، ص ٦١؛ علل‌الشرايع، ج ١، ص ١٤١؛ وسائل‌الشيعة، ج ١٦، ص ١٧٨؛ بحارالانوار، ج ٢٧، ص ٥٤.

٢ـ عقاب‌الاعمال، ص ٢١٧؛ مسائل علي بن جعفر، ص ٣٤١؛ عدةالداعي، ص ٢١٤؛ الجواهر السنية، ص ١٤٣؛ بحارالانوار، ج ٦٩، ص ٢٩٦.

يا خاسر حبط عملك وبطل أجرك، ولاخلاق لك اليوم. فالتمس أجرك ممّن كنت تعمل له[١]».

والخبران صحيحان، وقال بصحة الخبر الأول الصدوق أيضاً، والجميع يدلّ على وجوب الاخلاص في العبادات وطلب العلم من أفضل العبادات وعلى خصوصه يدلّ ما رواه الصدوقان عن أبي جعفر ـ صلوات الله عليه ـ قال: من طلب العلم يساهي به العلماء أو يماري به السفهاء أو يصرف به وجوه الناس إليه فليتبوأ مقعده من النار. إنّ الرياسة لاتصلح إلّا لأهلها.

فالملتمس من الولد العزيز تصحيح النيّة والاخلاص في جميع الأعمال والتقوى من الله تعالى حتى ينفتح عليك العلوم اللدنيّة والمعارف الربانيّة والحقايق اللاهوتيّة بجاه محمد وآله خير البريّة.

نمّقه بيمناه الدائرة أحوج المربوبين إلى رحمة ربّه الغني المغني محمد تقي بن مجلسي، والحمد لله رب العالمين والصلاة على أشرف الأنبياء والمرسلين محمد وعترته الطيّبين الطاهرين الأقدسين، وكان ذلك في شهر ربيع الأوّل لسنة سبعين بعد الألف من الهجرة المقدّسة.

(٢٧)

محمد مؤمن بن عناية الله قهپائي*

نسخه‌اى از «تهذيب الأحكام» را نزد مجلسى اول خوانده و وى اجازاتى بين سالهاى ١٠٦٠ تا ١٠٦٤ براى او نگاشته است[٢].

١ـ امالى صدوق، ص ٦٧٧، ثواب‌الاعمال، ص ٢٥٥، معانى‌الاخبار، ص ٣٤١، بحارالانوار، ج ٦٩، ص ٢٩٥.

*ـ طبقات اعلام‌الشيعة قرن ١١، ص ٥٩٥ ـ ٥٩٦.

٢ـ كتابخانهٔ امير المؤمنين عليه السلام (علامه امينى)، نجف اشرف.

[٤٢]

أنهاه المولى العالم العامل مولانا محمد مؤمن ـ أدام الله تعالى تأييده ـ سماعاً وتحقيقاً في مجالس آخرها أوائل شهر الله المعظم رجب لسنة ستّين بعد الألف الهجرية.

نمّقه بيده الدائرة محمد تقي بن مجلسي ـ عفي عنهما ـ حامداً مصلياً مسلماً.

[٤٣]

أنهاه المولى الفاضل الكامل العالم العامل مولانا محمد مؤمن ـ أمسه الله تعالى في الدارين ـ سماعاً وتحقيقاً وتدقيقاً في مجالس آخرها اواسط شهر الله الحرام محرّم لسنة إحدى وستين بعد الألف الهجرية.

نمّقه بيده الدائرة أحوج المربوبين إلى رحمة ربّه الغني محمد تقي بن مجلسي ـ عفي عنهما ـ والحمد لله رب العالمين والصلاة على أشرف القديسين محمد وعترته الأمجاد المطهرين.

[٤٤]

أنهاه المولى الفاضل العالم العامل مولانا محمد مؤمن ـ أدام الله تعالى تأييده ـ سماعاً وتحقيقاً وتصحيحاً في مجالس آخرها أواسط شهر ربيع الأول لسنة اثني وستّين بعد الألف من الهجرة.

نمّقه بيده الدائرة محمد تقي بن مجلسي ـ عفي عنهما ـ حامداً مصلياً مسلماً.

[٤٥]

أنهاه المولى الفاضل العالم العامل مولانا محمّد مؤمن القهپائي ـ أدام الله تعالى تأييده ـ سماع تحقيق وتنقيح، في مجالس آخرها أوائل شهر جمادى الآخرة لسنة أربع وستين بعد الألف من الهجرة المقدّسة.

ونمّقه بيمناه الدائرة أحوج المربوبين إلى رحمة ربّه الغني محمّد تقي بن مجلسي حامداً مصلياً مسلماً.

[٤٦]

أنهاه المولى الفاضل والعالم العامل، ذو الأخلاق.. والكمالات الملكية مولانا محمد مؤمن القهپائي ـ أدام الله تبارك وتعالى.. ـ سماعاً منّي وتحقيقاً وتدقيقاً، وأجزت له ـ دام توفيقه ـ أن يروي عنّي هذا الكتاب مع بقية الكتب الأربعة للأبي جعفرين المحمدين الثلاثة ـ رضي الله تعالى عنهم ـ بأسانيدي المتصلة إلى أربابها، أعلاها ما أخبرني به الشيخ الأعظم والوالد المعظم، شيخ علماء الزمان.. مولانا عبدالله بن الحسين التستري، عن شيخه المعظم نعمت الله بن أحمد بن محمد بن خاتون العاملي، عن شيخ علمائنا المحققين مروّج مذهب الأئمّة المعصومين نورالدين علي بن عبدالعالي.

ح: وممّن أخبرني الشيخ المعظم بل الوالد الأعظم شيخ الطائفة في زمانه الشريف بهاءالدين محمد، عن أبيه شيخ الاسلام والمسلمين الحسين بن عبدالصمد الحارثي الهمداني، عن شيخ علمائنا المتأخرين زين‌الدين بن علي بن أحمد، عن الشيخ نورالدين علي بن عبدالعالي.

ح: وعن جماعة من أصحابنا منهم: الشيخ بهاءالدين محمد، عن العلّامة الفهّامة الشيخ عبدالعالي بن الشيخ نورالدين علي بن عبدالعالي، عن الشيخ الأجل شمس‌الدين محمد بن داود ابن عمّ الشهيد، عن الشيخ الأعظم ضياءالدين علي، عن أبيه شيخ علمائنا المحققين المدققين محمد بن مكي العاملي المعروف بالشهيد، عن الشيخ فخر المحققين محمد، عن أبيه شيخ الطائفة جمال الملة والحق والدين الحسن بن الشيخ المعظم سديدالدين يوسف بن مطهر، عن أبيه، عن السيد الأجل الأعظم فخار بن معد الموسوي، عن الشيخ شاذان بن جبرئيل القمي، عن الشيخ الأعظم جعفر بن محمد الدوريستي، عن شيخ الطائفة محمد بن الحسن الطوسي بكتبه.

وعن شيخنا الأعظم محمد بن محمد بن النعمان المفيد، عن الشيخ رئيس المحدثين محمد بن علي بن الحسين بن بابويه بكتبه.

وعن المفيد، عن الشيخ أبي القاسم جعفر بن محمد بن قولويه، عن الشيخ الأعظم ثقة الاسلام محمد بن يعقوب الكليني بأسانيده إلى الأئمة المعصومين ـ صلوات الله عليهم أجمعين ـ.

نمّقه محمد تقي بن مجلسي والحمد لله رب العالمين والصلاة على محمد وعترته الأقدسين.

(۲۸)

محمد مهدی بن محمد حسینی اصفهانی

نسخه‌ای از کتاب «الکافی» را نگاشته و به سال ۱۰۶۴ ق از کتابت آن فارغ شده و آنرا نزد مجلسی اول خوانده است و وی اجازه‌ای جهت او به سال ۱۰۶۳ ق نوشته است[1].

[٤٧]

أنهاه السيد الجليل والفاضل النبيل محمد مهدي ـ أدام الله تعالى تأييده وكثر في العلماء أمثاله ـ سماعاً وتحقيقاً وضبطاً في مجالس آخرها غرّة محرّم الحرام لسنة ثلاث وستّين بعد الألف من الهجرة.

نمّقه بيمناه الداثرة أحوج المربوبين إلى رحمة ربّه الغني محمّد تقي بن مجلسي حامداً مصلياً.

(۲۹)

مولانا مرتضی

در پایان جزء اول کتاب «الاستبصار» مجلسی اول انهائی به سال ۱۰۵۸ ق جهت او نگاشته است[2].

[٤٨]

أنهاه المولى اللوذعي الألمعي مولانا مرتضى ﷺ سماعاً في مجالس آخرها أوائل شهر الله الأصب لسنة ثمان وخمسين بعد الألف الهجرية.

۱ـ کتابخانهٔ آیة‌الله مرعشی، ش ۴۵۱۸.

۲ـ کتابخانهٔ آیة‌الله مرعشی، ۷۹۴۹.

نمّقه بيده الفانية أحوج المفتاقين إلى رحمة ربّه الغني محمد تقي بن مجلسي ـ عني عنهما بالنبي والوصي ـ والحمد لله ربّ العالمين والصلاة على أشرف المرسلين محمد وعترته الأماجد المطهرين.

(۳۰)

منوچهر ترکمان*

نسخه‌ای از «تهذیب الاحکام» را نزد استادش مجلسی اول خوانده و وی انهائی به سال ۱۰۶۲ ق جهت او نگاشته است[1].

[۴۹]

أنهاه المولى الفاضل العالم العامل حاجي منوچهر ـ أدام الله تعالى تأييده ـ سماعاً في مجالس آخرها أوائل شهر ذي القعدة الحرام لسنة اثني وستّين بعد الألف من الهجرة.

نمّقه بيمناه الدائرة أحوج المربوبين إلى رحمة ربّه الغني محمد تقي بن مجلسي حامداً مصلياً مسلماً.

(۳۱)

هاشم بن عبدالباقی حسینی اصفهانی خوراسکانی

جزء اول و دوم از «من لا یحضره الفقیه» را به سال ۱۰۵۲ ق کتابت کرده و آن را نزد مجلسی اول خوانده و وی انهائی به سال ۱۰۵۶ ق جهت او نگاشته است[2].

نسخه‌ای از «تهذیب الاحکام» شیخ طوسی نیز در کتابخانهٔ آستان قدس به شماره

---

*ـ طبقات اعلام الشیعة قرن ۱۱، ص ۵۸۷ ـ ۵۸۸.

۱ـ کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی، ج ۱۱، ص ۳۹۴.

۲ـ کتابخانهٔ آیة‌الله گلپایگانی، ش ۲۱۷، چون نیمهٔ دوم این کتاب به خط ابراهیم بن یوسف مازندرانی مظاهری اسدی به سال ۱۰۵۳ ق کتابت شده است احتمال آن می‌رود که این اجازه جهت او صادر شده باشد.

(۲۴۶۱۴) موجود است که مترجم به سال ۱۰۵۰ ق نگاشته است که در جلد ۲۶، ص۱۹۵ معرفی شده است.

[۵۰]

أنهاه ـ أدام الله تعالى تأييده ـ سماعاً وضبطاً وتحقيقاً وتدقيقاً في مجالس آخرها أواخر شهر ربيع الثاني لسنة ست وخمسين بعد الألف.

نمّقه أحوج المربوبين إلى رحمة ربّه الغني محمد تقي بن مجلسي ـ عفي عنهما بالنبي والوصي ـ.

(۳۲)

هدایت الله بن عبدالباقی حسینی مشهدی

نسخه‌ای از کتاب «الکافی» کلینی را به سال ۱۰۶۹ ق نگاشته است و آنرا نزد مجلسی اول خوانده و وی دو انهاء به سال ۱۰۶۲ و ۱۰۶۳ ق به وی داده است[1].

[۵۱]

أنهاه السيد الكامل العالم العامل أمير هدايت الله ـ هداه الله تبارك وتعالى إلى ما يحبّه ويرضاه ـ سماعاً في مجالس آخرها أواسط شهر محرم الحرام لسنة اثني وستين وألف من الهجرة.

نمّقه بيده الدائرة أحوج المربوبين إلى رحمة ربّه الغني محمد تقي بن مجلسي ـ عفي عنهما ـ حامداً مصلّياً مسلماً.

[۵۲]

أنهاه السيّد الفاضل والعالم العامل الأمير هدايت الله ـ هداه الله تعالى إلى ما يحبّه ويرضاه ـ سماعاً وتحقيقاً في مجالس آخرها أواسط شهر صفر لسنة ثلاث وستين بعد الألف الهجرية.

نمّقه بيمناه الفانية أحوج المربوبين إلى رحمة ربّه الغني محمد تقي بن مجلسي، والحمد لله وحده والصلاة على نبيّه وآله.

۱ـ کتابخانهٔ آیة الله مرعشی، ش ۲۶۰۷.

نسخه خطی اجازه شماره (۳)

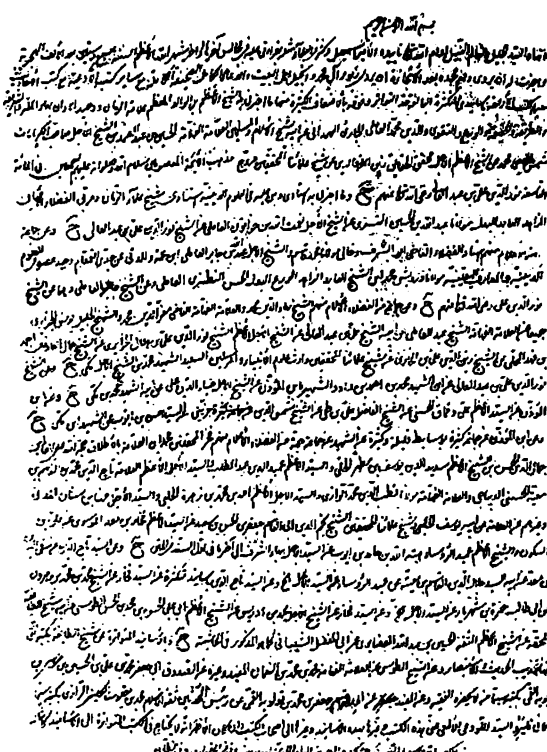

نسخه خطی اجازه شمارهٔ (۴)

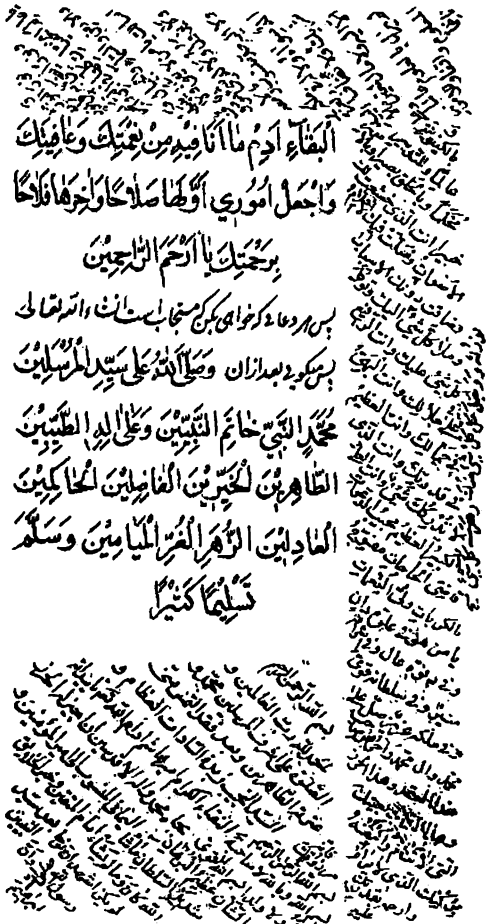
البقاء أدم ما أنا فيه من نعمتك وعافيتك
وأجعل أموري أولها صلاحا وآخرها فلاحا
برحمتك يا أرحم الراحمين
پس این دعاء کرخواهی بکن که مستجاب است انشاء الله تعالی
پس سکوت بعد ازان وصلی الله علی سید المرسلین
محمد النبي خاتم النبيين وعلى آله الطيبين
الطاهرين الخيرين الفاضلين الحاكمين
العادلين الزهر الغر الميامين وسلم
تسليما كثيرا

صفحهٔ اوّل نسخه خطی اجازه شمارهٔ (۵)

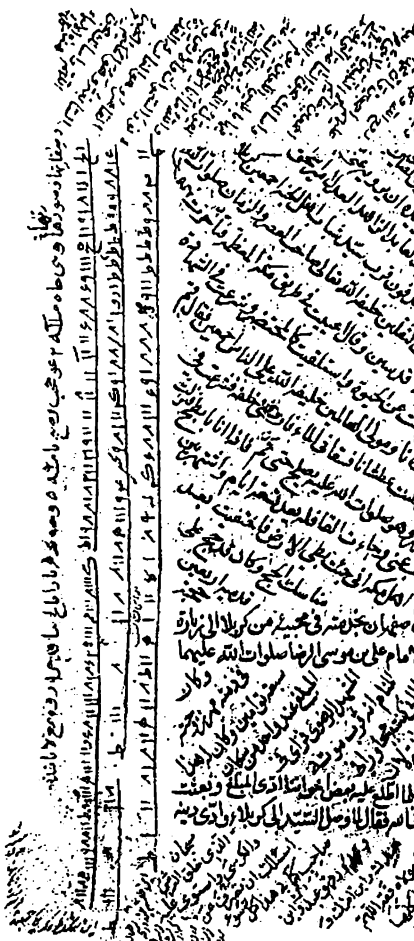

صفحهٔ دوم نسخه خطی اجازه شمارهٔ (۵)

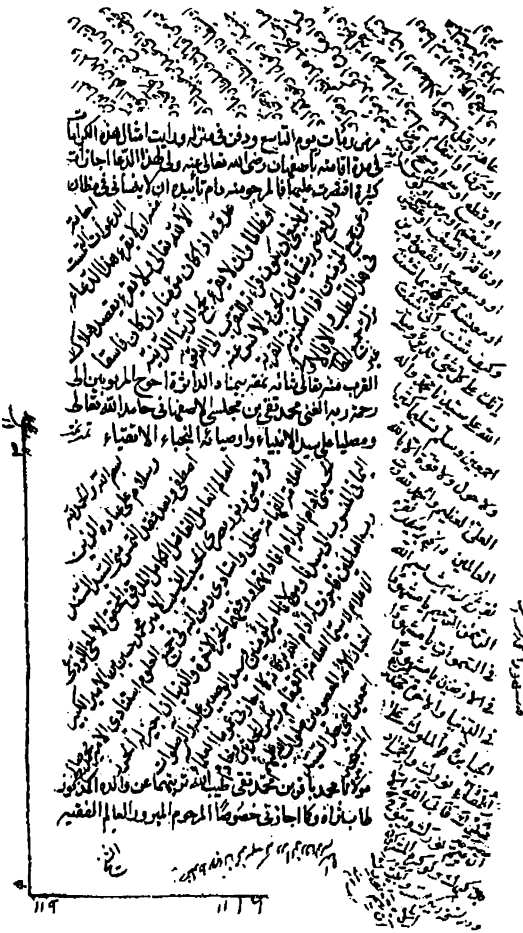

صفحهٔ آخر نسخه خطی اجازه شمارهٔ (۵)

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الذی جعل الروایة درکا لمبین احکامه و وصلة لنیل اعلی
درجات جنانه و نورا یهدی الی اتباع هداة صراطه و الصلوة
علی سید المرسلین خیر البریة اجمعین محمد و المنتجبین من آله
و بعد فیقول الفقیر عفو ربه الغنی محمد تقی بن جمل الاصفهانی
لما قد طبق العقل و النقل علی ان اشرف المدارک و انجح المطالب
هو العلم الذی به یفضی الی ملکوت السموات و یستحق باعمال الخیر الدرجات
و یتوسل به الی رضی خالق الارضین و السموات و ما هو الا العلم بکتاب
الله المجید الماخوذ عن سید الانبیاء و عترته الاصفیاء کما هو مبین من
حدیث الثقلین و غیره بل جمیع اخبارهم بیان المراد من الکتاب المبین
و لذا کان السلف رضی الله تعالی عنهم مهتمین ابدا رعایة الاخبار بالهمم العالیة
و النفوس الصافیة بادامة المهتمین الهادیة سلام الله علیهم تارة بالحفظ و المدارسة
و الفرق بین ما یقبل و یرد و ناخری بالجمع و التالیف و الاوراد و الروایة
علی اکمل وجوه الرعایة ثم درست عوائد التوفیق و طمست فوائد التاسید و ذهبت
معالم الشریعة البیضاء المصطفویة و زالت آثار الطریقة الغراء المرتضویة

صفحهٔ اوّل نسخه خطی اجازه شمارهٔ (۱۱)

مشارالیه فقد رویتا بالاسناد الآنف الی امیرالمؤمنین وامام العارفین علی
بن ابی طالب سلام الله تعالی وصلواته علیه انه قال من کان من شیعتنا عالما بشریعتنا
فاخرج ضعفاء شیعتنا من ظلمة جهلهم الی نور العلم الذی حویناه جاریوم القیمة علی
راسه تاج من نور یضیئ لاهل جمیع العرصات وعلیه حلة لایقوم لاقل سلک
منها الدنیا بحذافیرها وینادی مناد هذا عالم من بعض علماء آل محمد
الا فمن اخرجه من ظلمة جهله فی الدنیا فلیثبت به لیخرجه من حیرة ظلمة العرصات
الی نوره الجنان فیخرج کل من کان علمه فی الدنیا خیرا او فتح عن قلبه من الجهل قفلا او
اوضح له عن شبهة الی غیر ذلک من الاخبار الکثیرة عن کل واحد عن الائمة المعصومین
صلوات الله علیهم اجمعین والتمست منه دام ظله ان لایخلنی فی مکان من
اجابة الدعوات کما ازال الله تعالی منه بناء الدائرة احوج الربایا
الی رحمة ربه الغنی محمد تقی بن مجلسی عفی عنهما فی شهر ربیع الثانی لسنة اثنی وتسعین
بعد الهجرة المقدسة والحمد لله رب العالمین والصلوة علی اشرف
الانبیاء والمرسلین وسید الاولین والاخرین
محمد وعترته الاصفیاء النجباء الطیبین
الطاهرین المعصومین
وسلم تسلیما کثیرا
الی یوم الدین

صفحهٔ آخر نسخه خطی اجازه شمارهٔ (۱۱)

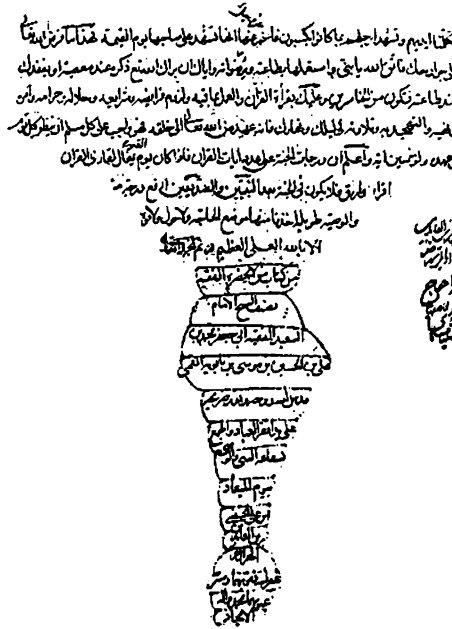

نسخه خطی اجازه شمارهٔ (۱۲)

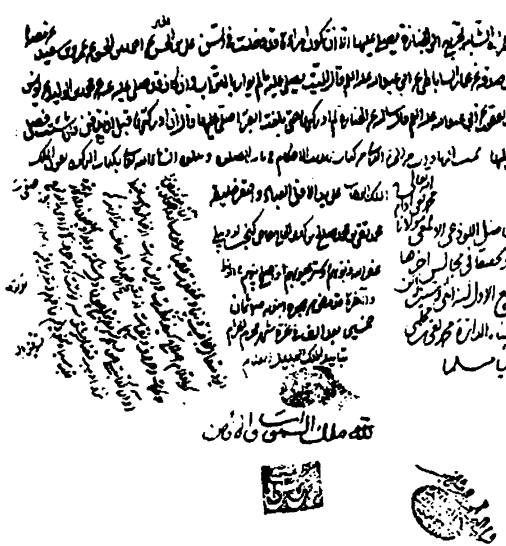

نسخه خطی اجازهٔ شمارهٔ (۲۲)

نسخه خطی اجازه شمارهٔ (۳۲)

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلوة على سيد الانبياء واشرف المرسلين محمد وعترته النجباء الاصفياء الطيبين الطاهرين وبعد فلما تشرفت بمطالعة شرح الكافي في الفقه الاكبر لرئيس المحدثين مروج مذهب الائمة المعصومين محمد بن يعقوب الكليني الرازي رضي الله تعالى عنه وحشره مع شفعائه يوم الدين الذي الفه المولى الفاضل الكامل العالم العامل جامع المعقول والمنقول حاوي الفروع والاصول العلامة الفهامة مولانا محمد صالح المازندراني ادام الله تعالى تأييده وكثر في علماء [illegible] امثاله فوجدته في غاية التحقيق ونهاية التدقيق اجزت له دام فضله ان يروي هذا الشرح [illegible] ان يروي عني هذا الكتاب مع ساير الكتب الاربعة للاجعفرين المحمدين الثلثة رضي الله تعالى عنهم وعن ساير السلف الصالحين مع ساير كتب الاخبار والاحاديث والتفاسير والفقه والاصول والكلام والعربية والقراءة والصرف والنحو وغيرها من العلوم [illegible] ساير مؤلفات المتقدمين والمتأخرين [illegible] ان قرأ على هذا الضعيف من اوله الى آخره [illegible] كتب الاحاديث باسانيدي المتكثرة عن مشايخي المتصلة الى الائمة الهادين عن سيد المرسلين عن الله تبارك وتعالى [illegible] والتمست منه [illegible] في مظان الاجابة [illegible] وان يبالغ بالجد والجهد في اتمام هذا الشرح والاجر من الله تبارك وتعالى ان يوفقه لاتمام شرح هذا الكتاب وشرح باقي كتب الاحاديث وان يجعله خالصا لوجهه الكريم وذخيرة ليوم يقوم الناس لرب العالمين [illegible] المحتاج الى رحمة ربه الغني محمد تقي بن مجلسي الاصفهاني والحمد لله رب العالمين والصلوة على اشرف [illegible] محمد وآله الاصفياء المقدسين

وكان ذلك في غرة شهر [illegible]

[illegible] سنة اثني وستين
بعد الالف
من الهجرة المقدسة

م م م

نسخه خطی اجازهٔ شمارهٔ (۳۵)

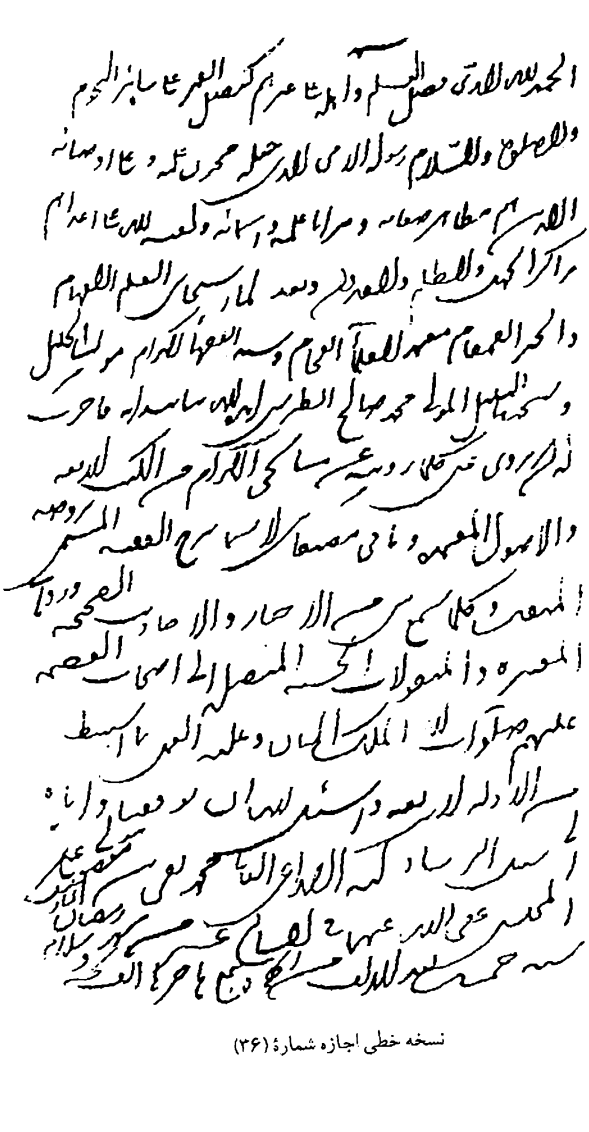

نسخه خطی اجازه شمارهٔ (۳۶)

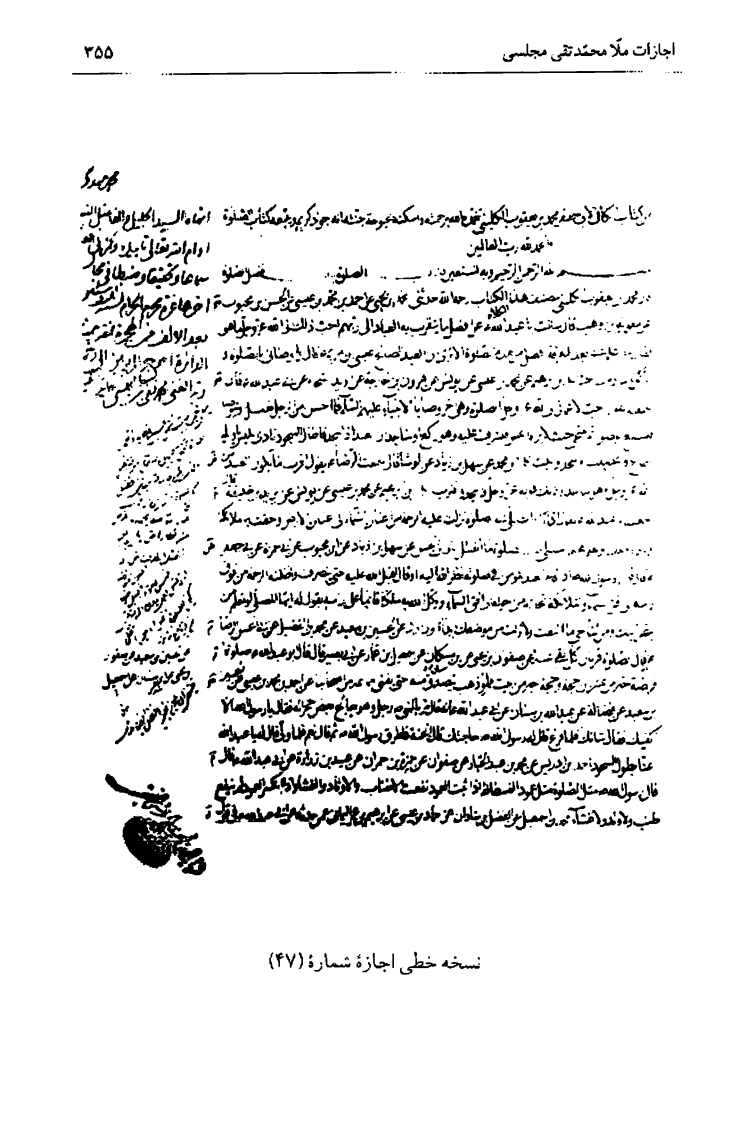

نسخه خطی اجازهٔ شمارهٔ (۴۷)

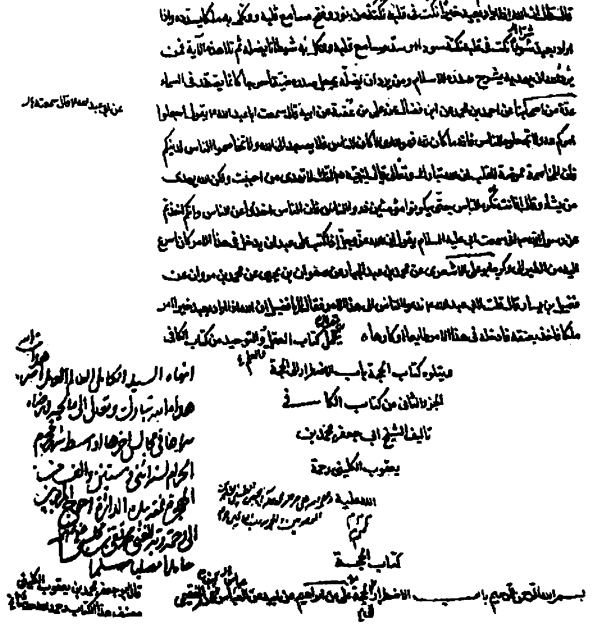

نسخه خطی اجازهٔ شمارهٔ (۵۱)